



سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۲۴ صفحه

۲۵ ریال

سال دوم - دوشنبه ۳۱ شهریور ۱۳۵۹

**در صفحات دیگر این شماره:**

- محاکمه مجاهد اسیر سعادت می محکوم است صفحه ۲۴
- خطاب به رفقای دهک دار نشریات انقلابی\* صفحه ۱۱
- روزیونیستهای فدایی از طرف توده‌ها افشا و طرد میشوند صفحه ۵
- نقد فیلم "مبارزین باسکت" روزیونیستم علیه آوانتوریسم صفحه ۱۵
- رزمندگان و مسئله روزیونیستم و سوسیال امپریالیسم شوروی (۵) صفحه ۹
- با چشم باز در افق خونین کردستان - خاطرات یک سرباز (۴) صفحه ۶



**اطلاعیه وحدت با**

- ۱- اتحاد زحمتکشان بلوچستان
  - ۲- بخشی از گروه "کارگر، دهقان، دانشجو"
  - ۳- گروه "دانشجویان و روشنفکران کمونیست" (درک)
  - ۴- بخشی از "مبارزین طبقه کارگر" (هسته مقاومت ۳)
- صفحه ۷

**طبقه کارگر ایران با مبارزه متحدانه خود ۴۰ ساعت کار در ۵ روز هفته را به سرمایه داران تحمیل خواهد کرد**

صفحه ۳

**امشاکری سازماندها مقاومت سراسری این است شعار جنبش انقلابی دانشجویان و دانش آموزان**

قسمت هایی از پیام سازمان به دانشجویان و دانش آموزان انقلابی بمناسبت آغاز سال تحصیلی

صفحه ۱۹

**خلق فلسطین پس از سپتامبر سیاه: ضربه ای که مرا نکشد قویترم میکند**

توطئه سرکوب انقلاب فلسطین در اردن چرا و چگونه آغاز شد؟  
نقاط قوت و ضعف انقلاب چه بود؟  
حما سه مقاومت خلق فلسطین و وظیفه ما در حمایت از آن

صفحه ۱۷

**سخنی با رفقا! اعضا و هواداران!**

پیرامون پرسش نامه نشریه "پیکار"

صفحه ۱۳

**اوجگیری بحران در بالا و سیاست کمونیستها در قبال آن**

تشکیل کابینه راجا ادا مه بحران در هرات حاکمه را به مرحله جدیدی از اوجگیری خود رسانده است. در شرایط کنونی جناحهای متقابل حاکمیت به صورتی عربیان بسی برده علیه یکدیگر اعلان جنگ کرده و در این درگیریهای حاد یکدیگر را در پیش توده‌ها رسوا مینمایند آنان که روزی در پشت شعار "وحدت و اخوت اسلامی" توده‌های خود را میپوشانند اینک یکدیگر را از یک سو "مغرب"، "انصار" - طلب"، "مشرک"، "پهرو حزب معاویه" و... و از سوی دیگر "عمریکتی"، "لیبرال" "ملی گرا"، "غرب گرا" و... می نامند و هر یک از دو جناح اساسی حکومت از میان آنگاه و عدم امکان همکاری سال "اسا" نمی ورزند. اما برای ستی تندیدیمایه تها در درون هیات حاکمه چگونه قابل توضیح است؟

بقیه در صفحه ۲

**پیرامون جنگ ایران و عراق**

مزدوران بعث به ساز امپریالیسم آمریکا میرقصد

در هفته‌های اخیر دنبال حدود ۵ ماه حملات پراکنده آنها حملاتی ارتش فاشیستی بعث عراق بر علیه خلقهای میهن ما افزایش یافته است. این حملات وحشیانه به نواحی مرزی، سوزده قهرتسین تا کنون به ویرانی برخی از شهرها و روستاهای مرزی و تهاجمات مداوم از زحمتکشان مرزنشین میهن ما انجامیده و دمدمت مالی و جانی فراوانی به هم میهنان مادر نواحی مرزی وارد ساخته است. این اولین بار نیست که زحمتکشان

**مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران**



بقیه از صفحه ۱ **اوجگیری** . . .

حکومت جمهوری اسلامی از قیام به پیشوتحست  
 هژمونی لیبرالها قرار گرفته اما این اعمال هژمونی  
 هرگز نمی توانست به معنای پایان یافتن تضادهای  
 درون هیئت حاکمه باشد. بورژوازی متوسط سنتی و در  
 کنار آن خرده بورژوازی مرفه سنتی در برابر نفوذ  
 رهبری کننده لیبرالها نمی توانستند برای همیشه  
 تضادهای درونی را پنهان نگاه دارند. واقعاً سفارت  
 ویدنبا ل آن سقوط دولت با زرگان نه تنها بیان آشکار  
 تضادهای درون هیئت حاکمه بود، بلکه همچنین حکایت  
 از وارد آمدن مبرماتی به بورژوازی لیبرال میکرد .  
 لیبرالها اگرچه ضربه خوردند، لیکن کماکان موقعیت  
 هژمونیک و اصلی خود در قدرت سیاسی را حفظ نمودند .  
 ارتش، اقتصاد، سیاست خارجی و بخشهای مختلف  
 دستگاه اداری، از جمله مراکز کلیدی و مهمی بودند که  
 در تصرف لیبرالها - گاه ها به مثابه رکت کبیرا دورها -  
 باقی ماندند. حزب جمهوری اسلامی حرکت خزانده و  
 تدریجی خود را جهت قدرتیگیری بیشتر و در نهایت کسب  
 هژمونی ادا میداد و در این ارتباط با بدگفت قبضه  
 کردن قوه قضائیه، به کنترل درآوردن قوه مقننه،  
 تصرف مواضع مهمی از قوه مجریه و بدست گرفتن کنترل  
 عمده ارگانهای تبلیغاتی مانند رادیو و تلویزیون،  
 مشخص کننده سیر قدرت گیری حزب جمهوری اسلامی میباشد،  
 در ادامه این روند از درگیریهای درون هیئت  
 حاکمه مسئله تعیین نخست وزیر و تشکیل دولت رجاشی  
 تضادهای رابه بعد جدیدی گشاید. در این مورد اگرچه  
 جنگ قدرت پایان نیافت و "فناشم گام" ملا تقی  
 نگشته و هنوز سر نوشت بخش مهمی از مراکز کلیدی دولت  
 بلاتکلیف مانده است، ولی حزب جمهوری اسلامی مواضع  
 جدیدی را متصرف میشود و فراتر از جدیدی به جناح  
 لیبرال ها وارد می آید.

بدین ترتیب تضادهای بالایی ها "که در بیشتر  
 میاز به طبقه های و بحران جامعه تعمیق می یافت ،  
 بخشی از مختلف تضاد انقلاب رابه رویا روشی متقابلاً  
 سوق میداد و بلاخره در مقیاسی از رشد خود، این تضادهای  
 دمل چرکین بحران درون هیئت حاکمه را می ترکاندند :  
 لیبرالها که ضربه خورده اند از موضع تدافعی و در عین  
 حال جهت حفظ هژمونی لیزان خود علیه حریف رشید  
 یا بنده خود اعلان جنگ می کنند و شاید آن نه توده ها رابه  
 حمایت از خود فرامی خوانند. لیبرالها که پیوسته در  
 اتحاد با حزب جمهوری اسلامی در راه مبارزاتی نظام  
 گنبدیده سرما به اداری وابسته و سرکوب جنبش و انقلاب  
 کوشیده اند، این بار مزورانه در برابر توده ها به  
 مظلوم نمایی پرداخته و برای مقابله با حریف هر زور  
 خود توده ها رابه کمک می طلبند. لیبرالها در راه تأمین  
 منافع ارتجاعی خود به حزب حمله برده، روش حزب را  
 "روش تخریب و تخریب"، سیاست او را "جاده مافکسن  
 دشمن" و هدف او را "برقراریکردن استبداد" معرفی  
 کرده و مطرح می نمایند که در پی "جلوگیری از حاکمیت  
 مطلق همان گروه فلیتی که در همه جا جنگ انداخته  
 است و میخواهد حکومت را در دست بگیرد" میباشد ( از  
 سخنان بنی صدر در ۱۷ شهریور). بعد از تعیین نخست  
 وزیر و بخشی از وزرای دولت که همگرا پیش با خط حزب  
 میباشد لیبرالها به تعرض آشکار دست میزنند؛ اما  
 حزب جمهوری اسلامی نیز متقابلاً به تعرض روی میاورد

حزب که بر پایه سیاست آیت مزدور تا کنون در پی  
 آن بود تا بطور پنهانی و گام به گام مبنی صدر را "سکه  
 یک پول" بکند، این بار اهداف پنهانی خود را بطرز  
 عریان و بیسابقه مطرح میسازد. بهشتی در توضیح  
 اهداف حزب میگوید :  
 "رئیس جمهور با بدبیطبق این خطی که از طریق  
 رهبری و شورای نگهبان و مجلس شورای اسلامی  
 تعیین میشود حرکت کند، این وظایف کاملاً روشن  
 است، جاشی برای ایضا نیست که بگوئیم رئیس  
 جمهور خطی را تعیین میکند" (روزنامه جمهوری  
 اسلامی ۲۵ شهریور)

دیگری بشما رهنمی آید .  
 اگرچه حزب جمهوری اسلامی امروز بمناسبت بنده  
 بورژوازی متوسط سنتی در موضع تعرضی بوده و در حال  
 قدرت گیری هرچه بیشتر می باشد و اگرچه سیاست این  
 حزب، سیاست ترور و سرکوب عریان است، لیکن این  
 واقعیت ها بهیچوجه به این معنا نیست که بورژوازی  
 لیبرال، مرتجعانه به سرکوب انقلاب دست نزده و بسا  
 نخواهد زد. بر اساس یک سیاست عمومی، بورژوازی  
 لیبرال، بورژوازی متوسط سنتی و خرده بورژوازی  
 مرفه سنتی در برابر انقلاب عقداً دشمن و آنها دشمن  
 انقلاب توده ها می باشد. بورژوازی لیبرال کسبه

- حزب که بر پایه سیاست آیت مزدور تا کنون در پی آن بود تا بطور پنهانی و گام به گام بنی صدر را "سکه یک پول" بکند این بار اهداف پنهانی خود را بطرز عریان و بیسابقه مطرح میسازد .
- مبارزه هیچکدام از این دو بخش بهیچوجه قابل دفاع و حمایت نمیشد و حیات طبقه کارگر، کمونیستها و سایر انقلابیون از هر یک از دو بخش حیات حاکمه جز بمعنای قبول بردگی یک بخش از هیات حاکمه ارتجاعی چیزی دیگری بشمار نمی آید .

منظور بهشتی چیست ؟ پاسخ به این پرسش ها این  
 هدف را روشن میسازد، تضاد سیاسی - اندوژنیک  
 آیت الله خمینی به سمت کدام نیروی سیاسی است ؟  
 در شورای نگهبان سیاست کدام حزب اعمال میشود ؟ در  
 مجلس شورا خط مشی کدام جریان سیاسی پیاده میگردد ؟  
 جواب روشن است ، حزب جمهوری اسلامی، جوهر کلام  
 بهشتی اینست که لیبرالها و رئیس جمهور با بدبیتحت  
 هژمونی و سیاست حزب فرا گیرند، ها شمی رفتن جاشی  
 رئیس مجلس شورا در پاسخ به سخنرانی بنی صدر  
 می گوید :  
 "همانقدر که ایشان (بنی صدر) از حکومت مکتبی ها  
 احساس وحشت میکنند ما هم به همان اندازه از  
 حکومت لیبرالها وحشت داریم" (همانجا)  
 روشن است که این دو جناح از یکدیگر وحشت  
 ندارند، بلکه تنها عاملی که آنها را به وحشت می -  
 اندازد انقلاب توده ها است . چیزی که مورد اعتراض و  
 مخالفت آقای رفتن جاشی و حزب میا شد رهبری  
 لیبرالها بر حکومت است . آنان میخواستند هژمونی  
 در قدرت سیاسی رابه قبضه درآوردند و لیبرالها را تابع  
 سیاست خود نمایند، بلیه مسئله اصلی در اینجا است .

**اوضاع کنونی و وظایف کمونیستها**

جنگ قدرتی که جریان دارد در برپا به تضادهای درون  
 هیئت حاکمه ارتجاعی یعنی از یکسو بورژوازی لیبرال  
 و از سوی دیگر بورژوازی متوسط سنتی و خرده بورژوازی  
 مرفه سنتی قرار داشته و هدفی که این جنگ قدرت  
 تعقیب می نماید مسئله هژمونی در قدرت سیاسی است .  
 مبارزه هر دو بخش از هیئت حاکمه را می مضمون ارتجاعی  
 بوده زیرا این مبارزه در جهت اعمال هژمونی بر  
 قدرتی است که با دار نظام، اجتماع اقتصادی و سیاسی  
 گنبدیده حاکم میباشد، نظامی که در تضاد شتی نا پذیر  
 با انقلاب توده ها قرار دارد . به همین لحاظ مبارزه  
 هیچکدام از این دو بخش بهیچوجه قابل دفاع و حمایت  
 نمی باشد و حمایت طبقه کارگر، کمونیستها و سایر  
 انقلابیون از هر یک از دو بخش هیئت حاکمه جز بمعنای  
 قبول بردگی یک بخش از هیئت حاکمه ارتجاعی چیزی

هژمونی لیزان نشد در معرض تعرض حزب قرار گرفته می -  
 کوشد تا خود را بطور عموم مخالف سیاست "سرکوب و  
 دیکتاتوری" نشان دهد، حال آنکه این دروغی بیش  
 نیست . لیبرالها مخالف سرکوب جناح خود و مخالف  
 اعمال دیکتاتوری علیه خویش نمیشدند، حال آنکه  
 آنان بهیچوجه مخالف سرکوب انقلاب نمی باشند .  
 در سرکوب و کشتار کردستان، ترکمن صحرا، دا ننگاه و  
 غیره همه بخشهای هیئت حاکمه دست داشته اند و همه  
 بخشهای هیئت حاکمه خاش به انقلاب و جناح بتکارند .  
 بورژوازی لیبرال امروز عوارضی میکند و  
 خود را "مظلوم" جلوه میدهد تا از توهمن آگما می توده ها  
 بهره جسته و از توان آنان و نیروهای سیاسی متزلزل،  
 در راه اهداف ارتجاعی خود بهره گیری نماید . متأسفانه  
 عدم رشد و نفوذ گسترده کمونیستها در میان طبقه کارگر و توده  
 ها هنوز این امکان را باقی گذاشته که لیبرالها بر  
 توهمن توده های نا آگما سوار شوند . کمونیستها و انقلابیون  
 راستین نباید به بدآموزان بها افتند . هر سیاستی که  
 سیاست حمله به حزب و عدم حمله به لیبرالها و سیاست  
 حمله به لیبرالها و عدم حمله به حزب را مطرح سازد یک  
 سیاست انحرافی و راستروانه خواهد بود . زیرا این  
 سیاست، دنباله روی از بخشی از هیئت حاکمه را مطرح  
 میسازد . این سیاست، سیاست روبرویونیتها و نیرو -  
 های ناپیگیری مانند ما دین میباشد . حزب جمهوری  
 اسلامی و نمایندگان خرده بورژوازی مرفه سنتی، به  
 لحاظ عملکرد آنها و سیاستهای آشکارا ارتجاعی شان و  
 به همت انقلابیون پیگیر، تا حدود زیادی افشا شده اند  
 و لیبرالها نیز به همت انقلابیون که در دام توهمن  
 لیبرالی فرورفتند، بمقابله س قابل توجهی رسوا  
 شده اند، ولی علیرغم این دستاوردها، هنوز توده های  
 توهمزده بسا رسند و لیبرالها میگویند با لگت گذاردن  
 بر "زیاده رویها و انحصارطلبی ها" حریف اناریا بتی -  
 های مردم بسود خود بهره گیرند . لیبرالها چنین وانمود  
 میسازند که آنها طرح اقتصادی جهت حل بحران دارند  
 حال آنکه "انحصارطلبان" امکان پیدا دهند آنرا نمی -  
 دهند . لیبرالها با این شگردها در پی فریب مردم بوده  
 و می خواهند نشان دهند که خود را مردم اند . حال آنکه

بقیه در صفحه ۳۱

**رجائی، عامل حزب جمهوری اسلامی و برادر لیبرالهاست**



# اخبار کوتاه کارگری

تهران

کارگران مبارز ترانس پیک ،  
۴۰ ساعت کار در هفته را به مورد اجرا گذاشتند

۴۰ ساعت کار در هفته از جمله خواسته های به حق کارگران و زحمتکشان است که کارگران مبارز ترانس پیک در سه ماه اخیر دو هفتگی آنرا به اجرا درآوردند. کارگران مبارز ترانس پیک که در ماه رمضان روز -انه ۱/۵ ساعت از ساعات کار خود را کم کرده بودند (که در نتیجه ساعات کار آنها از ۴۸ ساعت به ۴۹ ساعت در هفته رسیده بود) ، بعد از ماه رمضان دیگر حاضر نمی -توانند بیش از ۴۰ ساعت کار در هفته انجام دهند ، این کارگران ضمن پشتیبانی قاطع و یکپارچه از شورای منتخب خودشان خواستار پیگیری در این زمینه شده و اعلام میکنند که اگر هیات مدیره و مدیرعامل دولتی با خواست آنها مخالفت کند خودشان به جنبش ران تعطیل کرده و به کارخانه نخواهند آمد .

هیات مدیره و مدیرعامل دولتی که از یکطرف شاهد همبستگی و یکپارچگی کارگران بودند و از طرف دیگر قبلا نیز نمونه هایی از ابراز قاطعیت کارگران (مانند اخراج عناصر ضد کارگران کارخانه) را دیده بودند تا گریز به خواست آنها کردن می نهند. و کارگران از هفته دوم شهریور ماه ۴۰ ساعت کار در هفته را به مورد اجرا می -گذارند. این کارگران همچنین موفق شده اند که به کمک شورای خود چند تن از عناصر ضد کارگران را از کارخانه اخراج نمایند .

اصفهان

## اخراج کارگران شرکت گسترش مسکن

بدنبال توطئه های گوناگون کارفرمایان شرکت گسترش مسکن علیه کارگران (مانند اخراج عده ای از کارگران و کارمندان مبارزان این شرکت ابتدا زکسی مهندس مقصودی، سرپرست یکی از کارگاه های این شرکت دست به توطئه دیگری زده است .

در تاریخ ۵۹/۳/۲۳ زاندا امری طی بخشنامه ای از مقصودی میخواهد که کارگران مشمول سربازی را معرفی و از ادامه کارشان جلوگیری کند. اما از آنجا که در آن موقع کار شرکت زبا نبود، وی به بخشنامه مذکور توجهی نمی نماید و در تاریخ ۵۹/۶/۱۵ که کار تمام میشود ، بخشنامه را رومی کند تا از پرداخت مبلغی که باید بپردازد - فرمایان در پایان کارهای پروژه ای به کارگران بدهند سربازان زنده مقصودی در پاسخ اعتراض کارگران فریاد میگوید: " این من نیستم که شما را اخراج میکنم! دارم نظارت موظف است. میتوانم بیروید بقیه اش را بچسبید." و به این ترتیب با اطمینان خاطر از حمایت قوانین رژیم جمهوری اسلامی از سرمایه داری ۱۵ روز دستمزد (مبلغ پرداختی در این شرکت) ۲۰۰ کارگر اخراجی را بالا می کشد!

بقیه در صفحه ۲۳



# جنبش کارگری

## طبقه کارگر ایران با مبارزه متحدانه خود ۴۰ ساعت کار در ۵ روز هفته را به سرمایه داران تحمیل خواهد کرد!

کارمندان و کارگران و همکاران! این است که شما را استعمار و استثمار کارگران و افزایش فشار بر کارمندان ساعت کار هر دورا ۴۴ ساعت کرده اند! خواست کارگران این است که ساعات کارمندان بقیه در صفحه ۲



کارگران مبارز! شورای انقلاب در آخرین روزهای حیاتش و در اواخر ماه سپتامبر صد کارگری اش و با تصویب قانون ۴۴ ساعت کار در ۵ روز هفته به خواست ابتدائی کارگران دهن کجی نمود! البته که از میان سرمایه داران و چنین شورای "انقلابی" انتظار بیشت از این نبود! رفقای کارگر...

هم اکنون در بسیاری از کارخانجات، کارگران با عمل انقلابی خود ۴۰ ساعت کار در ۵ روز هفته را به اجرا درآورده اند و این نشان میدهد که جنبش با مبارزه متحدانه کارگران میتوان از این حق ابتدائی پاسداری کرد.

رفقای کارگر شما باید با توضیح ضرورت ۴۰ ساعت کار در ۵ روز هفته برای سایر کارگران، مصممانه برای اجرای آن تلاش کنید! اکنون موقعیت بسیار مساعدی است. جنب و جوش کارگران در کارخانه ها به منظور اعتراض به قانون ۴۴ ساعت کار در هفته نشان داده است که کارگران ما زیر بار این قانون نمیروند! باید مصممانه در راه تحقق دوروز تعطیلی در هفته و ۴۰ ساعت کار در روز و ۵ روز در هفته، با بدلائیل عناصر ضد کارگر در کارخانه ها را که همداستانان شورای انقلاب میگویند: " برای همان کردن ساعات کارمندان و کارگران ساعت کار باید ۴۴ ساعت در هفته باشد، اثبات نمود. این

## در کارخانه تراکتور سازی تبریز، بحث سیاسی ممنوع و بازگشت مزدوران رژیم سابق و کارشناسان خارجی آزاد اعلام گردید

انقلابیست را ملاحظه می کنید .  
۱ - هیئت مذکور از سرپرستان قسمتها خواست که طی سه روز کلیه افراد دیپلماتیک قسمتها خود را اعلام کنند تا کارگران با صلاح اضافی از کارخانه به جهاد سازندگی منتقل گردند. اما هدف از این کار چیست؟ هیئت سرپرستی که نماینده دولت سرمایه داری است بدین وسیله میخواهد کارگران انقلابی و کمونیست را از سایر کارگران جدا نموده و به خیال خام خود از نفوذ آگاهی طبقاتی بدون طبقه کارگر جلوگیری نماید . آنگاه در فرصتی دیگر این کارگران را از جهاد سازندگی جدا کرده و زیر بار اخراج آنها از بقیه در صفحه ۴

در کارخانه تراکتور سازی تبریز، بحث سیاسی ممنوع و بازگشت مزدوران رژیم سابق و کارشناسان خارجی آزاد اعلام گردید . بدنبال اعتماد به قهرمانان کارگران تراکتور سازی تبریز برای تشکیل شورای واقعی، بازگشت کارگران اخراجی، ۴۰ ساعت کار و سود ویژه... و سپس سرکوب اعتماد با طریق دستگیری کارگران مبارز و ایجاد تفرقه در بین آنها، هیئتی بنام هیئت سرپرستی مدیریت کارخانه را بدست گرفت . این هیئت با همکاری کامل هیئت پاساژی و کارکنان فرهنگی اسلامی تراکتور سازی شروع به کار کرد و در زیربنای کارخانه اقدامات ضد کارگری و ضد

# پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



## مقاومت قهرمانانه کارگران پوشش در برابر تهاجم وحشیانه پاسداران

شاعرهای "مرگ برپا سدار"، "در سنگر شوراها"، "نه ما زین، نه تسلیم، نه بردبار آمریکا، نه بردبار ارتجاع"، "درد بر کارگر مپا رز" کینه طبقاتی و نفرت عمیق خود را نسبت به رژیم‌ها می‌سرما به داران نشان میدهند.

کارگران بعد از طی مسافتی به کارخانه برگشته و دوباره نمایندگان آنها شروع به افشاکاری مینمایند پس از مدتی با ردیگرها سداران مزدور به کارخانه ریخته و به کارگران حمله میکنند. اما این بار ریزش با مقاومت گسترده کارگران بخصوص زنان قهرمان روبرو میشوند. کارگران با حمایت از نمایندگان مبارز خود حماسه‌ای پرتشوکه از مقاومت و مبارزه کارگری را پدید می‌آورند. در این بیورش وحشیانه دوشن دیگر از کارگران دستگیر میشوند. با سداران که انتظار چنین مقاومت قهرمانانه‌ای را از طرف کارگران نداشتند، وحشت زده دست به حرکات وحشیانه می‌زنند. آنها با کلت بسوی یکی از کارگران قهرمان شلیک کرده و او را مجروح می‌سازند که هم‌اکنون در بیمارستان بستری است. پس از رفتن پاسداران با ردیگرها کارگران دست بر کارگر مپا رز "فضای خفقان با رکارخانه را با شور و نشاطی خودپرمی کنند."

بدنبال اخراج ۲۶ نفر از کارگران کارخانه پوشش که ۲۴ نفر از آنها از کارگران و نمایندگان مبارز بودند و نیز پس از اظهارات کارگران به حمایت از کارگران اخراجی و آوردن آنها به درون کارخانه، قرار می‌شود روز شنبه ۵۹/۶/۱۵ کارگران مبارز اخراجی در کارخانه حاضر شوند تا هیئت با صلاحیت کارگری دلایل اخراج آنها را بسرای کارگران توضیح دهد.

در این روز از هیئت کارگری خبری نمی‌شود، اما کارگران و نمایندگان اخراجی به کارخانه آمده و برای کارگران سخنرانی میکنند و ضمن آن به افشاکاری می‌پردازند. پس از مدتی یک ماشین با سدار به کارخانه می‌آید و در آنجا می‌ماند. کارگران در آنجا تجمع کرده و به سداران حمله می‌کنند. کارگران در آنجا تجمع کرده و به سداران حمله می‌کنند. کارگران در آنجا تجمع کرده و به سداران حمله می‌کنند. کارگران در آنجا تجمع کرده و به سداران حمله می‌کنند.

تولید و... خواندن روزنامه‌های سیاسی، بحث سیاسی، پخش خواندن اعلامیه‌های نیروهای انقلابی را در کارخانه ممنوع اعلام کرده است. گویا قبلاً بحث سیاسی خواندن نشریات نیروهای انقلابی آزاد بوده که حالا ممنوع کرده اند!

۴ - هیئت سرپرستی طی اطلاعیه‌ای که کلبه‌ها تیرا در همین صفحه ملاحظه می‌کنید از مسئولین قسمتها می‌خواهد که تعداد کارکنان خارج از مرزها را اعلام کنند تا نسبت به اعزام آنها اقدام شود!

آری رژیم جمهوری اسلامی که از فردای قیام دست به بازی زنی نظام ضربه خورده سرما به داری وابسته می‌زند چاره‌ای جز این ندارد که از یکطرف دستاوردهای مبارزات قهرمانانه طبقه کارگر و توده‌های خلق را یکی پس از دیگری پس بگیرد و از سوی دیگر برای بازگرداندن مزدوران با تجربه و سرسپرده سرما به داران و کارکنان خارج از مرزها که از وحشت خشم‌خروشان خلق گریخته اند اقدام نماید.

ولایتی که کارگران مبارز و کارگاه‌ها نیست که با افشای ما هیئت هیئت سرپرستی و اعمال آن، با توضیح و افشای ما هیئت رژیم جمهوری اسلامی برای کارگران، با افشای عناصری که بنام انقلابی و کمونیست خود را در میان صفوف طبقه کارگر جا زده اند و واقع نگر و روشناطه - رژیم جمهوری اسلامی هستند ما نندرجب شوده و... و نیز با شکل و نحو دهر چه بیشتر کارگران، مبارزه متحده و روزافزونی در جهت حفظ، تعمیق و گسترش دستاوردهای انقلابی طبقه کارگر و پرتوده‌های خلق ما زمان دهند.

بقیه از صفحه ۳  
دزکارخانه  
کارخانه و زمین کارگران مشکل تراست.

۲ - بازگرداندن مدیران و سرپرستان سابق آریا مهری به کارخانه تا بتوانند با ورزیدگی و مهارت بیشتر کارگران را آشنا و سرکوب کنند.

۳ - صدور اعلامیه‌ای که در آن بعد از زحرفهای تکراری و همیشگی سرما به داران مبنی بر اضافه نمودن

تاریخ: ۱۳۰۹ / ۶ / ۱۵  
شماره: ۲۳  
موضوع: اعلامیه

بسمه تعالی  
(اعلامیه)

از کلمه سلفین مستحقان ما می‌باشد. چه به سید کارگاه و راه اندازی  
موتورها تا نیاز مردم وجود کارکنان ما را به بازگشت و تعمیق  
و جدت فعالیت در این راه هیئت سرپرستی اعلام تا اتمام کارهای -  
اجرام آنها محقق گردد.

هیئت سرپرستی  
کارخانه پوشش

تاریخ: ۱۳۰۹ / ۶ / ۱۵  
شماره: ۲۳  
موضوع: اعلامیه

خبرنامه کارگر...  
با لا بیرون...  
تاریخ: ۱۳۰۹ / ۶ / ۱۵  
موضوع: اعلامیه

تولید و... خواندن روزنامه‌های سیاسی، بحث سیاسی، پخش خواندن اعلامیه‌های نیروهای انقلابی را در کارخانه ممنوع اعلام کرده است. گویا قبلاً بحث سیاسی خواندن نشریات نیروهای انقلابی آزاد بوده که حالا ممنوع کرده اند!

۴ - هیئت سرپرستی طی اطلاعیه‌ای که کلبه‌ها تیرا در همین صفحه ملاحظه می‌کنید از مسئولین قسمتها می‌خواهد که تعداد کارکنان خارج از مرزها را اعلام کنند تا نسبت به اعزام آنها اقدام شود!

آری رژیم جمهوری اسلامی که از فردای قیام دست به بازی زنی نظام ضربه خورده سرما به داری وابسته می‌زند چاره‌ای جز این ندارد که از یکطرف دستاوردهای مبارزات قهرمانانه طبقه کارگر و توده‌های خلق را یکی پس از دیگری پس بگیرد و از سوی دیگر برای بازگرداندن مزدوران با تجربه و سرسپرده سرما به داران و کارکنان خارج از مرزها که از وحشت خشم‌خروشان خلق گریخته اند اقدام نماید.

ولایتی که کارگران مبارز و کارگاه‌ها نیست که با افشای ما هیئت هیئت سرپرستی و اعمال آن، با توضیح و افشای ما هیئت رژیم جمهوری اسلامی برای کارگران، با افشای عناصری که بنام انقلابی و کمونیست خود را در میان صفوف طبقه کارگر جا زده اند و واقع نگر و روشناطه - رژیم جمهوری اسلامی هستند ما نندرجب شوده و... و نیز با شکل و نحو دهر چه بیشتر کارگران، مبارزه متحده و روزافزونی در جهت حفظ، تعمیق و گسترش دستاوردهای انقلابی طبقه کارگر و پرتوده‌های خلق ما زمان دهند.

## ۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران





# خلق ها و مسئله ملی

## مولوهای سرسپرده و سیاست حزب جمهوری اسلامی

سبح کند، مولوهای مرتجع عمدتا به این باطن جناح ارتجاع اعم از خوانین قاجاریان و رژیم وابسته اند...  
 مولوی شهدا که هم اکنون از سر - سپردگان رژیم جمهوری اسلامی است و اردوی وحدت جا معروضا نیت تشکیلات میدهد، از کا سه لبسان رژیم شاه و جیره - خواران ساواک بود.  
 رژیم جمهوری اسلامی یک رژیم - ارتجاعی است پس متحدینش را در میان نیروهای ارتجاعی بازمی یابد. رژیم از ترس جنبش توده ای و نیروهای انقلابی و برای بازسازی نظام سرمایه داری وابسته جنبش خوا روپریشان گشته و هر دست ارتجاعی را بگیرد میخورد...  
 این چنین است که مولوی شهدا در مرتجع با آنچنان پرونده کثیفی به "مفتی اعظم بلوچستان" تبدیل میشود.  
 (بمنقل از نشر بلوچ - شماره ۴۱)

رژیم جمهوری اسلامی برای تثبیت حاکمیت خود در منطقه احتیاج به حمایت مترجمین محلی، خوانین و مولوهای مرتجع دارد. حیات و بقا مترجمین محلی نیز در سایه رژیمهای فدخلقی میسر و ممکن است. رژیم جمهوری اسلامی مولوی مرتجع و معلوم الحالی چون مولوی شهدا دمکان زهی را لقباً مفتی اعظم بلوچستان (مندرج در روزنامه جمهوری اسلامی دوشنبه ۲۴ شهریور) میدهد. رژیم میگوید از طریق مترجمینی چون مولوی شهدا دوبا دجان دورقاب چپنها پیش مبلغینی برای خود بسازد، تا بلکه بتواند بکک اینها به تحکیم و ثبات ارگانهایشان مانند سایر افساداران و جاهادسان زندگی بسازد...  
 اما مولوی شهدا دکده در سالهای گذشته کارنامهای بسیار در دسی آبروترا زانست که میتواند توده ها را در جهت منافع رژیم

## رفیق حمید به انبوه شهدای انقلاب ایران پیوست

حرا که روز ۵۹/۵/۲۷ یکی از رفقای "وحدت انقلابی برای آزادی طبقه کارگر" رفیق حمید پیشمرگه دلاوری که ۹ ماه تمام در صفوف جنبش مقاومت خلق کرد می - رزمید، بی نهایت رسیده. رفیق حمید که همراه چند تن دیگر از پیشمرگان قهرمان در روستای "حده" به محاصره دشمن درآمده بود بدلیل زخم گلوله ای که بر سر دست بنوا نیت همچون رفقای دیگرش حلقه محاصره را شکست و خود را نجات داد، بی سابقه ای که در دستان خود منجر نمود به شهادت رسیده و همانطور که خود میخواست زنده در جنگال دشمن نیافتاد. در ایسن درگیری ده نفر از جانها و قربانها بی ساهلاکت رسیدند.

جانها که صدر رفیق را به همراه خود به مریدان بردند برای جانهای ممدوم "الله اکبر" و برای رفیق شهید، مرگ بر کمونیست گفته و جدا و راتلاق میزدند مردم مریدان که از دخیمی این مزدوران به خشم آمده بودند به نشانه اعتراضی موازهای خود را بسته و شهر را تعطیل کردند.  
 صدر رفیق شهید حمید بنا به اصرار اهالی روستای "سیف در آن روستا دفن شده است. با گرامی داشت با رفیق حمید راه برخی را که توسط او و تمامی شهدای خلق دلاور کرد کوبیده شده، مصمم و استوار میباشیم.  
 جادان با درم خونین رفیق حمید درود بیترتبی شهدای راه آزادی و استقلال ایران

## رویزبونیستهای فدایی از طرف توده ها افشاء و طرد میشوند

و از آنها میخواهند قبل از اینکه خلق سلاحتان کنند، از شهر بیرون بروند. مردم آنها را با سداخوانده و شعاری - دادند:  
 فدائی و حزب توده خاشنه خلق کرد هستند، فدائی باید خلق سلاخ شود از شهر بیرون رود.  
 در جریان این واقعه چند نفر کارگردانان که دستان پهنه بسته شان را نشان افراد مستقر در مقر میدادند میگفتند مگر شما ادعای نمی کنید که پیشینیان کارگران و زحمتکشان هستید، اگر اینطور است ما که افراد زحمتکشی هستیم میگوئیم شما را نمیخواهیم، از شهر ما بیرون بروید.  
 مسئولین چریکها هر چه میخواهند، بی توجهیاتی نظیر این که در جنگ تاکتیک های مختلف باید بکاربرد، سازگاری و خیانت خود را به خلق کردنیسان سازند، مردم تذبذب یافته و علیهذا نشانها میدادند. در خانه مردم به چریکها ۲۴ ساعت مهلت دادند تا از شهر بیرون بروند.  
 ۲ - چندی پیش (در جریان حرکت ستون ارتش و پاسداران و جانشان) به سردست (در ده "تخته" که پیشمرگان کومله، بیکار و دموکرات و چریکهای فدائی خلق (اکثریت) مقرا دارند و در جریان مراسم که به مناسبت شهادت چند تن از پیشمرگان

هنگامیکه رویزبونیستهای فدائی (اکثریت) یعنی سازشکاران خود را انکار اعلام نمودند، حزب توده برای نشان کف زد! بهترین بهره بران آنها اجساز ه ملاقات داد و اولف خود را شامل آنسان نمود، اما اعضا و کارهای انقلابی و هواداران پر شور و آگاه آنها برینند و توده های آگاه نیز همینطور! و در کردستان سرزمین خون و آتش می این رویزبونیست های نورسیده خیلی زود بازشد. امروز در کردستان بدنیا ل نفرت از حزب توده، نفرت از "اکثریت" (فدائیسنان) نیز کم دیده میشود.  
 در بسیاری روستاها به فدائیسنان اکثریت جاش (مزدور) خطا میکنند! آری خلقی که در زیر آتش توپ و تانک دشمن از دست آوردهایش با سدا می کنند و با ایشان خون هزاران شهید نهال کردستان خود مختار آینه در با رور میسازد هرگز نمیخواهند در مقابل سازشکاران و خاشنه خلق ساکت بمانند! خبا زبیر نمونه هایی از خود را نقلی توده ها با اکثریت فدائیسنان است:  
 ۱ - بوکان ۶/۱۶: در این روز عده ای از مردم بوکان (بیش از ۵۵ نفر) که به بخش مهمی از آنها را زحمتکشان تشکیل می دادند، در مقابل مقرر چریکهای فدائی خلق (اکثریت) در شهر بوکان جمع شده

## حمله به مقر جاشها پاسداران و ارتشیان

سفر ۵۹/۶/۱۷  
 شب هنگام پیشمرگان قهرمان جنبش مقاومت در چند نقطه شهر به مقرهای جاشها پاسداران و ارتشیان حمله نمودند و طی آن ضربات سختی به نیروهای دشمن وارد کردند که از تعداد تلفات آن اطلاع دقیقی در دست نیست. روز بعد نیروهای سرگوبگر رژیم تمام نقاط و محلات شهر را محاصره کرده و به باز دید خانه ها پرداختند. آنها همچنین مردمی را که از خبا یا ن و کوچها می گذشتند باز دید بدنی میکردند.

## جاشها در دام انقلاب

روز دوشنبه ۵۹/۶/۱۰ اتومبیل یکی از سرجاشان منطقه بنام "حاج میکا شیل" در جاده "شور کا میاران در اشما بست" با مین منفجر شد. در این انفجار ۳ تن کشته و یک تن مجروح شدند. این چهار نفر فرزندان و برادران حاج میکا شیل بودند.

## دشمن در کمین پیشمرگان پیکار

ساعت ۷ بعد از ظهر روز جمعه ۵۹/۶/۱۴ یک لندرو حامل نیروهای دشمن همراه با دسته نگهبانان در مسیر سنجد - کامیاران در کمین پیشمرگان سازمان پیکار، دسته شهیدان میرافنا ده و تنها یک نفر از آنان موفق به فرار میشود. به دنبال این حمله دلاوران پیشمرگان که در سربا برپا بگه "هلتوتان" صورت گرفت دشمن خشمگین از اینکه در لانه خود تنباز ضربات پیشمرگان قهرمان کرد در مان نیست، روستاهای اطراف را با خمپاره و گالیبره ۵۵ زیر آتش گرفت. خوشبختانه این حملات هیچگونه تلفات مالی و جانی در بر نداشت.

## درگیری پیشمرگان با پاسداران و جاشها

تا هیندر - ۵۹/۶/۱۶  
 در ایسروز تعدادی از اجانها پاسداران در اطراف شاهیندز با پیشمرگان حذب دمکرات درگیر میشوند. در این درگیری ضربات سختی به پاسداران و جاشها وارد میشود بدلیوری که مجبور به عقب نشینی می شوند.

## تورویک مزدور

سفر ۵۹/۶/۱۶: در ایسروز یکی از جاشها به اسم "خانان" بدست انقلابیون ترور گردید.



# حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



کومله که در جریان حمله به همین ستون فوق الذکر شهید شده بودند، ملای ده به چریکها اعتراض کرد که چرا جنگ نمیکنند (این ده در مسریا نه به سر دشت قرار دارد و بیشترگان نیروهای مختلف بجز چریک - های اکثریت برای حمله به ستون به طرف جاده بانه - سوزش ارفتنه بودند) و مطرح نمودند اگر جنگ نمی کنند سلاحها را به کسانی که جنگ میکنند بدهند و اما فقه کرد که شما باید مقرتان را تخلیه کنید و آنرا در اختیار بیشترگه های پیکار بگذارید. مردم نیز با گفته را تا شید کرده و بنسای اعتراض به چریکهای فدائی را گذاشتند.

۳۰ - بطور کلی مردم روستا ها شای گه چریکهای فدائی خلق (اکثریت) در آنجا مقرر دارند مترصد این هستند که آنها اسلحه خارج نکنند چون مستعدند که چریکها نمی خواهند بچنگند و میگویند اگر نمی خواهید بچنگید و قمدارید از اینجا بروید، حق ندارید اسلحه را همراه خودتان ببرید، چون اسلحه مال کسی است که بچنگد.

### با چشم باز در افق خونین کردستان

#### خاطرات يك سرباز (۴)

### چه بهار خونینی دارد کردستان!

۳۱ فروردین

حرگاه، ستون ارتش، مسلح، با تجهیزات کامل و بدون ایمانی در قلب از فرودگاه سنندج حرکت کرد. مقصد شهر سقز بود و راه از کنا رشهر می گذشت. در آخرین لحظات حرکت ستون فرار شد من به همراه چندتن دیگر با هلیکوپتر حرکت کرده و تا مین ستون را برقرار نکنیم، ستون ۱۶ کیلومتری همچون ما در راه و خزنده ای از فرودگاه خارج شد، نیشهای زهر آگینش قلب زحمتکشان کردستان را نشانه رفته بود.

بهمراه دو نفر دیگر در فرودگاه به انتظار هلیکوپترمانندیم، اما خبری نشد حوالی ظهر بود که خبر دیگری ستون را با کردها و بیشترگه ها شنیدیم، اما از چند و چون آن هیچ خبر نداشتم، انتظار و نگرانی مرا فرا گرفته بود همچنان که در سالن فرودگاه روی صندلی نشسته بودم افکار گوناگونی به مغزم هجوم می آوردند. انتظار رخته ام مکرده بود، در میان خواب و بیداری بودم که صدای سهمگین خمپاره ها ازجا پراندم، ساعت ۲/۵ بعد از ظهر بود. شتابزده به بیرون دویدم، از ارتفاعات حمله آغاز شده بود، همه سنگرگیری کردند هجوم ارتش آغاز شد با تمام قوا خمپاره ها و تیربارهای ۷- ۱۲، بار افتاد. یک حمله واقعی، ارتش سخت می کوبید. تا با وری ها از زمین دور می شد و او قیمت - ها جای خود را بازمی یافتند، نقش فسد خلقی ارتش، اکنون برابیم یک واقعیت گاملاً روشن و بسیار قابل فهم بود. درگیری تا ساعت هشت شب ادامه داشت. تنها ۳ ساعت قطع شد و با رگبار زامعت ۱۱ شب با شدت تمام آغاز گشت.



### ۳۱ فروردین

ساعت ۳ صبح، تاریکی طولانی و سنگینی بر همه جا گسترده است، بسرو صندلی سالن فرودگاه، جرت می زدم که خمپاره ای پنجره را شکست، خرده های شیشه بر روی سر و صورت ریخت ازجا پریدم نپایا در دم که جنگ آغاز شده است، بسرعت فتنگم را پاشا نه گرفتم، رگبار تیربار از بالای سرمبارید، شتابزده به کف سالن خزیدم و خود را به دروازه اندام بیرون رفتم صدای سهمگین تیردی آمد، بیشترگه ها در نظرم آمدند که با سلاحها پشان در دست با ارتشی سراپا مسلح میجنگیدند. در دل شب تیره، نور ایمان نشان می - درخشید، آه ای قدرت بی پایان خلق! در برابر تو سهمگین ترین ارتش ها به چه کاری آیند؟

### اول اردیبهشت

درگیری دیشب تلفاتی نداشتم، اما سربازها را خسته کرده است. درگیری طولانی خستگی و عصبانیت، در آنسان دشمنی گوری نسبت به بیشترگه ها برانگیخته است، بر بیشترگه ها دشنام می - دهند. ولعنت می فرستند، آری تقدیر سربازان در نظامهای فدخلقی چنین است. ناخواسته به جنگ فرستاده میشوند در آن درگیری می شوند بی پایداری نشان محافلقت کنند، می باید کشتار کنند و طبعاً کشته شوند. غول جنگ برآنان چیره میشود و دشمنی گوری نسبت به آن که روبرو روست، درد لثان برمی انگیزد، نسه لگمی آن را دارا رندونه فرست آن را که اندیشه کنند، آنان مهره ای از این

ماشین عظیم سرکوبند، آنان گوشت دم توپ سرما به داری شده اند، ولی با همه اینها گاه واقعیت چنان بی برده و گستاخ رومی نماید، که درک آن نه به آگای می ونه حتی به اندیشه، که به دو چشم بازمی سر میشود. شلاق واقعیت سخت و سوزان است، افکار سرباز زبیدار میشود چشمانش بروشنی میبیند، گاه سربازی فرار میکند به طرف مقابل میبویند، لوله فتنگش را برمیگرداند و دشمن واقعی را نشانده میگیرد، اما در بسیاری از سربازها، که خود از زحمتکشانترین و پاشین دست ترین طبقات مردم اند، جنگ، تا شیر خود را می - بخشد، اندیشه به خواب می رود، تا آگای می - ها به خدمت می آیند، غرا بزرگوار، دشمن و کینه کا ذب در دل سرباز سر برمی دارد. او کورگورانه می جنگد و در دفاع از قسم سرما به، زحمتکشان را به گلوله میبندند. اما او خود نیز از زحمتکشان است، آری او خود کسی می کند.

۴/۵ بعد از ظهر هلیکوپتر برای بردن ما به فرودگاه آمد، از سر نوشت ستونی که رفته بود خبر نداشتم ولی می گفتند که سقز رسیده است. در آنسوی شهر، در پادگان فرسود آمدیم، در آنجا با کمال حیرت ستون را دیدم که تا زهر رسیده بود، همه چیز در هم ریخته و آشفته بود، اسلحه، بی سیم، سلاحهای سنگین (آرپی جی ۷- توپ ۵۷) کیسه های سربازان، همه و همه بر زمین پراکنده بود و شکست و عقب نشینی ستون را بروشنی تصویر میکرد. ناخنک خلق مقاومت ستونی با تمام تجهیزات را در هم شکسته بود، سربازها از جمله درگیری می گفتند، خبر میدادند که چگونه بسیاری از مهمات، وسایل و کامیونها در بیک تنها جمن بوده است، چه شکر گرفتاری نیروی خلق!

به آما بیگانه رفتیم و در آنجا خبر دار شدیم که یکی از سربازانی که او را می - شناختم کشته شده است. اهل تهران بود و اوایل می خواست که فرار کند در قلمب احساس سنگینی کردم، چقدر جان آدمها در این نظام می ارزش است، این حقیقت را زندگی جدید لحظه به لحظه برای سیم آنگار تر میکرد، در آما بیگانه اخبار بمباران سنندج را شنیدم.

ساعت هشت شب، ما نتواندیم با روستی وارد سنندج فروریخت، نیمی از شهر بمباران شد، در کنا رسمیه ای خاردار، بغاصه های کوتاه، تیربارهای (۷-۱۲) کار گذاشته بودند و بعضی دیدن حتی یک نفر تیربارندازی میکردند، بورش دیوانه واری آغاز گشته بود، فرماندهسان

### مصادره ماشینهایی ارتشی

بیرانشهر - ۵۹/۶/۱۹  
در این روز در جاده مقده - بیرانشهر دودستگاه ماشین ارتشی که حاصل مقداری خواباریا روتداریکات بود در کمین بیشترگان قهرمان افتاده و مامورده می - گردد، بدنبال این عمل پادگان بسوه به تلافی اقدام مذکور، روستاهای منطقه را زیر آتش خمپاره و توپ قرار میدهند، طی آن بسیاری از خانه های روستا شیان خراب و سه روستایی شهید میشوند، در این رابطه عالی روستاهای بسوه و چنسنسد روستای منطقه لاجانی روستاهای خود را ترک کرده اند.

### حمله هلیکوپترها به ماشین شرکت راه سازی

سوکان - ۵۹/۶/۲۰  
در این روز دو هلیکوپتر یک جیب را که متعلق به شرکت راه سازی بود در جاده حرکت میکرد مورد حمله قرار داده و به رگبار میبندند که در نتیجه آن جیب آتش میگیرد، سرنشینان ماشین که به موقع توانسته بودند فرار کنند آسیب نسی بینند، در تاسی بی سیمی که بین دو هلیکوپتر برقرار بود، هرگاه که هلیکوپتر حمله کننده جیب را مورد حمله گلوله قرار میداد، دیگری با گفتن "ما شاء الله" او را تشویق میکرد!

### وضع زندگی مردم بوکان بسیار بد امار و حیه شان عالی است

در شهر بوکان روز بروز برترستند آوارگان افزوده میشود، این آوارگان در منطقه های اطراف تنگابوشا هینند و مستقر شده و اغلب مدارس بوکان را پسر کرده اند. اگر چه وضع زندگی شان در آنجا بسیار بد و در مضیقه هستند اما روحیه بسیار عالی و خوب دارند و با کینه از دولت و ارتش و پادشاهان، (بعضی جاشها) یاد میکنند.



# درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق کرد





# اطلاعیه وحدت با: ۱- اتحاد زحمتکشان بلوچستان ۲- بخشی از گروه "کارگر، دهقان، دانشجو" ۳- گروه "دانشجویان و روشنفکران کمونیست (درک)" ۴- بخشی از "مبارزین طبقه کارگر" (هسته مقاومت ۳)

را تلف نکنیم! در مقابل سوسال دمکراتهای روس (بخوان کمونیستهای ایران) برای برآوردن احتیاجات پرولتاریا که از خواب بیدار میشود برای مشکل کردن جنبش کارگری، برای تقویت گروههای انقلابی و ارضای تقاضای آنها، برای تأمین کارگران از لحاظ مطبوعات ترویجی و تبلیغاتی و برای جمع کردن محافل کارگری و گروههای سوسال دمکرات که در اطراف او کثافت روسیه پراکنده اند، یکدنیا کار وجود دارد! (وظایف سوسال دمکراتهای روسیه - لنین)

در اینجا اطلاعیه وحدت گروههای فوق الذکر را می آوریم:

## اطلاعیه "اتحاد زحمتکشان بلوچستان" در رابطه با اقدام کامل در سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

توده های آگاه کارگران مبارزان رزمندگان کمونیست! جنبش توفنده توده ها با قیام مسلحانه بهمین ماه ۵۷ طومار رژیم سلطنتی شاه خائن را درهم پیچید و سه سبتمبر ما به داری وابسته امیرالینز مبارزین مسلحی وارد آورد. جنبش توده ای پس از افشای نسبی در مقطع قیام، بتدریج در مدارای عمیق تروبا دامنه ای محدودتر ادامه یافت و هر روز اوج بیشتری گرفت و وارد مرحله جدیدی از اعتلا خودش. در این میان، با حکومتی به نایز - های در حال گسترش جنبش که جزو وظایف مبارز کمونیست است، به تلاش و جان فشانای همه جانبه ای را از آنها مطلقند بلکه آنها را ناچاراً از خاکوشی سه مسئله وحدت و تلاش در جهت ایجاد حزب

چون ائتلاف، همکاری و مبارزه ایدئولوژیک، تشکیلات دوران گذار، سازمان واحد، قطبهای ایدئولوژیک تشکیلاتی طرحهای انحرافی و غیرما رکیستی هستند. ما از تروکه دربار ما له وحدت جنبش کمونیستی در برخورد با نظرات و دیدگاههای مختلف در این باره درآینده نزدیک و درآینده فاصله قطعاً ما می - دومین گنگره سازمانی، بطور کامل توضیح داده شده است. در اینجا از توضیح بیشتر در این مورد خودداری و تنها اشاره می - کنیم که مهمترین مسائلی که با بدجهت تا مین وحدت جنبش کمونیستی و ایجاد حزب، حول آن مبارزه ایدئولوژیک را من زده شود عبارتند از:

- ۱- در عرصه ایدئولوژیک: حول مسئله زویزیونیزم (فروشنی و سه جانی) سوسال امیرالینز و تروکسکیسم و انحرافات گوناگون در برخورد به آنها.
- ۲- در عرصه سیاسی: حول مسئله تئوری و برنامه ما رکیسم، ساخت جا معه، آرایش طبقات، مرحله انقلاب استراتژی و تاکتیک کمونیستهای ایران، مسئله حاکمیت و قدرت سیاسی و ...
- ۳- در عرصه وظایف: برخورد به دیدگاههای گوناگون در مورد وحدت و پیرویه ایجاد حزب، تعیین وظیفه بلافاصله و چگونگی تدوین تئوری انقلاب، وظایف عملی چشم انداز و زمانی تا کنونی، تعیین وظایف کمونیست در مقابل جنبش کارگری و دمکراتیک و ...
- وحدت با نیروهای مختلف جنبش کمونیستی که تاکنون صورت گرفته و از جمله وحدت ما با نیروهای چهارگانه زیر ملهم از دیدگاه فوق و در عین حال گواهی بر حرکت انتقادی، نسبت به نظرات گذشته و در واقع حرکت تکاملی، بوده است ما وحدت با این گروهها را به جنبش کمونیستی طبقه کارگر، تریبک گفته و با تمام موجودیهای با درس آموزی از گذشته و حال سخنان گرانقدر لنین را تکرار میکنیم:
- "دست بکار شویم رفقا! اوقات گرانبها

کار... همگی در خدمت ایجاد سد و مانع در راه وحدت عمل میگردند. در حالیکه در یک پروسه مبارزه ایدئولوژیک بطلان این تئوریها برمسلا گردید، اکنون همان تئوریها با جان سختی تمام در پیوستهای نویین عرض اندام میکنند و در جهت به بیراهه کشاندن جنبش کمونیستی از دستهای هر چه سر به تروکسیت وحدت و نقش خویش را ایفا میکنند.

تذ "ائتلاف خود را در" تشکیلات دوران گذار "باز می باید، این تروبا در کسبی اگونومیستی، تشکیلات ایدئولوژیک رانای از "تشتت" و "تنوع" تشکیلهای گوناگون دانسته و برای حل تشتت ایدئولوژیک و دستیابی به وحدت ایدئولوژیک، وحدت تشکیلاتی را پیشنهاد میکنند و بدین ترتیب تشکیلات را بر ایدئولوژی مقدم دانسته و درک اگونومیستی خود را بنمایش می - گذارد. نتیجه چنین درک انحرافی از وحدت ایجاد تشکیلاتی "وحدت انقلابی" است که جنگی از نظرات گوناگون را در درون خویش گرد آورده است.

تذ "سازمان واحد" نیز مجدداً خویش را در "قطبهای ایدئولوژیک - تشکیلاتی" با زبانی است که کماکان مجموعه ای از سکتاریسم و اگونومیسم را بنمایش می - گذارد. چرا که برای سهل الوصول نمودن مبارزه ایدئولوژیک وجود قطبهای تشکیلاتی را ضروری می پندارد! و عملاً به مقدم داشتن تشکیلات بر ایدئولوژی صده میگذازد و بجای تا مین وحدت جنبش کمونیستی و ایجاد حزب، در خدمت پراکندگی و تشتت آن قرار میگیرد. تئوری و پراتیک رفقای رزمندگان در مورد وحدت گساده این واقعیت است و ما درآینده به تفصیل در باره آن سخن خواهیم گفت.

ما معتقدیم که وحدت جنبش کمونیستی و ایجاد حزب تنها از گانال مبارزه ایدئولوژیک حول تئوری انقلاب و خطوط وظایف عملی و بر مبنای شرکت فمسیال در مبارزه طبقاتی دست یافتنی است و همانطور که قبلاً اشاره کردیم تنها شی

"پرولتاریا در مبارزه مسلحی - سازماندهی ندارد" این سخنان جاودانه لنین همواره و بزرگوش ما ست و با اعتقاد به این امر فاعلان در راه ایجاد دستاد رهبری پرولتاریا، حزب کمونیست می - کوشیم.

این واقعیتی است که برای رسیدن به آنچنان سازمانی که بتواند توده های انقلابی طبقه کارگر را در مبارزه علیه بورژوازی و استقرار سوسیالیسم رهبری کند (حزب کمونیست) با بدفعالانسه مبارزه ایدئولوژیک را بر مبنای مبارزه طبقاتی، به منظور تدوین تئوری انقلاب و تا مین وحدت جنبش کمونیستی و ایجاد حزب ادامه یزند.

در شرایطی که جنبش کمونیستی جوان ما که در تروبا عشق به وحدت میسوزد میداند که بدون چنین وحدتی و ایجاد حزب، پرولتاریا را لاجرم و ناگزیر به امان بورژوازی درمی غلطد. آری با تمام علاقه و آفری که نسبت به این امر میانی نشان داده میشود، اما هر گاه این تئوری آتشین با درک علمی و لنینی از وحدت همراه نباشد، نه تنها ما را به مقصود نخواهد رساند، بلکه به سد و مانعی در برابر وحدت و ایجاد حزب تبدیل خواهد گشت! و واقعیت نیز گواهی این حقیقت تلخ است: درکهای انحرافی نسبت به وحدت و پیرویه ایجاد حزب، علمبر غمهرنیت خبیری که در سربا شدن آنها به تشدید یافته فکری التفاط، ابهام و کند کردن امر وحدت و ایجاد حزب و در نهایت به ایجاد اختلال در مبارزه پرولتاریا منجر خواهد گشت. آری در حالیکه فریادهای وحدت طلبیمان از هر سو به گوش میرسد یکی با دعوت برای گرد هم آیی بمنظور هدایت مبارزه ایدئولوژیک و تدوین تئوری انقلاب و جدا از سایر اشکال مبارزه طبقاتی پرولتاریا برای دستیابی به امر وحدت (آرمان - وظیفه بلافاصله ما) و دیگری با طرح سازمان واحد (از جمله خودمان) که ملقبه ای از سکتاریسم و ولونتا ریسیم بود سوسیالیست "ائتلاف" اتحاد انقلابی برای رهائی

# پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی



کمونیست برای رهبری جنبش توده‌ای و سامین هژمونی پروتاریسما می نماید.

امروزه هیچ نیروی کمونیست راستینی نیست که در تئوری و عمل و با وحدت و یکپارگی در راه آزادی طبقه و با تمام توان را در دستور روز خویش قرار دهد.

امروزه برای کمونیست‌ها غلبه بر گروه‌ها و کرسی‌ها بدنبال کسب امتیازات گروهی بودن و... جزو شرایط ابتدائی و اولیه تلاش راستین و یکپارچه در راه آزادی طبقه کارگر و با وحدت و یکپارگی است. ما نیز به عنوان جز کوچکسی از جنبش کمونیستی ایران نمی توانستیم در مقابل مسئله وحدت تلاش در جهت ایجاد حزب بی تفکرات و بیانیه‌ها و بیسی با هم مناسب خودمان را به این امر خطیر جنبش کمونیستی می‌دادیم. پاسخ ما به این مهم چیزی نبود جز تلاش در راه رسیدن به وحدت سیاسی - ایدئولوژیک با نیروهای که پیش از همه خط مشی و برتیا هم سیاسی شان مورد توجه و اطمینان بود. واضح است که ما با این تلاش خویش در واقع به مسئله حزب سبز در خورتوان و تحریر ما با هم می‌دادیم.

نتایج عملی این تلاش و کوشش ما، پس از اطمینان دوره‌ای از آموزش و مبارزه ایدئولوژیک، ادغام کامل در سازمان یکپارچه در راه آزادی طبقه کارگر بوده است. آری ما جویباری بودیم که به رودخانه پیوستیم و از این پس بر بستر این رودخوشان و بسط و انبساط جزئی از آن برای پیوستن به دریای عظیم حزب به مبارزه ادامه خواهیم داد. ما بدین وسیله اعلام می‌کنیم که از این تاریخ مبارزه خویش را با سوانح پیشرویکامی و تجربه‌های تاریخی و معنی سر، تحت عنوان "تشکیلات بلوچستان" سازمان یکپارچه در راه آزادی طبقه کارگر ادامه خواهیم داد.

مختصری برتیا ریخه...

۱- زمینه‌های پیدایش:

با امت عقب مانده اقتصاد - اجتماع بلوچستان و در همین رابطه عقب ماندگی فرهنگی مردم منطقه روابط طبیعی و جغرافیائی (پراکندگی جمعیت، دوری از مراکز تولیدی و...) در گذشته باعث شده که مردم بلوچستان در مجموع از سطح آگاهی بسیار نا ارامی برخوردار باشند. فقدان جنبش‌های وسیع خودبختی در گذشته منطقه سبب در ارتباط متغییر با شرایط فوق نمینا شد. مجموعه عوامل فوق باعث شده خلق بلوچ علی‌رغم ستم‌نشدنی - طبقاتی که همواره برود و کوشش سنگینی میکند، نتواند هماهنگ با جنبش سوسیالیستی سراسری به مبارزه با ارتجاع محلی و رژیم سرسپرده شاه خاش برخیزد. تا شرفیما متوجه‌ای بهمین ماه ۵۷ بر روی خلق بلوچ و تا شرفیما نیز آن بر روشنفکران آن خلق سبب شده که فریب آن آگاه و روشنفکر خلق بلوچ به فکر انجام محبتین به مبارزه خود و ایجاد تشکیلات انقلابی در میان توده‌های بلوچ بیفکند، ما بتوانند خلق را که این چنین بر او ستم می‌رود آگاه کرده و او را به مبارزه کردن زنجیرهای بردگی و ستم‌ها و دارند. در پاسخ به این نیاز در مقطع قیام، سازمان دمکراتیک مردم بلوچستان "بوجود آمد."

۲- "نبرد بلوچ":

تشکیل دیگری در کنار این سازمان به اسم "نبرد"

بلوچ "بوجود آمد که هسته اولیه آن متشکل از عده‌ای از عناصر مرتضی بود.

"نبرد بلوچ" پس از مدتی فعالیت در تاریخ ۱۴ فروردین ۵۸ طی اعلامیه‌ای افشاگرانه در مسعود رفرا ندوم جمهوری اسلامی در منطقه تحت عنوان "هوادر" - آن سازمان دمکراتیک مردم بلوچستان "اعلام موجودیت کرد و به فعالیت انقلابی خود ادامه داد. "نبرد بلوچ" ضمن فعالیت خود در منطقه بتدریج به مواضع روشنی دست یافته و خود را از زیر چنگ عناصر مرگه دارای گرایش‌های لیبرالی و پاسیفیستی بوده و قادر به تلاش یکپارچه در راه مبارزه انقلابی نبودند تصفیه شده و به جذب نیروهای پراکنده و پشوروا انقلابی پرداخت.

پس از چند ماه، در شهریور ۵۸ در شانای حمله رژیم مداخلی جمهوری اسلامی به کردستان و سرکوب آزادی - های دمکراتیک در سراسر ایران، "سازمان دمکراتیک مردم بلوچستان" متلاشی شد. و "نبرد بلوچ" متفکرات فعالیت انقلابی خود را در میان توده‌های خلق بلوچ دنبال نمود.

"نبرد بلوچ" که اینک به مواضع نسبتاً روشنی در رابطه با نیروهای جنبش کمونیستی دست یافته است با سمپاتی به سازمان یکپارچه در راه آزادی طبقه کارگر مبارزه خود را با اشتراک و اولین شماره نشریه "نبرد بلوچ" در ۱۵ آبان ماه ۵۸ سر صورت بیشتری داد. از آن به بعد نشریه "نبرد بلوچ" بطور هفتگی منتشر می‌شد. تشکل "نبرد بلوچ" که فعالیت خود را عمدتاً در محدوده راه‌ها و متمرکز نموده بود در تماس و مبارزه با پدش - لوزیک با "اتحاد زحمتگان بلوچستان" که از درون ویرانه‌های سازمان "دمکراتیک مردم بلوچستان" جوشیده و برخاسته بود، پس از حدود ۴ ماه در اول فروردین ۵۹ به وحدت کامل حول خط مشی و برتیا سازمان یکپارچه رسید و در ادامه متدین و فعالیت جدید خود را با نام "اتحاد زحمتگان بلوچستان" و نشریه هفتگی "نبرد بلوچ" و در تماس و مبارزه ایدئولوژیک و آموزش سازمان یکپارچه ادامه دادند.

۳- اتحاد زحمتگان بلوچستان:

در رابطه با هم‌پا شدن و متلاشی شدن "سازمان دمکراتیک مردم بلوچستان" عده‌ای از عناصر این سازمان که دارای گرایش‌های لیبرالی، پاسیفیستی، غیرتوده‌ای و... بودند متفکرات شدند و عده‌ای از عناصر مرتضی و انقلابی آن بفرگرم بندی انحرافات "سازمان دمکراتیک مردم بلوچستان"، علل متلاشی شدن آن و... برآمدند و پس از مبارزه ایدئولوژیک درون خود و غلبه بر انحرافات غیر کمونیستی و لیبرالی، تشکل "اتحاد زحمتگان بلوچستان" را بر مبنای خط مشی سیاسی نسبتاً روشنی با اسما موجودت سیاسی ایدئولوژیک قابل قبولی، بنا کردند.

"اتحاد زحمتگان بلوچستان" ضمن تماس با "نبرد بلوچ" و مبارزه ایدئولوژیک برای وحدت، به تدریج با گرایش‌های فکری، سیاسی و لیبرالی مرتضی نیز گرد و نتوانست بر این انحرافات غالب شود. "اتحاد زحمتگان بلوچستان" ضمن مرتضی قاطع با گرایش‌های که تا قبل به ایجاد تشکیلات مخصوص بلوچستان داشتند و "کومه" را الگوی تشکیلاتی خویش

قرار می‌دادند، به این نتیجه رسید که تشکیلات کمونیستی بلوچستان جز کوچکی از حزب طبقه کارگر ایران با بد با تدوین تشکیلاتی "ملی" برای خلق بلوچ.

"اتحاد زحمتگان بلوچستان" که طی جمع بندی انحرافات "سازمان دمکراتیک مردم بلوچستان" به درستی انضباط آهنین، وحدت یکپارچه، آموزش و مبارزه ایدئولوژیک را برای بقا و حیات و نشاط سیاسی تشکیلات ضروری می‌دانستند، در عین حال با ادامه حیات آن را در تلاش برای وحدت سیاسی - تشکیلاتی با نیروهای نزدیک به خود و کوشش مداوم متحدانه در جهت ایجاد حزب می‌دانستند در همین رابطه ضمن وحدت و یکپارگی با تشکل "نبرد بلوچ" وحدت خود را از نظر سیاسی - ایدئولوژیک - تشکیلاتی با سازمان یکپارچه محکم ساخت و طی پروسه‌ای آموزش و مبارزه ایدئولوژیک در این سازمان ادغام شد.

۴- مختصری از فعالیت "اتحاد زحمتگان بلوچستان":

"اتحاد زحمتگان بلوچستان" پس از یکی شدن با "نبرد بلوچ" در فروردین ۵۹، به فعالیت یکپارچه خود در منطقه شدت بیشتری بخشید. و در این راه از روش‌ها و تجربیات تازه‌ها زمان یکپارچه... نیز بهره‌مند گردید. "اتحاد زحمتگان بلوچستان" تا کنون نقش چشمگیری در بالا بردن آگاهی خلق بلوچ و پیوندیبا توده‌ها داشته و بنحویبازی ارتجاع محلی، اسما از مولوی‌های مرتجع، خوانین مزدور، روشنفکران خود فروخته و عوامل منطقه‌ای رژیم را افشا و رسوا کرده و برتیا هم‌ها و اهداف انقلابیون کمونیست را در میان توده‌ها تبلیغ کرده است.

"اتحاد زحمتگان بلوچستان" در تمام منطقه فعالیت‌ها را درون کتون علاوه بر نشریه "نبرد بلوچ" و اعلامیه‌های متعدد در زمینه‌های مختلف، توانسته است مواضع و نشریات سازمان یکپارچه را نیز تا در دست تین نقاط بلوچستان به میان توده‌های ستمدیده ببرد و حدود زیادی خط سازمان را در میان زحمتگان و کارگران تبلیغ کند. علاوه بر این، "اتحاد زحمتگان بلوچستان" طی این مدت توانسته علی‌رغم کمبودها و نواقص، به فعالیت مستقیم در میان کارگران و زحمتگان شهر و روستا بپردازد و تشکیلات خود را گسترش دهد. "اتحاد زحمتگان بلوچستان" همچنین مبارزه ایدئولوژیک با انحرافات رومیونیستی و... را به شدت در منطقه پیش برده و موفقیت‌های قابل ملاحظه‌ای در این زمینه داشته، بطوریکه در همین رابطه بخش خیلی مهمی از نیروهای مادی و وزمنده "پاشی استار" را به خود جذب نموده است (توضیح بیشتر این مسئله را به بعد موقوف می‌کنیم.)

ما میلان کامل فعالیت "اتحاد زحمتگان بلوچستان" را به جای دیگری موقوف و فقط این نکته را تذکر می‌دهیم که تا ریخه پیدایش "سازمان دمکراتیک مردم بلوچستان" و "اتحاد زحمتگان بلوچستان" در "نبرد بلوچ" شماره‌های ۱۹ تا ۲۴ درج شده است که پس از تکمیل، در اولین فرصت در سطح جنبش منتشر خواهد شد.

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر  
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق  
اتحاد زحمتگان بلوچستان  
شهریور ۵۹

# برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق



## رزمندگان و مسئله رویزیونیسم و سوسیال امپریالیسم شوروی

خود را در پشت عدم تحلیل و احد عمیق می پویند و سپس برای این "روال منطقی" نتیجه خود را میگرداند. در نقد نظریات انحرافی این رفقا نظرا چیست؟

سنظر ما امروز سطح جنبش کمونیستی بین المللی به همان میزان است که احتیاج به تحلیل دقیقتر مثلا از امپریالیسم آمریکا، ساخت شرکتها و چندملیتی و چگونگی عملکرد آنها در عرصه جهانی وجود دارد، تحلیل دقیقتر از زمانیات درونی و بیرونی سوسیال امپریالیسم شوروی نیز یک نیاز فوری است. ولی مطلب مهم اینجا است که آیا جنبش کمونیستی فاقد آن شناخت قابل اتکا از شوروی میباشند که نتواند واقعیت آنرا در انحرافهای رزمندگان دست به تحریف زده و انحرافات رویزیونیستی خود را در پشت الفاظ میپوشاند. این رفقا سوسیال امپریالیسم شوروی را بجا به یک دستاورد مهم و قابل اتکا جنبش کمونیستی نمی بینند. نماند و جنبش کمونیستی را در برابر برپیش آید سوسیالیسم که با آن انحرافی و راستواران قرار میدهند که گویا به علت فقدان تحلیل عمیق، واقعیت سوسیالیسم امپریالیسم "شرجی" در تاکتیک و استراتژی پرولتاریا ندارد (!)

### واقعیت امپریالیستی شوروی

#### واستراتژی پرولتاریا

همانطور که قبلا گفتیم با تبدیل شوروی سوسیالیستی به شوروی سوسیال امپریالیستی این کشور خود به بخش تفکیکناپذیر از سیستم جهانی سرمایه داری تبدیل شده است، این کشور بطور ماهی و ارگانیک به ساختمان عمومی امپریالیسم جهانی ملحق گشته و در آن متافیزیک امپریالیستی و کسب قدرت جهانی به اعمال استعماری ملی می پردازد و میکوشد تا هر چه بیشتر خلقهای جهان را بزیربوغ خود بکشاند. حال در برابر انقیاد امپریالیستی استراتژی پرولتاریا چیست؟ پرولتاریا در جهانی که وظایف در قبال مبارزات مردمی دارد که تحت ستم امپریالیسم شوروی قرار دارند؟ سعی می کنیم مسئله را بیشتر توضیح دهیم: میدانیم که امپریالیسم روس با اتکا به "شورای تعاونی اقتصادی" (کومکون) و با کمک بورژوا - رویزیونیستهای اروپای شرقی، طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان این کشورها را به شدت تحت استعمار قرار داده است و برای تحقق این منظور با توسل به نیروهای پیمانکاران و کارخانه "روش" به سرکوب شده های زحمتکش پرداخته است. حال آیا طبقه کارگران کشورها حق دارند علیه حاکمیت بورژوازی و علیه نفوذ سلطه سوسیال امپریالیسم مبارزه بریزند؟ اگر این امر حق مسلم کارگران است - که هست - وظایف کمونیستها در قبال این مبارزات چیست؟ آیا واقعیت نفوذ امپریالیستی شوروی در

انحراف مشخص وجدی رزمندگان بشمار می آید؟ فقدان تحلیل عمیق با انحراف رویزیونیستی، کدما میگوید؟

پرواضح است که بدون یک تحلیل روشن از تضاد - های اساسی جهان کنونی، اوضاع طبقاتی و صف بندی انقلاب و فدا انقلاب نمیتوان استراتژی و تاکتیک بین المللی پرولتاریا را مشخص نمود. پرواضح است که بدون شناخت از سیستم جهانی امپریالیسم نمیتوان سیاست فدا امپریالیستی روشنی را جهت پیشبرد یک مبارزه انقلابی بین المللی مدون کرد. ولی در اینجا با پیدا نمودن آنچه اوضاع کنونی بین المللی تحلیل دقیقتری می طلبد، اما این امر بدان معنا نیست که جنبش کمونیستی فاقد هرگونه تحلیل قابل اتکا - نمی باشد. در یک برآیند عمومی صف انقلاب از صف ضد انقلاب مالا قابل تشخیص و تمایز است و بر همین پایه خط کشی روشنی بین دوستان و دشمنان بین المللی پرولتاریا وجود دارد. امروز دو سیستم جهانی یکی سوسیالیسم دیگری امپریالیسم وجود دارند. در سیستم سوسیالیستی جنبشهای کارگری، جنبشهای آزادیبخش و کمونوروسیا لیستی قرار دارند و در سیستم بین المللی سرما به داری. امپریالیسم آمریکا، امپریالیسم شوروی دیگر امپریالیستی جهانی است که نتواند رو کلیه طبقات مرتجع و حاکم کشورهای تحت سلطه ای بگیرند. سیستم امپریالیستی بر اساس ماهیت تجار و زکرا نه خود بیه اتکا سرما به روز و به استعماری و فاعرتگری پرداخته و خلفها را به اسارت خود در آورده است. امپریالیستها با تکیه بر ارتجاع محلی به استعمار وحشیانه کارگران و دیگر زحمتکشان دست زده و برای تداوم این بهره کشی امپریالیستی مبارزات و انقلابات را به خون میکشاند اما در برابر سیاست اسارت و بردگی امپریالیستی مبارزات طبقات فدا امپریالیست و به خصوص طبقه کارگر قرار دارند و استراتژی و تاکتیک جنبش کمونیستی در راه رسیدن به سوسیالیسم، پیشبرد مبارزه فدا طمانه علیه امپریالیسم میباشد. در برابر حاکمیت بورژوازی، استراتژی کمونیستها انقلاب پرولتاریا است و در برابر حاکمیت طبقات و پانسته ها امپریالیسم و سلطه امپریالیستی، استراتژی کمونیستها تحقق امر انقلاب دمکراتیک - فدا امپریالیستی و راه گشایی سوسیالیسم میباشد. در یک کلام استراتژی بین المللی پرولتاریا سرگونی و نابودی سیستم امپریالیسم و برقراری سوسیالیسم از راه انقلاب است.

حال با توجه به این پیش درآ مدینه مسئله مورد مشاجره و جوانب مختلف آن بپردازیم، اگر چه پاسخ به این مسئله در گفتار فوق نرفته است. مسئله اساسی اینجا است که رفقای رزمندگان از آنجا که به واقعیت شوروی بجا به یک قدرت امپریالیستی اعتقاد ندارند، بنا بر این معتقدند وجود شوروی کنونی در تاکتیک و استراتژی پرولتاریا "شرجی" نمیتواند داشته باشد، این رفقا در ابتدا انحراف رویزیونیستی

هما نظور که قبلا نوشتم تزلزل رویزیونیستی - رفقای رزمندگان نه تنها در برخورد به ما هبت امپریالیستی شوروی خود را ظاهر میسازد، بلکه همچنین در زمینه های دیگر و جمله در زمینه مسائل استراتژی و تاکتیک بین المللی پرولتاریا خود را اتکار می نماید در نظر اول چنین بنظر میرسد که رزمندگان فقط در مورد ساخت امپریالیستی شوروی دچار "انها م" (؟) می - باشند، ولی وقتی نظرات این رفقا را بدقت مورد مطالعه قرار میدهم، وقتی تزلزل رویزیونیستی آنان را به عرصه تحلیل و بررسی می کشانیم، وقتی انحرافات این تزلزل را در زمینه های دیگر به نقد کمونیستی درمی آوریم، متوجه میگردیم که ایضا دیگر انحرافات بظا هر کوچک به کجا کشیده میشود، متوجه میشویم که تزلزل و انحراف ایدئولوژیک رویزیونیستی چگونه مواضع سیاسی را به انحراف کشانده و چگونه به بورژوازی خدمت می کند.

شیوه ما در مبارزه ایدئولوژیک، شیوه اپوزیونیستی مح گیری نمی باشد. شیوه ما، شیوه کمونیستی در امر سرنگ مبارزه ایدئولوژیک مارکسیستی - لیننیستی است. شیوه ای است که بر حمانه و بدون گذشت علیه هر گونه انحراف بورژوا - رویزیونیستی بسما رزه می - آمان دست میزند. هرگز به مبارزه علیه انحرافات غیر پرولتاریا نیاید که ما به داد، هر چند این انحرافات بظا هر کوچک وی مقدار (!؟) باشد اما در مع خود بهمان یک خطا اساسی میتواند باشد. رفیق استالین میگفت: "هرگز از چیز کوچک چشم پوشید، چون از خوردن است که کلان برمی خیزد" قلب کمونیستها برای آرمان پرولتاریا، برای کمونیسمی طیده هر خردی که به این آرمان دشمن را ندوراه کمونیسم را به انحراف کشاند می بایست مورد بی رحمانه ترین مبارزات قرار گیرد و از این رومبیا شد که ما بسهم خود در برابر این ایدئولوژی پرولتاریا و هموار نمودن وحدت راستین کمونیستهای ایران میکوشیم و ما از این رومبیا شد که ما "خرد" های رفقای رزمندگان را مورد نقد قرار می - دهیم. در اینجا در پی آسیم تا نمونه دیگری از انحراف "کلان" این رفقا را در برخورد به سوسیال امپریالیسم شوروی نشان دهیم.

### فقدان تحلیل عمیق یا انحراف رویزیونیستی؟

رزمندگان "میپوسند:

"در حال حاضر جنبش کمونیستی از تحلیل واحد و عمیقی که جنبه های اساسی و ماهوی ساختمان سوسیالیسم و انحرافات و نکست آن در شوروی و چین را منعکس کند، بجنوی که بتواند در تاکتیکهای پرولتاریا و در استراتژی بین المللی او اثر جدی بگذارد برخوردار نیست و این بخودی خود هرگاه برخوردی مونگافانه و اساسی با مسائل مزبور نشود، به ما ده گراشی و دکما تیسم خطرناکی مبدل خواهد شد که رویزیونیسم آن را بدرخواهد آمد". (شماره ۲ - تاکبدا زمانست)

جوهر کلام رفقا اینست که چون تحلیل واحد و عمیقی در مورد گذشته و حال شوروی وجود ندارد، بنا بر این این فقدان تحلیل "در تاکتیکهای پرولتاریا و در استراتژی بین المللی او" شرعی نمیتواند بگذارد. آیا واقعا چنین است؟ ویا مطلب فوق بیان یک

## پرچم مبارزه ایدئولوژیک را برافراشته ترسازیم



این کشورها اشرافی در تعیین استراتژی و تاکتیک پرولتاریا نمیگذارد؟ مگر نه اینکه بورژوازی انحصاری در شوروی در اتحاد با بورژوازی کشورهای اروپای شرقی، دشمن طبقه کارگر این کشورها میباشند و مگر نه اینکه طبقه کارگر تحت نظام طبقاتی موجود مورد ستیم و استثمار قرار گرفته است و مگر نه اینکه هدف استراتژیک طبقه کارگر سرنگونی بورژوازی حاکمی است که در اتحاد دنگا تنگ با بورژوازی شوروی قرار دارد؟ حال آنکه طبقه کارگر این کشورها در تعیین تاکتیک و استراتژی خود نمی تواند منقاد شوروی را در جبهه ضد انقلاب روشن نماید؟ رفقای روزندگان به این پرسش ها با بدین پاسخ گویند:

امروزه فاشیسم در دوران مودرتا و نظامی و امپریالیستی شوروی قرار گرفته است و ریزبونیستهای شوروی با اتکا به «بند دوز» «ببرک کارمل» نه تنها به غارت منابع این کشور دست زده بلکه همچنین خلق افغان را مورد شدیدترین سرکوب و استثمار قرار داده است. حال برپا بودن واقعیت عربان نمیتوان استراتژی و تاکتیک کمونیستی را مشخص نموده و در این ارتباط مفا موسیال امپریالیستی شوروی را معین کرد؟ (۱) آیا تحت پوشش فداان «تحلیل عمیق» از ما هیت شوروی میتوان از جای دادن شوروی در صف دشمنان خلق و طبقه کارگر افغان خودداری ورزید؟

در حال حاضر طبقه کارگر و زحمتکشان هندی نه تنها زیر ستیم و استثمار بورژوازی حاکم بر میبرند بلکه همچنین تحت فشار سیاسی - اقتصادی شوروی نیز قرار دارند. بعنوان نمونه موسیال امپریالیسم شوروی تا اواخر ۱۹۷۱ مبلغ ۱۰۳۱۵۰۰۰۰۰ روپیه به هند و ما داده است و از این راه میلیونها روپیه که حاصل دسترنج زحمتکشان است بغارت برده است. هم اکنون بخش مهمی از اقتصاد سرما به داری هند و بطور مشخص بنگالهای تولیدی این کشور تحت کنترل سرما به انحصاری شوروی قرار دارد، یعنی که ۸۰٪ تولیدات ما شین، ۶۰٪ سیما ت برق، ۳۵٪ پالایش نفت، ۳۰٪ صنایع فولاد، ۲۰٪ انرژی برقی تحت کنترل سرما به - های ریزبونیستهای شوروی قرار گرفته اند (۲). علاوه بر رژیم مترج هند یعنی وسیعی از کشورهای و تسلیحاتی خود را از روسها تامین میکنند و با همسنگ سلاحها کارگران و زحمتکشان هندی را مورد ستیم و سرکوب قرار میدهد. حال آنکه واقعیت امپریالیستی شوروی در هندنا شناخته شده میباشند و واقعیت شوروی در تعیین استراتژی و تاکتیک کمونیستی «اشرافی» «بنا میگذارد» در دسیاست انحرافی و استروانه و فکشیای روزندگان که واقعیت امپریالیسم شوروی را در استراتژی و تاکتیک پرولتاریا بحساب نمی آورد، مسئله مورد مشاجره را در بعد دیگری مورد مطالعه قرار میدهم: جایگاه و نقش جهانی امپریالیسم شوروی در دنیا و کنونی چگونه قابل ارزشیابی میباشند؟ بنظر ما در شرایط حاضر، جهان امپریالیستی به دو قطب

اساسی تقسیم میشود. اگر در رأس یکی از این دو قطب امپریالیسم جهانی قرار دارد، در رأس قطب امپریالیستی دیگر موسیال امپریالیسم شوروی جای گرفته است. واقعیت اینست که هر یک از این دو امپریالیسم قدرتمند، نقش برجسته و مهمی در حیات هر یک از دو قطب اساسی و نظام جهانی امپریالیستی ایفا می نماید و علاوه بر هر یک از این دو قدرت امپریالیستی

اتمیوی، هند، ... بخشی از سرزمینهای جهان را به خود اختصاص داده و مناطقی مهمی از کره ارض را به حیطة نفوذ خود تبدیل کرده است. تمامی موارد فوق نه تنها مظاهر و نشانه های ماهیت امپریالیستی دولت و اقتصاد شوروی میباشند بلکه علاوه بر آنها سیاست استعماری و امپریالیستی شوروی و عمق ستیمگری ملی از جانب این قدرت

- مطلب مهم اینجاست که آیا جنبش کمونیستی فاقد آن شناخت قابل اتکا از شوروی می باشد که نتواند واقعیت آن را در استراتژی و تاکتیک خود ملحوظ دارد ؟
- رفقای روزندگان از نفعی این مسئله که شوروی به مثابه یک قدرت امپریالیستی است به نفعی واقعیت شوروی به مثابه بخشی از جهان امپریالیستی رسیده و از آنجا به نفعی اشرافی واقعیت سوسیالیسم امپریالیسم روس در استراتژی و تاکتیک پرولتاریا کشیده می شوند .
- آری سوسیالیسم امپریالیسم شوروی نه در جبهه انقلاب بلکه به مثابه یکی از دشمنان امپریالیستی در جبهه ضد انقلاب قرار دارد و پرولتاریا نمی تواند این واقعیت عربان را کتمان نماید . اینست تنهاسیاست کمونیستی .

تجارت و زنگار نشان میدهند. این مسائل بروشنی نشان میدهند که شوروی بنوع خود نقش برجسته ای در حفظ نظام امپریالیسم جهانی و ستیمت و ستیمت مرانی ایفا میکند. سوسیالیسم امپریالیسم شوروی اگر چه جهت داشتن سهم بیشتر از غارت جهان و کسب هژمونی جهان با دیگر امپریالیستها و بخصوص امپریالیسم آمریکا بر قیامت می پردازد، اما برای حفظ نظام جهانی سرما به با دیگرها نفوذ را، اتحاد استراتژیک داشته و به همین لحاظ در برابر جنبشهای واقعا انقلابی و آزادیبخش و انقلابات پرولتری راستین با امپریالیستها و دیگرها زش میکند. البته امپریالیسم شوروی با ما سنگ سوسیالیستی خود میکوشد تا جنبشهای آزادیبخش را به انحراف بکشاند و آنها را مطیع سیاستهای استعمارگرانه خود سازد و حرکت آنها را در جهت تامین منافع استیلاجویانه خود قرار دهد. طبعا در چنین حالتی یعنی زمانیکه رهبران جنبش به انحراف کشیده شوند و رهبری جنبش در خدمت شوروی امپریالیستی به حرکت درآید، دیگر جنبش جنبشهای قابل پشتیبانی کمونیستها شد که امپریالیسم جهانی را تضعیف کرده و آنرا بسمت تلاشی هر چه بیشتر سوق دهد. بقول رفیق استالین:

"انقلابی بودن حتمی اکثریت هنگام جنبشهای ملی هما تقدرنسی و دارای اشکال بخصوصی است که احتمال ارتجاعی بودن برخی از جنبشهای جداگانه ملی نسبی و دارای شکلهای بخصوصی می باشد."

او اضافه میکند که جنبش واقعا انقلابی است که: "امپریالیسم را ضعیف و قوایش را تجزیه کرده و آن را از ریشه متزلزل سازد" (اصول لنینیسم)

بدین ترتیب جنبشهایی که به انقیاد دسیاست شوروی و نوکران آن درآید، اگر چه ممکن است به منافع یک کشور امپریالیستی حتمی ضربه بزند، ولی در مجموع به نظام جهانی امپریالیسم ضربه نخواهد زد و به همین لحاظ قابل پشتیبانی نمی باشد.

بهر حال شوروی میکوشد جنبشها را در جهت منافع خود به انحراف بکشاند، ولی آنجا که جنبشها در برابر امپریالیستها و از جمله شوروی استوار باشند و مقاومت ورزد، آننگاه شوروی در تشریح آنها با دیگر امپریالیستها برای مرگ ونا بودی آن جنبش همت می ورزد. بطور خلاصه ما بدگفت که جایگاه شوروی در جهان امپریالیستی قرار داشته و شوروی به مثابه رأس یکی

نقش برجسته ای در استعمار، غارت و سرکوب کارگران و خلقهای جهان بازی میکنند. از آنجا که مورد ستیمت ما در اینجا نقش سوسیالیسم شوروی است، بنا بر این بطور مختصر بدین امر اشاره می کنیم تا بتوانیم نتایج سیاسی خوبی را استخراج نمائیم.

سوسیالیسم امپریالیسم شوروی بنا به ماهیت امپریالیستی خود به صورت سرما به دست زده و بطور مستقیم در استعمار و غارت زحمتکشان دیگر کشورها مشارکت می نماید. بعنوان نمونه فقط تا سال ۱۹۷۲، شوروی تحت پوشش عوامفریبانه «کمک اقتصادی» مبلغ ۱۰ میلیارد دلار در روپل در کشورهای اروپای شرقی سرما به ما در نموده است و تا حال حاضر در بیش از ۱۴۰۰ واحد تولیدی این کشورها سرما به گذاری کرده و آنها را تحت کنترل خود قرار داده است. شوروی علاوه بر کشورهای فوق، در سایر نقاط جهان نیز سرما به گذاری امپریالیستی پرده خسته و سودهای کلانی را به خود اختصاص میدهد. در این مورد ما بدگفت که فقط تا سال ۱۹۷۱، ریزبونیستهای روسی در ۳۵۰ بنگاه تولیدی در آسیا، آفریقا و آمریکا لاتین چنگا لهای خود را فرو کرده اند و بهرواضح است که طی سالهای اخیر این میزان از انفلوذا اقتصادی بمراتب افزایش حیرت انگیزی پیدا کرده است (۳). در زمینه تسلیحاتی نیز شوروی بلحاظ ماهیت امپریالیستی خود دسیاست رفعا ل است. واقعیت با امپریالیسم آمریکا جهت کسب سیادت جهانی، سرکوب جنبشها و انقلابات و در دسترس قرار زمل فروش اسلحه به رژیمهای ارتجاعی (۴)، سوسیالیسم امپریالیسم شوروی را و میدارد تا هما تنها امپریالیستی دیگر به صدور اسلحه دست زده و از این طریق سودهای هنگفتی را به جیب آورد.

در حال حاضر امپریالیسم شوروی در راه منافع توسعه طلبانه خود به کودتا دست زده (افغانستان...) به سرکوب جنبشها اقدام ورزیده (جنبش خلق ایرانه) به داخله در دیگر کشورها پرده خسته و در آنها به ایجاد پایگاههای نظامی و جاسوسی دست زده (ایمن جنوبی،

- (۳) - منبع آمارها نجا .
- (۴) - دولت امپریالیستی شوروی در سال ۱۹۶۸ مبلغ ۱۱۰ میلیون دلار به رژیم موزمبیک اسلحه فروخت . بر این بنا به نا وجه های ارتش شاه به موشکهای سبک شامت شوروی مجهز شد و در حال حاضر ارتش دارای زره پوش - های حمل و نقل از نوع BTR - ۱۵۲ و هواپیمای ۵۷۳ و ۵۸۳ ساخت شوروی می باشد .

- (۱) - روشن است که جزو دشمنان خلق افغان امپریالیسم آمریکا، امپریالیسم غربی ارتجاع محلی (افشودلها و...) نیز وجود دارند.
- (۲) - منبع آمار: رساله مقدما تی در باره امپریالیسم به بنا به آخرین مرحله سرما به داری «چاپ چین ۱۹۷۶» همین آمار در مجله «آلبانی امروز» مه - ژوئن ۱۹۷۴ نیز آمده است. ما خدا ملی این آمار روزنامه های شوروی می باشد.



## رفقای دکهداران نشریات انقلابی! رزمندان پایدار! عزمندان استوار! و پایداریتان آهنین باد!

### ملاحظات کوتاه

#### چلچله های بهار فردا

وقتی جوانان بر سرور انقلابی و کمونیست را از دختر و پسر می بینی که علمبر غم خطرات، دسما میا، باز - دانشها، شکنجه ها و اعدا میا همچون گلبرویان بهاری در آن من را از گلها ی آکا می، از نشریات انقلابی و کمونیستی انباشته و بر سر گذرها، چراغ آگاهی توهم زد را بهیچا روی توده ها فروخته اند و ندای آزادی طبقه کارگر و فریاد دنا بودی امیربا لیموسرما بسبب داری وابسته را اعلام می دهند و "هیگا" و "۱۳" آن با "و دیگر" نشریات انقلابی را به درون خانه ها و کوچه ها و برزنها می رسانند، چراغ ای نداری جز آنکه بر اینهمه شیپور انقلابی درون خلق آفرین بگویی و به آئینه درخشان زحمتکشان که روز بروز در راه مبارزه با کما میهای استوارتر و با چشمها زتر را می سپردند میداو و رتروئی.

ای بهایم آوران آکا می! ای چلچله های بهار جمهوری دمگرا تیک خلق! ای رهروان پرشور و راه انقلاب و کمونیسم! عزمندان جزم، رزمندان پایدار و پیوندتان با توده ها مستحکم باد!

### چنگ زدن به ریسما می و سید

همزمان با حوادث لهستان، فیلمی از تلویزیون جمهوری اسلامی نشان دادند بنام "کارگران حکومتی علیه حکومت کارگری". آنچه دست اندر کاران هنرپیشی رژیم با این فیلم تبلیغ کردند جز خنثی سازی و خرافات مطبوعات جهان سرما به داری علیه کمونیسم و کمونیستها نبود: آنها زیر لوای غدیت با ثوروی به غدیت بسا کمونیسم پر برداشتند. و حکومت بوسیده و ضد کارگری رویز - یونیستها در لهستان و دیگر کشورهای افکار سوسیال - امیربا لیموسروروی را "حکومت کارگری" معرفی کردند. آنها بر اساس این مقدمات غلط به نتایج غلط تری رسیدند. و انحرافات سنگین رویز یونیستها را بر سر توت کمونیسم جا زدند. در جوامع تحت سلطه رویز - یونیستها، از کمونیسم جز کالبدی بی جان نشانده توهمات ابد آلیستی مجال نمودند بیا فتاشست و این قبل از هر چیز لکنگی بردا من رویز یونیستها است این توهمات ابد آلیستی در درون طبقه کارگر بجان آمده لهستان نیز بصورت دادخواهی و توسل به دایمان با پ خود را نشان داد. حالا از این انفضاح رویز یونیسم، کما می "ما می مقصود میدیکنند و در بی "اشبا تا" افکاری هستند که سالها در از است علم و مبارزه طبقه ای "وقفا تا" ریخی آنها را اعلام کرده است فیلم نتیجه گیری میگرد که آنچه تریاک توده ها نامیده میشود، "نجا نبخش" از ب در آمده است. اما با بدگفست مدافعان طبقات ارتجاعی و اندیشه های کهن، بسپوده خود را حسته می کنند، ما ر کیم در مبارزه با اید آلیسم و کلیه ایدئولوژیهای بورژواشی منجمله رویز یونیسم هر روز آبدیده تر میشود.

بقیه در صفحه ۱۸

با دیدن گسترش حمایت توده ها از ریسما میا، چسبنا و نوشته ها میمان و ارتقا لیبنا میمان، تبسم ناد می بخش بر چهره ها میمان نقش می بندد چرا که پیروزی خویش و مرگ مرتجعین را نزدیکتر می بینیم! چرا که گسترش حمایت پر شور توده ها را از انقلابیون با ثوروشوق تمام می - بسیم و این ایمان به نیروی لایزال و امید بخش توده ها است که با تمامی مشکلات و ریسختیها، شکنجه ها، حبس ها و اعداها، نه تنها ذره ای تزلزل و تردید در آراءه مان ایجاد نمی کند، بلکه با سری افراشته، با افتخار تمام، استوار تر و محکم تر پیش از پیش در راه آزما نهیسی انقلابیما ن گام بر می داریم و بدین ترتیب تشریاتی که می گوشتند با جشن کتا بسوزان ما تم به دل زحمتکشان انقلابیون و کمونیستها بنشانند تا به سنگ می نشانی آری اینچنین ایستاد و قهرمانانه در برابر برحسالات و حشانه مرتجعین پایدار می کنیم و امکانات فعالیت علنی را که از جمله دستاوردهای قیام شکوهند ما ست و با خون دهها هزار شهید ترا بدست آورده ایم، نه تنها از دست نمی دهیم، بلکه به پیش می رویم و آنچه را هم که آزما با زسانند، با چنگ و دندان پس میگیریم و پایداریش می کنیم تا قوس مرگ مرتجعین را به صدا در آوریم!

رفقا! حمله ها، زخمها، کتک ها، حبس ها و شکنجه ها را تحمل می کنیم و آبدیده می شویم، اما لحظه ای از پای نمی نشینیم، از پای می افتیم، اما با زیر می خیزیم سرگویمان می کنند، دوباره شروع می کنیم و از خون جاری صدها شهید و زخمی پرچمان را سرختر می کنیم. آری ما را جز این راهی نیست، اینرا کلیه دشمنان خلق با بد بداند! با گسترش بساط های کتا بفروشی، با تشدید تبلیغات و افشاگری، با مقاومت متحدانه از سرچیدن بساط های کتا بفروشی جلوگیری نموده و فعالیت آکا می بخش خویش را فزونیتر کنیم!

## مردم مراغه خواهند انحلال خراب جمهوری اسلامی شدند

۱- فرستادن نماینده ای از طرف دولت برای مذاکره لازم به تذکر است که رئیس بیدا دکهداران شهادتجوی جوانی است که جز آدم کشی و اعدا میهای بی رویه هنسر دیگری ندارد. و از جمله وی عامل اعدا می چندین نفر از کردهای زندانی است.

۲- شورای شهر مراغه، زرفشا مردم چا را زبذیرش دخواست از خواستهای چهارگانه مردم شهر شده است.

۳- اینکه نظرات مردم مراغه علیرغم ایت اقلای خود، زیر لوای حمایت ارتجاعی مدرصورت گرفت هتداری است به انقلابیون و بیوزمه مبارزین مراغه که هر چه به یکبیر ترسرت یگانه بنی مدر و حزب جمهوری اسلامی را در بین توده ها تبلیغ کنند و مانع از آن شوند که رهبری ایگونه مقاومتی توده ای بدست بشی صدها بیافتند

رفقا! مدعی است که با سازمان حزب جمهوری اسلامی بدنبال حمله هیئت حاکمه به کردستان، گشتار در دانشگاه بوستن دانشگاهها و دفاتر نشریوهای سیاسی و توفیق نشریات و دستگیری، حبس و حتی ترور و مد انقلابی رفقا می که در بخش و فروش نشریات و اعلامیه ها شرکت دارند، حملات سازمان با فتع ای را به بساط های کتا بفروشی نیروهای انقلابی در مناطق مختلف آغاز کرده اند. تا آخرین امکانات فعالیت علنی ما و دیگر نیروهای انقلابی را از چنگمان در آورند! چرا که ارتجاع مرگ خویش را در آکا می توده ها می بیند و بساط های کوچک شما آکا می بخش و روشنگردن توده ها است.

آری رفقا! و با نشان مسلح به جانو، فمه، رنجیر، بچه بکس و حتی اسلحه گرم با حمایت پایداران سرما به مرتبه این دکهدا و بساط های آکا می بخش توده ها حمله می - کنند، بوسرها و سونجات دیواری را با تپه های چا فومی درند، کتا بهها و جزوات را لگدمال می کنند، جشن کتا بسوزان راه می اندازند و جو خال و خندان به شما شای اعمال سنگین خویش می ایستند، رفقای ما را به همراه بر نیروهای انقلابی کتک میزنند، با چاقو و فمه و... به آنها حمله کرده، آنها را زخمی می کنند و حتی بسوی آنان تیراندازی می کنند (ما نند حمله پایداران به بساط داران بلوار کتا روز، که در نتیجه آن یکی از رفقا موردا مایت گلونه مرا گرفت) آنها حتی به مردمی که از آنان می پرسند، چرا چنین اعمال سنگینی را انجام می دهید، با فحش و ناسزا و کتک جواب می گویند!

اما چه بسپوده می پندارند این مرتجعین، ما کمونیستها را از مرگ باکی نیست! ما با ایمان به پیروزی آزما ن سرخان لحظه ای از پای نخواهیم نشست. و در این راه ما توده های زحمتکش، همسراه و همپا خواهیم گید! اگر ارتجاع با جشن آتش بسوزان کتا بهها و جزوات ما، زهر خند بر چهره اش جاری میشود، ما

روز چهارشنبه ۵۹/۶/۱۹ مردم مبارز مراغه که از زورگوشی وستم حکما محلی از جمله بیدا دکهداران انقلاب و کمیته ها به تنگ آمده بودند به غیبا بنا ریخته و بسا شعارهای "مرگ بر هیئت"، "مرگ بورژواشی"، "مرگ بر آیت"، "حزب جمهوری اسلامی منحل باید گسرد" مخالفت خود را با ارتجاع امیرا نمودند. این حرکت که زیر لوای حمایت ارتجاعی مدرصورت گرفت، عمدتاً بیدا دکهدا انقلاب و کمیته های اسلامی را هدف قرار داده بود. بدنبال این نظرات مردم مراغه برای شهر متحصن شده و خواستهای خود را بدین شرح اعلام نمودند:

- ۱- انحلال حزب جمهوری اسلامی
- ۲- استعفا ی رئیس دادگاه انقلاب
- ۳- انحلال کمیته ها

## تاقامین کار برای دکهداران، داشتن دکهدا حق مسلم آنان است



بقیه از صفحه ۱

بیامون . . .

... های جنگ افروزان دولتهای ارتجاعی ایران و عراق میگردند. در دوره حاکمیت رژیم پسا پسته به امپریالیسم تا نیزبیا رها تا حد درگیریهای مرزی بین ارتش آمریکا و ناها با فاشیستهای بعث عراق بودیم. حال با توجه به ویژگیهای موقعیت کنونی منطقه بعد از سقوط رژیم شاه، توطئه های امپریالیسم آمریکا برای ایجاد کانون جنگ و کشتار بر مبنای اهداف ضد خلقی رژیم پسا جمهوری اسلامی و بعث عراق، با درگیر شدن این جنگ شعله ور گشته است که در اثر آن فقط و فقط خلقهای زحمتکش دوشور ایران و عراق آسیب می بینند. اما بیبینی ما هیت جنگ بین دولتهای ارتجاعی ایران و عراق چیست و آنها از ادا ما این جنگ چه اهدافی را دنبال میکنند؟

توطئه های امپریالیسم آمریکا

برای ایجاد و گسترش جنگ

بدنبال سقوط رژیم پسا پسته شاه و صریحاً سنگینی که خلقهای میهن ما به امپریالیسم در ایران اید ساختند موج نویی از خیزش انقلابی در سراسر منطقه بوجود آورد، بدانگونه که اکنون در برخی از کشورهای خاور - میانه از جمله پاکستان، عراق و ... مبارزات زحمتکش (که رژیم جمهوری اسلامی بدو از آنها را فقط جنبش شیعیان "قلعه دمیکنند) بر علیه رژیمهای دیکتاتور و وابسته گسترش بیشتری یافته و اوج میگیرد. مبارزات انقلابی خلقهای منطقه نمی توانست امپریالیسم آمریکا را نگران ننماید. و بر همین اساس تبدیل خاور - میانه به کانون جنگ و کشتاریکی از اهدافی است که امپریالیسم آمریکا برای رسیدن به آن به توطئه ها و تحریکات دادا منهدم در دست زده است. این توطئه ها، در ایران نیز رژیم جمهوری اسلامی بلکه ما را با جنبش عمیقاً ضد امپریالیستی خلقهای میهن ما را هدف قرار داده است. جنگ بین دولت عراق و ایران نیز بخشی از نقشه های امپریالیسم آمریکا است که از طریق تقویت رژیم عراق توسط رژیمهای ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم مانند مصر و عربستان ما بر نماند. مریزی آمریکا و حمایت تسلیحاتی امپریالیستهای اروپا و کشورهای پتانسیل ارتجاعی، انجام میگیرد. از آنجا که رژیم جمهوری اسلامی غیرمعمول در جهت حفظ و ترمیم وابستگی رژیمهای کافر و خلق بگوش امپریالیسم آمریکا نیست لذا بعثت نا توانی اش در سرکوب جنبش دمکراتیک - ضد امپریالیستی خلقها از یک سو و دشمنی برخی تهاذهای جانیسی با آمریکا - که رژیم این تهاذهای را در جهت فریب و سرکوب تهاذها بکار میگیرد - از سوی دیگر مورد خوشایند امپریالیسم آمریکا نیست و به همین خاطر آمریکا برای سرکوب و حسیا نه خلقهای ایران و تبدیل بلا شرط ایران به پایگاه سیاسی - نظامی برای خود، لازم دارد که رژیمی کاملاً مزدور در ایران بر سر کار آید تا از جهت منافع او را بر آورده سازد. بر همین پایه امپریالیسم آمریکا علاوه بر طرح کودتا - های امپریالیستی و اقدام به مذاکره با سردمیداران رژیم جمهوری اسلامی در پی ایجاد اغتشاش و کشتار از بمب گذاری در شهرهای مختلف گرفته تا دادن زدن به جنگهای مرزی بین ایران و عراق می باشد. تا از این طریق بتواند نقشه های امپریالیستی خود را در ایران به مرحله اجرا در آورد. این همان هدفی است که رژیم بعث عراق در جهت تحقق بخشیدن بدان، زحمتکشان مرز - نشین ما را به میان کرده و به توطئه می بندد.

رژیم فاشیستی بعث عراق

از ادا ما جنگ چه هدفی دارد؟

علاوه بر توطئه های امپریالیسم آمریکا در ادا ما زدن به جنگ بین دولتهای ایران و عراق رژیم فاشیستی بعث عراق به اقتضای تمایلات شوینستی و ارتجاعی خود بر ادا ما و تشدید این جنگ مصرا نه پای میفشد. رژیم بعث بر اساس همین سیاست با تحریکات خود در جنوب ایران میخواد ادا ما را زات ملی - طبقاتی زحمتکش خلق عرب بر علیه رژیم جمهوری اسلامی را در جهت ادا ما خود به انحراف بکشد. جلوه های بارز این سیاست در فریب دادن او و ادا ما نمودن فریبی از عنا صریح فریب خورده و دستمیده خلق عرب به بمب گذاری در اهواز، آبادان و غیره و شهر دیگر شهرهای جنوب، تحت عنوان حمایت از مبارزه خلق عرب بر علیه جمهوری اسلامی، مشا هده میشود.

از طرف دیگر همانطور که در پیش گفتیم، جنبش خلقهای ایران بر علیه امپریالیسم و ارتجاع موجب رشد و گسترش مبارزات خلقهای منطقه از جمله عراق بر علیه رژیمهای ارتجاعی و وابسته گردیده است. بورژوازی حاکم در عراق در جهت به انحراف کشتار نیدن افکار عمومی زحمتکش عراق در مورد جنبش ضد امپریالیستی و جلوگیری از سرایت آتش مبارزات انقلابی تهاذهای زحمتکش ایران به عراق و علاوه بر جنگ و کشتار زحمتکش میهن ما، به تبلیغات وسیعی ظاهر بر علیه رژیم پسا خلقی حاکم بر ایران و در باطن بر علیه انقلاب و خلقهای ایران دست زده اند. تا از این طریق مبارزات انقلابی خلقهای میهن ما را که، مبارزه ای است با ارتجاع، حاکم و در خدمت مبارزات ضد امپریالیستی، از جوهر ضد امپریالیستی آن غالی نموده و چنین وانمود سازد که از جنبش خلقهای ایران بر علیه "ارتجاع حاکم" حمایت میکند. حال آنکه بر زحمتکش میهن ما روشن است که هم رژیم جمهوری اسلامی و هم رژیم بعث هر دو به طریق خاصی در جهت ادا ما امپریالیسم در جهت سرکوب خلقهای دوشورگرا مبر میدارند.

سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی در جنگ با عراق

رژیم جمهوری اسلامی با مستمک فرار دادن جنگ با عراق، در پی آن است که افکار تهاذهای زحمتکش ما را از اساسی ترین خواسته های سیاسی - اقتصادی و ضد امپریالیستی شان به انحراف کشد و با بیسیج تهاذهای نا آگاه و حول شاعر جنگ با عراق سرکوب و کشتار و خلقهای تحت ستم، نیروهای انقلابی و زحمتکش آگاه و میهن ما را به نحو گسترده تری انجام دهد. تبلیغات دادا منهدم داری که رژیم در زمینه حملات فاشیستی به میهن ما، بر ادا ما خفته مبین این امر است که جمهوری اسلامی خواهان ما با بخشیدن به جنگ و جلوگیری از کشتار زحمتکشان مرز نشین میهن ما نیست. از آنجا که پس از رژیم پسته میخواد ادا ما منهدم دانه خواسسته های زحمتکش میهن ما با سخ گوید و حتی برای جلوگیری از رشد و گسترش مبارزات خلقها و زحمتکش آن تها را مرسوم و حسیا نه ترین سرکوبها و کشتارها قرار میدهد، پس رژیم میخواد ادا ما در زدن به ادا ما با شوینستی تهاذهای و تحریک آنها حول اینک رژیم بعث "شیعیان عراق" را قتل عام میکند تهاذهای برای تحقق ادا ما ضد خلقی خود که همانا سرکوب انقلاب است بیسیج کند. اما این یک جنبه قضیه است. رژیم برای شدت بخشیدن به کشتار خلق قهرمان کرد و سرکوب کامل جنبش مقاومت خلق کرد. جنگ با عراق را به نفع ادا ما و کما کسان به سرکوب خلق زحمتکش کرد ادا ما میدهد. این عملکرد

ضد خلقی رژیم در مرحله کنونی ادا ما همان سیاست ضد مردمی محاصره کردستان از طریق نقل و انقالات نظامی تحت عنوان دروغین جنگ با عراق در نوا حی - سرزری کردستان میباشد. جنگ با عراق موقعیت مناسب دیگری برای رژیم در جهت تقویت و تحکیم درونی ارتش پوسیده آریا مهری بوجود آورده است. رژیم با تحریک احساسات سربازان و درجه داران و افسران جز، تها را به مرزها گسیل میدارد. از طرف دیگر با به نفع ادا ما "جنگ با دشمن خارجی" میگوید هرگونه عداوت اعتراضی حق - طلبانه پرسنل مبارزان انقلابی ارتش را بر علیه سیستم پوسیده و ضد خلقی ارتش و جناحی که توسط آن انجام میگردد، در گلو خفه کند.

موضع ما در قبال جنگ بین ایران و عراق

جنگی که ما اکنون در مرز ایران و عراق جریان دارد جنگی است بین دولتهای ارتجاعی و ضد خلقی دوشور و جنگی بر ضد خلقهای زحمتکش ایران و عراق ادا ما این جنگ به هیچ وجه و تحت هیچ شرایطی مورد حمایت طبقه کارگر و تهاذهای زحمتکش و نیروهای انقلابی نمیتواند قرار گیرد چرا که هر دو رژیم آن را در خدمت سرکوب طبقه کارگر و کشتار و خلقها و تهاذهای زحمتکش دوشور که جز بیسج امپریالیسم آمریکا نیست بکار گرفته اند. از یک سو رژیم جمهوری اسلامی با سرکوب خلقهای تحت ستم، مبارزات زحمتکش و نیروهای انقلابی بورژوازی گمونیستها، با حفظ و ترمیم پایگاه امپریالیستی سرمایه داری وابسته، از سوی دیگر رژیم ضد خلقی بعث عراق با کشتار و سرکوب خلقهای عراق و زحمتکشان مرز نشین میهن ما با وسیله سلاحهای سوسال امپریالیسم شوروی و دیگر امپریالیستها و با پها ده کردن توطئه های جنگ افروزان و جناحی تها را نه از قبیل بمب گذاری در جنوب و حملات نظامی به مرز - های ایران، هر دو رژیم دست در دست امپریالیسم میفردند خلقهای ایران و عراق عمل میکنند.

فاشیستهای بعث عراق که بمبارات قتل عام زحمتکشان مرز نشین میهن ما، تها عریده های و قبیحانه و فریبکارانه خود را "را دیوبنداد" رامینتی بر به اصلاح حمایت از خلقها و زحمتکشان ایران در مقابل کشتار رژیم جمهوری اسلامی، نمیتوانند دوست و یار و خلقهای ایران یا باشند. رژیم جمهوری اسلامی نیز که زیر سایه "مدور انقلاب اسلامی" بر ادا ما به جنگ تهاذنا - پوشی برای سرکوب مبارزات انقلابی خلقها و زحمتکشان و نیروهای انقلابی قرار داده است نمیتواند مورد حمایت طبقه کارگر و نیروهای انقلابی قرار گیرد طبقه کارگر و کمونیستها و طیفها رند ما هیت این جنگ و ادا ما امپریالیسم آمریکا و رژیمهای ایران و عراق را از ادا ما آن برای تهاذهای زحمتکش افشا کرده و آن را محکوم نماید.

ما به همراه تهاذهای زحمتکش آگاه و به همراه تمام نیروهای انقلابی ضمن محکوم نمودن حملات نظامی و عملیات جناحی تها را در رژیم عراق و ضمن افشا و محکوم کردن سیاستهای فریبکارانه هیت حاکمه ایران، در این زمینه، ادا ما این جنگ را بر ضد خلقهای ایران و عراق از سیاسی میکنیم. تردیدی نیست برای ما بلکه با تها و زات دولت ضد خلقی عراق، برای دفاع از انقلاب و خلقهای میهن خود، بدون درهای حمایت از رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی با بهای طبقه کارگر و زحمتکشان ایران و بر بر سر هم بستگی خلقهای ایران با زحمتکشان عراق، در مقابل تها و زات عراق می ایستاد.





رفعا قبل از پاسخ به نامه‌ها لازم است تذکری را که تیتلا نیز در همین صفحه مندرک شده، پیکار نکنیم. نامه‌ها را می‌تواند که به ما میرسد و نوعی می‌باشد، نامه‌ها بی‌کمی عموماً در دو مورد سؤال، انتقاد و پیش‌نهاد بسیار است. از رفقا است. و نامه‌ها می‌تواند که اینطور نیست و بیشتر جنبه خاص دارد. سیاست ما این است که به نامه‌ها می‌تواند که پاسخ نسبتاً مشروح و به‌بقیه‌جواب کوتاه داده شود. و در مورد برخی از نامه‌ها نیز تنها به اعلام رسیدن آن اکتفا می‌کنیم. ولی همان‌طور که گفته‌ام، پاسخ کوتاه و بی‌جواب ندادن به نامه‌ها می‌تواند که شما به‌بچه‌بچه‌بمعنی کم‌توجهی به این قبیل نامه‌ها نیست. چرا که این نامه‌ها هر چند خاص و محرک است اما اطمینان‌بخش و وسیله ارتباط مستقیم شما با پیکار است و ما را در جریان انتقادات و پیش‌نهادات و لوگوچک شما می‌گذارد و از این لحاظ دارای اهمیت بسیاری می‌باشد.

مسئله دیگر این است که ما به برخی سئوالات و انتقادات... بدلیل مختلف از جمله: در دستوری بودن برخورد مشروح به موضوع مربوطه، در حال بررسی و تدقیق موضوع مربوطه... فی الفور نمی‌توانیم پاسخ دهیم و رفقا این مسئله را با بی‌تشیکی و شکلیاتی تلقی کرده و منتظر موضع‌گیری ما در چنین مسواری می‌باشند. البته ما چنین مواردی را مشخص خواهیم کرد.

### • رفیق سرباز و من:

نامه‌های شما رسیده از آنجا که در شرایط سخت پادگان با شرایط آرمایی از طبقه کارگران و اهداف سازمان در راه آزادی طبقه کارگران و روش‌های سیاسی، مبارزه می‌کنید، به‌شما تبریک می‌گویم و دست شما را می‌فشارم! در مورد پیش‌نهادی که در رابطه با جنبش کارگری، رهنمودها، لایحه و رهنمودهای مفصلی کاری و غیره داده‌اید، با توجه به تحولاتی که قدامت‌ریم پس از کنگره در نشریه پیکار راجع به آن در جریان است، آنها را عملی نخواهیم کرد. اما شما می‌توانید که مثل توبه‌ای پس از رهنمودها نیز زار زارند، بنیادین و پیشرو آموزش و مبارزه سیاسی خود را آن استفاده نمایند.

در مورد اخبار پادگان اخباری که فرستاده بودی مفید بود پس از این نیز سعی کن بطور مرتب برای ما خبر بفرستی. از اینکه و گذشته‌ها فراموشی، از سیاست‌هایی که در ارتش اعمال می‌گردد، از نقشه‌هایی که برای سرکوب خلق و از جمله خلق کرد کشیده می‌شود (مثلاً سیاست ارتش در کردستان در آینده و در رابطه با روستاها و...) و خلاصه آنچه که در دوروبرت می‌گذرد بنویس در ضمن هر سرباز و نظامی آگاه و انقلابی و طبقه‌دار که کوشش کند از هرگونه حرکت و نقشه و طرح و استیگان رژیم قبلی، مزدوران امپریالیسم و هواداران پختیار - از نوع کودتای کشف شده - خبر با اطلاع کشته‌بسه فوریت آنرا به سازمان اطلاع دهد تا سازمان اقدامات مقتضی برای خنثی کردن این قبیل توطئه‌های ارتجاعی را بعمل آورد.

دست تو دوست هم‌رزمدیند ما را صمیمانه می‌فشاریم!

### • در مورد "وحدت انقلابی"

ستواناتی از جانب برخی رفقای خواننده در مورد موضع سازمان درقبال "وحدت انقلابی..." شده است در پاسخ این رفقا مقدمتاً لازم است تذکر دهیم که سازمان می‌بایست تا بحال در این باره نظرات خود را مطرح می‌کند و دولتی تاکنون این کار را نکرده است در واقع علت این تاخیر این است که ما مدتی منتظر بودیم تا رفقای "وحدت انقلابی" طبق قولی که در اولین شماره (مختصر) وحدت خود (در اردیبهشت ۵۹) داده بودند، در مورد پیرویه وحدت و مبارزه ایدئولوژیک درونی خود بیشتر توضیح دهند که متأسفانه چنین نشد با وجود این سازمان می‌توانست بر اساس همان حداقل موضع‌گیریهای "وحدت انقلابی" موضع‌گیری نماید و در تحلیل خود را ارائه دهد، که بدلیل عدم برخورد فعال به این مسئله پیکار را نیز نکرده است که خود حداقل انتقاد می‌باشد.

آنچه که در اینجا بطور مختصر در باره "رفقای وحدت انقلابی" می‌توانیم بگوئیم این است که به نظر ما این شکل در سیاست و روشی و مواضع سیاسی بخصوص در برخورد با قدرت سیاسی دچار است روی می‌باشد. و طبعاً ما اختلاف نظرات مهمی در این مورد با این رفقا داریم در مورد "وحدت" چند نیروی که این شکل را بوجود آورده‌اند، با دیدگوشم ما با نظرات این رفقا در امر وحدت که همان "دیدگاه اشتلائی" است از همان آغاز کار "کنفرانس وحدت" مرزبندی داریم و در پیرویه مبارزه ایدئولوژیک که ما نیز بنویسید "کنفرانس" پیش بردیم این رفقا نتوانستند دیدگاه‌های اکتونومیستی و لیبرالی خود در مورد وحدت نیروهای جنبش کمونیستی فاش کنند، و همچنان بر نظرات غیر اصولی و فرمالیستی خود با فشاری نمودند و با لطیف از آنجا که وحدت این رفقا که بر اساس همین دیدگاه‌ها بنا شده و غیر اصولی صورت گرفته است ما نمی‌توانیم آن را اصولی تلقی کنیم. ما برای اینکه حقانیت نظرات خود و غیر اصولی بودن نظرات این رفقا (و دیگر نیروها را) بیشتر نشان دهیم در این باره با هم بیشتر سخن خواهیم گفت. بخصوص با تا کیداتی که کنگره دو ماه سازمان بر پیشبرد امر مبارزه ایدئولوژیک در درون جنبش کمونیستی علیه نظرات ارتجاعی در راه تحقق امر وحدت نموده است. بدینگونه به مسائل بیشتر از گذشته خواهیم پرداخت. قابل ذکر می‌دانیم که علیرغم انتقادات و اختلاف نظراتی که ما با این رفقا داریم، همکاری با آنان را همچون دیگر تشکلهای کمونیستی در تمام موارد مشخصی که ضرورت پیدا کند لازم می‌دانیم.

### • رفیق A-A از کرج:

نامه شما تحت عنوان "شرکت در مدیریت یک شعار" به روزی می‌رسید.

رفیق گرامی! ضمن تشکر از ارسال نامه، با دید بگوئیم که اولاً حق با شماست شعارهای "شرکت در مدیریت" و "کنترل بر تولید" شعارهای تروتسکیستی - رومیونیستی است. در ضمن ما در این زمینه در باره شعار "نظارت بر تولید" مقاله‌ای آماده کرده‌ایم که بزودی آنرا انتشار خواهیم داد. دومی آن نسبت به شعارهای ارتجاعی و نامناسب دیگر نیز موضع خواهیم گرفت. (در ضمن رفیق بعد از این نامه‌ها بنیادین را با دوحرف فارسی امضا کنید. متشکریم!)

### سخنی با رفقا! : اعضای و هواداران

رفقا! ما اکنون دوره جدیدی از فعالیت خویش را آغاز می‌کنیم. دوره‌ای که با شناخت عمیق ضعفها و انحرافات جنبش کمونیستی. سازمان آغا ز گذشته است در این رابطه ما ضمن برخورد انتقادی به نشریه پیکار (چه از لحاظ محتوای و چه از لحاظ شکل) به این درکنش اکتفا نمی‌کنیم که اطمینان از این برای رهبری و هدایت جنبش کمونیستی، نشریه مرکزی پیکار است. و به همین لحاظ نباید به آن همچون هفته‌نامه‌ها می‌تواند که سرهم نمودن مطالبی چند، رسالت خویش را با این بافته می‌بینند نگریست. متأسفانه نشریه پیکار علیرغم نقش مثبتی که در عرصه‌های گوناگون ایفا نموده است، تاکنون نتوانسته بطور همه‌جانبه رابطه بین سازمان و توده‌ها را برقرار کند. نتوانسته است به تناسب توانایی سازمان نقش افشاگرانه، سازماندهی و ارتقاء دهنده مبارزات توده‌ها و پیرویه طبقه کارگران انجام دهد. نتوانسته است نقش تبلیغی، تئوریک، آموزشی برای توده‌ها ایفا کند، نتوانسته است خط مبارزه را به‌طور صحیح و پیشروانه طبقه کارگر کمونیست‌ها بدهد، و با لاف و نتوانسته است نشریه‌ای واقعاً توده‌گیر، زنده و خط دهنده و رهبری کننده مبارزات کمونیست‌ها توده‌ها گردد.

ما ضمن انتقاد به گذشته پیکار، می‌گوئیم در دور جدید فعالیت خویش حتی المقدور، آنچه که تا پیش از این سازمانی است عرضه نمی‌شود می‌گوئیم پیرویه کارگزاران این ارگان را بیشتر نشان می‌دهیم تا آنجا که تا پیش از این، سوسیالیسم علمی را با جنبش خود بخودی طبقه کارگر پیوند زده، مبارزه طبقه کارگر را با مبارزه دمکراتیک کلیه توده‌های زحمتکش و تمامی طبقه‌های ایران تلفیق نموده و با لاف و دردهایت و ارتقا پس مبارزات نقش‌ناسته خویش را ایفا نمی‌کنیم. مسأله در آینده نقش نشریه مرکزی در مبارزات جنبش توده‌ای و طبقه و وظایف اساسی نشریه و ضرورت نشریات مختلف (تبلیغی - سیاسی - تئوریک سیاسی و...) را توضیح خواهیم داد. اما همچنین مختصراً با تذکر کنیم که بر اساس سیاست سازمانی که به‌شما می‌گوئیم که رسیده است ما در شرایط کنونی دستور نشریه را منتشر نخواهیم نمود. یکی نشریه سیاسی - تبلیغی (همین پیکار را با اصلاحاتی که در آن وارد خواهد آمد) و دیگری نشریه تئوریک سیاسی. اولی عمدتاً در خدمت تبلیغ و تئوریک برای توده‌ها، انکسار مبارزات توده‌ها، ارتقاء رهبری آن، سازماندهی مبارزات توده‌ای و آموزش تشکیلاتی و بالا بردن سطح آگاهی توده‌ها، افشاکاری جریانات سیاسی رومیونیست، ضد انقلابی و سازشکار مبارزه ایدئولوژیک بر سر مواضع روزمره گروهها و دومی در خدمت تدوین تئوریک و برنامہ، استراتژی و تاکتیک، تحلیل از احمکیت و قدرت سیاسی و وظایف ما درقبال جنبش کارگری و دمکراتیک، تحلیل از جنبش کمونیستی ایران و جهان، وحدت جنبش کمونیستی - لنینیستی و ایجاد حزب طبقه کارگر و مبارزه ایدئولوژیک مبارزه با انحرافات جنبش کمونیستی و پیرویه رومیونیسم قرار می‌گیرد.

با توجه به آنچه گفته شد برای اینکه بتوانیم در بهبود و تکامل فعالیت نشریه پیکار هر چه بیشتر موفق باشیم ضروری است که نظرات شما می‌تواند که در باره

بقیه در صفحه ۱۴





● رفیق کلرکو ام :-

رفیق گرامی در نامه‌ها نوشته‌ای : "من از رفقا می‌خواهم که یک خبرنا مه‌گویی یا مسائل اجتماعی بخشش شود... در پاسخ به این قسمت از نامه رفیق باید بگوئیم که نشریه سیاسی - تبلیغی سازمان یعنی پیکار در حال حاضر، انتشار را خراب مورد نظر شما را به عهده دارد و با کوشش که ما برای هر چه توده‌ای کردن پیکار را کمی بر می‌دهیم خبرنا می‌باشد انتشار را خراب می‌دهد جداگانه نیست. در ضمن تومستوانی با پاسخ به پرسش - نامه‌ای که در همین شماره از پیکار آمده است نظر خودت را در این مورد بیشتر توضیح دهی.

در رابطه با قسمت دیگر نامه‌ها که خواسته‌های مقالات و جزواتی بر زبان ما در برده‌اند ما شلی نظیر "کردستان" و "درخواست‌های کمیونیست‌ها" انتشار را به پدیدگوشیم پیشنهاد ما در دست و بجاست و ما در آینده این کار را خواهیم کرد. در مورد کردستان ما قبلا جزوه‌ای از زبان ما در وین ما "خلق کرده می‌خواهد" و چه می‌گوید؟ "انتشار داده می‌شود اما با است و با پیشنهادی که شما داده‌اید با ما مجدداً این کتاب را با تغییرات و اضافات اساسی در دستور گذاشته‌ایم و ما در - و از این جزوه در یکی دو ماه آینده از چاپ بیرون می‌آید.

● رفیق معلم هوادار از آذربایجان :-

نامه شما رسید، در مورد سوال امیریا لیسم شوروی "ما هنوز که در شماره ۲۱ پیکار در گزارش مربوط به کنکرت آمد، در مورد ساخت امیریا لیستی جا معمه شوروی نظارتان را از بودی انتشار را می‌دهد.

در مورد عدم وجود خط ویرانه و رهنمود برای معلمین کمیونیست در پیکار، انتقاد شما درست است. ما در تلاشیم که برای توده‌ای کردن "پیکار" برای اینکه پیکار واقعاً بتواند نقش سازنده و رهنمود دهنده داشته باشد با برخورد انتقادی به کمیوندهای گذشته آنرا برطرف سازیم. در این مورد نیز یعنی خط ویرانه ما در این معلمان کمیونیست امیدواریم در چوب این برخورد برضعفهای گذشته غلبه نماییم. ما هم اکنون در مسدود انتشار رفقا‌های از نین در مورد معلمان و همچنین در مورد تهیه جزوه‌ای در مورد معلمان هستیم که در اولین فرصت آن را منتشر خواهیم کرد. ضمناً یک نشریه دروسی در مورد جمع بندی از کار سیاسی - تشکیلاتی معلمان برایتان ۲ هفته دیگر ارسال خواهیم کرد آنرا از طریق تشکیلاتی مطالبه کنید. رفیق ارتباط خود را با ما حفظ کنید. و از مسائل و مشکلات خود با هم بیشتر برسان بنویسید. پیشنهادت و انتقادات خود را براساس بفرستید.

● دیگر نامه‌های رسیده :-

رفیق ا- م- س از ساری نامه شما رسید. در مورد سوالات شما بودی بطور متروح سخن خواهیم گفت. رفیق مسئول بخش "جنوب" نامه شما رسید. پیشنهادت شما ما صاحب است. ما نیز به آن عمل خواهیم کرد. رفیق مجید- ما نامه شما رسید. در نشریه شورویک سازمان که قریباً انتشار را خواهد داشت به اینگونه مسائل برخورد خواهد کرد.

رفیق ز- ه- مقاله مربوط به خوان المسلمین که فرستاده بودید رسید! منتها در مطالب مندرج در آنها مسئله تحقیقات بیشتری است که امیدواریم خود شما نیز با ارسال اسناد شما به ما را یاری دهید. بسیار تشکر و درود.

خدمت رفقای رزمنده  
قسمتی از نامه‌های رفیق سربا زبانه نشریه پیکار :

بنام تمامی کارگران در بند  
با مشت‌های پولادین رو به  
امپریالیسم و ارتجاع

رفقای عزیز، من سربا زبانه هستم که زوروی که با منی سازمان پیکار آشنا شده ام هوادار و رده صورت از آن پشتیبانی و در هر مکان حرف خود را گفته و تا به اکنون در هیچ صورت زبیرا را و مفرماندهان امپیکا - شی حاکم بر ارتش ضد خلقی نرفته‌ام... نمی‌خواهم از خود حرف بزنم چون اکنون من نیستم، این ما هستیم که با آکا می‌خود، طبعه‌ها که زبیرا را پیدازبیرا زلسم طاقت قریبای امپریالیست‌ها در آوریم... در اینجا ما را مثل زندانیان در یک زندان که همه چیز شبیه است غیر از سربا زبانه زندانی کرده‌اند. آما بیگانه‌های ما همه مظلوم بوده‌اند اکنون ما را - که همه خودمان را انسان میدانیم - در یک آما بیگانه‌روی همانا شده - اند و هر روز مریمی‌های مختلفی در بین ما موجود می‌آید. چند روز جلوتر رفیق عزیز... را به جرعه‌اش چند جلد کتاب و نشریه پیکار گرفته‌اند....

رفقا، اینها اینقدر از آکا می‌میتراستند که می‌گویند کتاب خواندن ممنوع است، نوارگوشی دادن ممنوع است، بولی نمیدانند که ما کلمه‌ای تحت عنوان ممنوع نمی‌شناسیم. خیلی شرم آور است بعد از گذشت یکسال و اندی از انقلاب ما هنوز فرماندهانی بس - صد ارتش نشسته‌اند که بیشتر ما می‌خواهند آب تظهمری را که زبیم‌خواه روچنا پیکار جمهوری اسلامی روی آنها ریخته‌اند ندهند و نمانندند که ما همه پاک هستیم گویی آنها اصلاً از تنگم دراز شده‌اند انقلابی بوده‌اند همه اینها که تا چندی جلوتر دست بوس پدرتاجا در شان بودند اکنون مسلمانان دوداشته شده‌اند و تا به دستر از این چنان دم از انقلاب می‌زنند گویی اینها انقلاب کرده‌اند و ما از انقلاب جلوگیری کرده‌ایم! در سربا ز - خانه به تازگی اداره‌ای بنام سیاسی ایدئولوژیک که کلا کار همان ساواک و رکن دوا ارتش را انجام می‌دهد و البته پشت‌لوی اسلام‌بعضی روزها کلاس اداره ولبرای ما گذاشته‌اند که یک نفر می‌آورد و دواست به سمت همه‌اش جوک می‌گوید ما هم می‌خندیم، من از این موضوع نا را حتم که مجبورم سرکلاس حاضر بشوم و اول نگاه‌بانی تنبیهی، دوم زندانی بجرم خلاق و سوم به هم دیگر کسی خبرندارد چون هنوز کسی از آنها برنگشته که خبری به‌آورد!... در یادگان با جواک هم بر سر تن زحمتکش ارتش ما مجبوریم که برای مطالعه مخفیانه عمل بکنیم چون رک می‌گویند که گرفتن و اعدام یکی است! البته ما از این اراد ل نمیتراسیم ولی موضوع این است که فعلاً زود است چون ما هنوز آن کمیونیستی که باید با هم نباشیم... رفیق ف- غنا ما شما رسید!

رفقا از هر طریقی که میتوانید برایمان  
نامه بفرستید، تاریخ و امضای مستعار  
نامه‌هایتان را فراموش نکنید!  
به امید پیروزی راهمان!

سخنی با...

نشریه پیکار، نقش و وظایف آن کمی‌ها و کاستی‌های آن بدانیستما بتوانیم من بهروری از پیشنهادت و نظرات رفقا، در اصلاح فعالیت نشریه پیکار روکنایبیم در همین رابطه ما پرسشنامه‌ای تهیه کرده‌ایم که کلیه رفقا، هواداران و حتی رفقای غیرهوا دار بتوانند با جواب دادن به آن ما را از کم‌وکیف "پیکار" و نقش آن مطلع کرده و در اصلاح فعالیت آن ما را یاری رسانند.

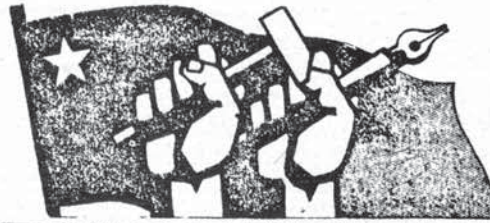
از اینرو شما به یک وظیفه و نقیله تشکیلاتی و تشکیلاتی کلیه رفقا با بد در عرض حداکثر سه هفته پرسشنامه سربا زبانه جواب داده‌اند و برای هیات تحریریه رسال نماینده! هر نوع سهل انگاری در این امر مریبه تاثیر نداشتن آن، نه تنها نشانه‌های مسئولیتی و لاتی‌دی نسبت به وظایف رفقا در رابطه با نشریه پیکار است، بلکه نشانه عدم درک رفقا از رابطه بین رهبری و توده‌ها در رابطه بین هیات تحریریه و توده‌های هوادار می‌باشند. رفقای سازمانی با پیدای حساسی و کنترل دروا سه هفته نتیجه را به هیات تحریریه پیکار گزارش دهند. همچنین جواب به سئوالات با بد جتنی المقدور جمعی باشد و از پاسخگویی فردی خودداری شود. زیرا اولاً کنترول آن ساده تر است، ثانیاً با بصورت جمعی شده‌اند و مدد تری گزارش ارسال خواهد شد و از غرورده‌گاری و دوا پاره‌گاری کاسته می‌شود، و ثالثاً در برخورد به عقاید ما برافراد جمع، با سخنان اغنای بیشتری برخورد خواهد نمود و نظرات فشرده تر و همگون تر خواهد بود.

- پرووزبا شد! هیات تحریریه "پیکار"
- پرسشنامه پیکار
- ۱- برای نشریه مرکزی پیکار چه نقش و وظایفی فاشل هستند؟ آیا پیکار تا اکنون توانسته است به این وظایف پاسخ گوید؟ انواع و اقسامی و تا رسای‌های آن چیست؟ پیشنهادت آن چیست؟
- ۲- بنظر شما ارگان مرکزی با بدبیشتراد رای غلبت سیاسی - تبلیغی با شدیا سیاسی - شورویک؟
- ۳- شما ره‌های منتشر شده پیکار رکدا میک از جنبه‌های فوق را رعایت کرده‌است؟
- ۴- مضمون مقالات سیاسی، مابا رزه ایدئولوژیک مقالات کارگری و مکرراتیک و ادبیات تپرو لتری پیکار چه‌ها پیدایشد؟
- ۵- شما ره‌های منتشر شده پیکار براساس سئوال بسالا چگونه ارزیابی میکنید؟
- ۶- بنظر شما چه بخشها و مطالبی در پیکار با بدی وجود داشته‌اند که از آنها غفلت شده است؟
- ۷- پیکار چه کمک شخصی در ارتقای تبلیغ، ترویج، سازمان - دهی شما نموده است. مشخصاً ما می‌پرسیم؟ اگر جوابتان منفی است بنظر شما علت آن چه بوده است و چه انتظاری از آن دارید؟
- ۸- آیا رفقا و توده‌های بیشتر و نشریه را "از خود" می‌دانند یا بین آن و خود فاصله حس میکنند؟ چرا؟ (بویژه در مورد کارگران کمیونیست) چه پیشنهادت شخصی برای توده‌ای کردن نشریه دارید؟
- ۹- نظرتان در مورد انتشار و نشریه شورویک - سیاسی و تبلیغی - سیاسی و وظایف هرکدام چیست؟
- ۱۰- نظرتان در مورد تیراژ، حجم، فاصله زمانی انتشار قیمت، اندازه (کوچکی یا بزرگی) و زبان پیکار چیست؟ در مورد هر یک (پیکار شورویک - سیاسی و پیکار تبلیغی - سیاسی) جداگانه جواب دهید.
- ۱۱- در مورد نحوه توزیع و بخش پیکار رورفع نارسانه‌های آن و چه پیشنهادت و انتقاداتی دارید؟

بقیه در صفحه ۲۲



# هنرمقاومت هنرپرولتری



## حد نقد فیلم

### مبارزین باسک: "رویزونیسم علیه آوانتوریزم"

● چرا رژیم جمهوری اسلامی غیرم شعارها و مفریبا نه "نه شرقی"، "نه غربی" مشتری پروپاقرص اینگونه آشکار "شرق"، "غرب" بی‌وزنه در زمینه سینماست؟ و چرا فیلم "مبارزین باسک" اینچنین مورد علاقه رژیم است؟

"مبارزین باسک" مدنی است در سینماهای "سینما دهنری مستضعفان" به نمایش گذاشته شده است. افشای این فیلم از یک سو و سبب جلب توجه تعداد بیشماری از توده‌ها، که فریب ظاهر "انقلابی" آنرا خورده اند ضروری است. بررسی این فیلم همچنین به عنوان یک نمونه می‌تواند افشاگر سیاست ارتجاعی "جمهوری اسلامی" در رشته هنرهاست. رژیم کمونیستی همچون تمامی رژیمهای مرتجع خواهان سرکوب تمايلات انقلابی و تجمیع توده‌ها در همه زمینه‌ها، منجمله در زمینه هنرهاست. اما مسئله ویژه شرایط مشخص کمونیستی آن است که توده‌ها در یکی از احداثترین دوران مبارزات طبقاتی، ضد امپریالیستی و دیکتاتوریک خویشتن‌پریمی بریند، و این امر مستقیم‌اند در شیوه برخوردیهاست که به مسائل گوناگون تا شبر خود را برجای نهد. از همین روست که در رشته‌ها لیت هنری "رژیم جمهوری اسلامی" تنها به مقتضیات خود تلاش میکند به نمایش آثار بی‌پروا زد که ضمن تبلیغ و نفوذ مضمونهای ارتجاعی و ضد انقلابی او در عین حال نقاب "هنرا انقلابی" به چهره زده و به رنگ تمايلات و درخواستهای مشخص کمونیستی توده‌ها درآمده باشد. توده‌ها که بی‌ظور آشکارا و بر گردنی خواهان هنرا انقلابی اند! بیهوده نیست "جمهوری اسلامی" غیرم شعارها و مفریبا نه "نه شرقی نه غربی" مشتری پروپاقرص اینگونه آثار "ثقی" و "غرب" بی‌وزنه در زمینه سینماست و با زبیهوده نیست که بخاطر مزیت انکارناپذیر کالاهای روسی و رویزیونیستی در این رشته از تولید و نقش و تجربه موثرتری که در فریب توده‌ها دارند، رژیم غوثش را بسوی آن باز کرده و بخصوص حزب جمهوری اسلامی آشکارا مدافع آن شده است و کارگزاران هنری این حزب در روزنامه جمهوری اسلامی، هنگام نقد فیلم روسی "جا دو گرتنر بیستم" رهنمود میدهند که نمایش این فیلمها و تقلید از فیلمها را در سینمای "شرق" مفید است. بیهوده نیست که متخصصین هنری بورژوازی در روزنامه‌ها که برای نمایش فیلم در سوا و زولا دیتلوپونیون ساخته کارگردان مشهور ژاپنی "کوروساوا"ی بورژوا که بر ما به سوسال امپریا -

لیسم شوروی و به عنوان محمول این کشور تهیه شده، کف میزنند و خواستار ادامه نمایش اینگونه فیلمها میشوند. بیهوده نیست که با زبانی رویزیونیستی فیلمهای "چگونه فولاد بدیده شد" و "دن آرام" و فیلم "فوجا نه" "جوخرا"ی کارگردان رویزیونیست شوروی، حما سه یک سرباز و فیلمهای رویزیونیستی "فتیکه لک لکها به پرواز درمی آید" و "شبروی شیلی" و "گودتا" و... ما همای بیرونی اگران سینماها را با سخت و شهرست آنها میمانند. چرا که این فیلمهای رویزیونیستی در زیر نقاب انقلابی نمایشی بهتر می‌توانند، اندیشه‌های بورژوازی را بشردند، به فریب توده‌ها بپردازند و انقلاب را طبق نیازهای بورژوازی تفسیر نموده و توده‌ها را به سازش دعوت کنند. اما رژیم بهره‌گیری از فیلمهای ضد انقلابی آمریکا و اروپا و... را هم‌فرا موش نگرده است. نمایش فیلمهای ارتجاعی "گوستا وگا ورا" و "کارگردان مورد علاقه" "سپا" و "مانده فیلمهای "اعتراف"، "حکومت نظامی"، "زد و دیگر فیلمهای رایج سینمای غرب از این جمله است. فیلم "مبارزین باسک" نمونه کاملی است از این نوع سینمای مورد علاقه جمهوری اسلامی. فیلمی در مورد مبارزات انقلابیون باسک که انحرافات این مبارزات دست - آویز قرار داده و از راه بورژوازی علیه آن تبلیغ میکند. فیلمی با ظاهر "انقلابی" و با محتوای ضد انقلابی فیلمی به طرفداری از انقلاب با مضمون رفرمیستی، آنگونه که رویزیونیستهای می‌پسندند و بورژوازی می‌پذیرد. برای آنکه هر چه بهتر مضمون متغلبانه فیلم "مبارزین باسک" آشکارا شود و بخاطر اینکه این فیلم از راه بورژوازی به اشرا می‌گردد در دوره‌های مبارزات انقلابی مردم باسک حاکم بود تا کید میکند، بهتر است مقدماتی نگاهی به تاریخ مبارزات باسک زمینه‌های واقعی بروز آنها در این مبارزات... می‌پردازیم:

### باسک: مبارزه برای آزادی

فیلم "مبارزین باسک" یک دوره از تاریخ مبارزات انقلابیون باسک، از آخرین سالهای حکومت ژنرال

فرانکو - ۱۹۷۳ - تا بازگشت سلطنت و برافشاندن ماسکهای دروغین با زکشت "دمکراسی" و پس از آن تا ۱۹۷۸ و ادامه برمیگردد.

دوران دیکتاتور بورژوازی اسپانیا، یکی از پست‌ترین دورانهای است که مردم اسپانیا و خلقهای تحت ستم آن کشور، گذشته است. این حکومت پس از یک دوره از مبارزات حاد طبقاتی در دوران جنگ داخلی که در آستانه جنگ جهانی دوم روی داده بود، بر روی کار آمد و موفق شد طی دوران طولانی یعنی فریب چهل سال با سرکوب خشن، ترور و اعدام، سلطه ارتجاعی طبقات استعمارگر را حفظ کند و همه خواستهای انقلابی کارگران و زحمتکشان و تقاضاهای حق طلبانه و آزادیخواهان خلقهای اسپانیا را سرکوب نماید. خواستهای که زحمتکشان و خلقهای ستمدیده اسپانیا طی دوران جنگ داخلی، در میان آتش و خون و بیگانه‌های قهرمانان علیه نیروهای بی‌سابقه مرتجع، فاشیست‌ها، ناسیونالیست‌ها، فاشیست‌ها، فاشیست‌ها، سلطنت‌طلبان آن را اعلام کرده بودند. در آن دوران یکبار دیگر طبقات متخاصم و نیروهای سیاسی که تا پیش از این با هم عهد داشتند به نبردی خونین پرداخته و هر یک بروشنی اهداف خود را به بیان داشته و راه‌های خود را عرضه کرده بودند. از سلطنت‌طلبان افراطی و فاشیست‌ها و سردمداران کلیسا که از ارتجاعیترین طبقات دفاع میکردند تا ناسیونالیست‌ها و فاشیست‌های وابستگرای اسپانیا، از لیبرال‌ها و سوسیال رفرمیست‌ها گرفته تا آنارشیست‌ها و ترولتکسیست‌ها و بالاخره کمونیست‌های واقعی همه و همه در میدان جنگ داخلی اسپانیا در مقیاسی بین‌المللی شرکت داشتند. در این جنگ با رتیزا نهایی کمونیست‌ها نقش بسیار مهمی در مبارزه علیه فاشیسم ایفا نمودند.

حل مسئله خلق تحت ستم باسک یکی از مسائل ملی بود که در آن زمان در مرکز توجه قرار داشت و هر طبقه بنا به ماسهات طبقاتی خود به آن برخورد کرده و راه‌حل آن را پیشنهاد میکرد. طبیعتاً بورژوازی اسپانیا خواهان سرکوب در خواستهای مردم باسک بود، اما در آن دوران بخشی از طبقات حاکم وجود داشتند که در عین حال با شیوه‌های لیبرالی شدت مخالف بوده و بنا به موقعیت شدیداً ارتجاعی خود از سرکوب فاشیستی مبارزات توده‌ها پشتیبانی میکردند. و بالاخره همین نیروها مشکل از ناسیونالیست‌های افراطی، فاشیست‌ها، فاشیست‌ها و سلطنت‌طلبان بودند که زیر رهبری فرانکو و سواد مسلط شده و راه‌حل خود را با وحشیگری هر چه تمامتر به اجرا گذاشتند. از سوی دیگر کمونیست‌ها در آن زمان تحت رهبری شوروی سوسیالیستی دوران استالین خواهان حق تعیین سرنوشت برای خلق باسک بودند سوزمینی که دیگر راه‌های از شهرهای آن مثل "بیلبا" و به مراکز بزرگ صنعتی تبدیل گشته بود. آنان هم چنین از وحدت مبارزات استقلال طلبانه خلق باسک بر رهبری طبقه کارگر مبارزات همه کارگران و زحمتکشان اسپانیا پشتیبانی میکردند و میکوشیدند مبارزات را از زیر رهبری بورژوازی باسک بدر آورند.

اما در اینجا باید به دو مساله توجه کرد: اول آنکه در جریان پیدایش شکاف عمیق در جنبش کمونیستی و

## رویزونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم



بعد از خروجه از برزین، گولتسوف و آنتونوف اعاذه حبشیت کرد! (لانسورا جگ) ماجرا رسانی که کمیسرگردان لاگوزی بود اعتراف کرده در این گردان تبلیغات تروتسکیستی میکرد. کسی ما ننند "تولبا نی" و "لوگو" که در زندان اسپانیا شرکت داشتند بعد از انقضای مدت زندان در زندان ۱۰۰۰۰ الیبتسه مرتد را بعهده گرفتند و با تاگردان او شدند و ... البته نا گفته نماند که اجزای جنبش کمونیستی اسپانیا که

روزیونیستی پیش از جنبش کمونیستی اسپانیا همچون شما چنان در جایزه ها شادمانی شد. به اسپانیا ترتیب بخش مهمی از کسانیکه به عنوان کمونیست از سرانجا در جبهه نبرد اسپانیا شرکت کرده بودند "بدل بهای" بود و از آنجا شدند. "ویسری از کسانیکه به عنوان ما رکیست، لنینیست باقی ما نندند مثل "گوتوف" پس از مرگ استالین بدست خروجه خاشن تیر

زودروونی اشکارا استالین با تروتسکی، بخش اعظم کمونیستهای اسپانیا در آنجا خرافات پروانه آثارشیم و تروتسکیسم شده و بدین ترتیب ضربه بزرگی به جنبش کمونیستی اسپانیا کهدرتا سنا نه جنگ داخلی، تنها ۳۰۰۰ عضو است وارد آمد. دیگر اینکه سربر آوردن فانیسم و رهنمود کمیسر در داشریت کبیل جبهه توده ای از نظر تاکتیکی شرایط تازه ای را بوجود آورد. در رابطه با مسئله اول با بدگفت جنبش کمونیستی عمیق اسپانیا ضعیف تر شد و بدین ترتیب کمترین مبارزات مردم با یک زیر نفوذ بورژوا تا سونا لیستهای با یک باقی ماند و کمونیستها مدت ها هیچ نفوذی در آنجا نداشتند و نتوانستند این مسئله متحرکه جنبه های فوی تا سونا لیستی در جنبش خود مختاری با یک جدا ماندنش از مبارزات طبقه کارگر اسپانیا گشت.

- نگاهی به تاریخ مبارزات مردم اسپانیا در قرن اخیر و مبارزات خلق باسک.
- چرا پس از جنگ جهانی دوم و پیروزی پس از مرگ استالین، مبارزات مردم باسک که طریقه سرکوب شدید رژیم فرانکو ادامه داشت، همچنان در رهبری دچار انحراف شد؟ چرا کمونیستها نتوانستند به تجدید نیرو پرداخته و شرایط خیانته بورژوازی لیبرال باسک، این مبارزات را رهبری کنند؟

بعد از ضربات روزیونیستی در پراگندگی وضع پسر برده بودند. بعد از آن نتوانستند تا حدودی برپراگندگی خود غلبه کرده و پیش از گذشته خود را متشکل سازند. لیکن کمترین نتوانستند رهبری خود را بر جنبش و از جمله جنبش خلق باسک اعمال نمایند.

به این ترتیب مبارزات باسک که جز جدی تا پذیریم مبارزات طبقه کارگر و زحمتکاران اسپانیا با بد شمرده شود، در تمام دوران حاکمیت رژیم فرانکوویس از آن رهبری حزب کمونیست محروم ماند. روزیونیستها از انقلاب نفرت داشتند و نتوانستند و نمیخواستند به رهبری مبارزات انقلابی بپردازند. تحت چنین شرایطی قابل درک است که جنبش انقلابی تحت هدایت مشی خرده بورژوازی به آن نتوانستند و تروتسکیسم لوده کرده، روشنفکران انقلابی خرده بورژوا، که خواهان آزادی و راهی از سلطه فاشیستی رژیم فرانکو و حقی تعمیم سرنوشت بودند، از یک سو با اندر زهای فدا انقلابی روزیونیستها فاصله داشتند و از سوی دیگر از نظر طبقه ای توان آن را نداشتند که علمبرها را بیرون رانند. پس تنها راه صحیح مبارزه انقلابی را بکار گیرند. به این ترتیب گروه های انقلابی آن نتوانستند و تروتسکیست در این دوران در باسک سربر آوردند. فیلم مبارزین باسک در خصوص یکی از همین گروه ها است. اما ببینیم چگونه فیلم ساز بورژوا، از زاویه ای فرمایشی به آنتونوف بر خورده میکند.

باران گشتند. نگاهی به لیست کسانی که در دوران جنگ داخلی در اسپانیا سمت رهبری جنبش کمونیستی را دارا بودند از دست به انحراف کشیده شدن جنبش کمونیستی خبر میدهد.

رهبران دست اول حزب کمونیست اسپانیا مثل "اسانتیا گوتو ریلو" و "الاسیونا ربا" (دولورس ایبارودی) به بزرگوار دست روزیونیستیهای کرملین بدل گشتند، که در تمام دوران فرانکویسم تا ن در برابر تبعیض ها شان این بود که هر چند سال یکبار در جمع بین المللی ظاهر شده و در میتینگهای ملخ طلبانه ضد فرانکو شرکت کنند و در کنگره های روزیونیستی کف بزنند و از آن پس دیگر در آنجا نشان از کمونیسم باقی نماند. آنرا به نونکران به بعد از بورژوازی تبدیل شدند. یکی دیگر از رهبران، "اسانتیون دمکرا" تیکا اسپانیا "پک گروه تروتسکی تشکیل داد. "تاکوتشا" حزب کمونیست را ترک کرد. "گاترود لگا" به نوشتن کتابهای "انفراگران" (در باره رفقای گذشتگان) علیه کمونیسم پرداخت. که حتی در اسپانیا هم فرا تکتو به چاپ رسید. "الکامپرنیو" از راه ایران از شوروی فرا کرد و در بررکسل مقیم شد.

از میان رهبران روسی که به اسپانیا رفته و نقشی مهمی در رهبری جنبش کمونیستی اسپانیا به عهده گرفته بودند، دسته ای مانند "برزین"، "استاشکی" "آنتونوف"، "اوستگو" و "گولتسوف" به صف تروتسکیستها پیوستند و مثل سفید پستانان شدند.

اما در رابطه با مسئله دوم با بدگفت اگر چه جبهه توده ای سبب بوجود آمدن یک نیروی قدرتمند شد فاشیت شد، تا آنجا که در انتخابات ۱۹۳۶ نیروهای شرکت کننده در این اختلاف پیروز شدند و نیروهای دست راستی اطراف برای جلوگیری از بقدرت رسیدن آنان جنگ داخلی را برپا کردند و همچنین اگر چه پس از این دوران کمونیستها در مبارزات باسک شرکت فعال داشتند، اما اول در میان این "کمونیستها" چه فراوان وجود داشتند کسانی که آلوده به انحرافات بوده و تا بنیاد در درون جبهه بورژوازی با یک نفوذ مسلط خود را حفظ کرده بود. و با لاف و هله با خیانته خود ضربات جبران ناپذیری به مبارزه استقلال طلبانه مردم باسک وارد آورد. (از جمله میتوان از سازش با نیروهای اشتالکرا پیتال را مثال زد).

لیبرال، از جنگ داخلی این فرانکو بود که سربر آورد و پیروز شد. و در همه جا به کشتار روحیانه دست زد. فی المثل از قتل عام "گوتشیکا" با یک میتسوان تا مبرد که بوسیله سونا لیستهای اسپانیا و با کمک آلمانها بوقوع پیوست. و به عنوان یکی از فاجای جنگ داخلی به ثبت رسید. آری پیروزی نیروهای دست راستی با رهبری فرانکو برای مردم تحت تسلیم باسک چونان همه زحمتکاران اسپانیا به معنی آغاز دوران سرکوب خش و سباهی بود که مدت ها دوام یافت. آنرا از همان ابتدا برای به امارت در آوردن باسک همه جا دست به خفه کردن و تا بود کردن احساسات آزادی خواهانه با سبکها زدند و دورانیسای زوحشت و ترور و اختناق فاشیستی را پی ریزی کردند.

اما چرا پس از جنگ جهانی دوم و پیروزی پس از مرگ استالین مبارزات مردم باسک که طریقه سرکوب شدید رژیم فرانکو ادامه داشت، همچنان در رهبری دچار انحراف شد؟ چرا کمونیستها نتوانستند به تجدید نیرو بپردازند و شرایط خیانته بورژوازی لیبرال باسک این مبارزات را رهبری کنند؟ تا آنجا که در یک دوران، از این مبارزات، خرده بورژوازی استقلال طلب باسک میفرمود. بر مبارزات زد، جنبش انقلابی باسک آلوده به ماجراجویی های چپ روانه و آن نتوانستند و تروتسکیست و تروتسکیسم تنها راه مبارزه شناخته شد.

**اعتراض معلمان تبریز به اخراج فرهنگیان مبارز**

در ادامه مسائلی که در هفته گذشته در خصوص معلمان تبریز به اخراج فرهنگیان مبارز از مدارس و تفریق آنها از معلمان معتمد و انقلابی را در کنار برخی سواکی و مزدور رژیم شاه اخراج کرده است. در اعتراض به این عمل فدا انقلابی بیش از ۳۰۰ تن از آموزگاران ما در روز دوشنبه ۱۶ شهریور در محل اداره کل آموزش و پرورش اجتماع کرده و به افشای رژیم پارتی و زحمتکاران و به توطئه های هیات حاکمه که با قسر دادن مذهب و با نه میگوید حبشیت رهبران را به بهرنگی هارا لکه دار کنند، بپرداختند. آنها متحدانه تصمیم گرفتند که مبارزات خود را برای احقاق حقوق خود همچنان ادامه دهند.

**"عدل اسلامی" حامی مالک مفتخور**

دهقانان مبارز روستای تازه آباد (از توابع مل) در نتیجه مبارزات یکساله خود موفق شدند که علاوه بر تصرف زمینهای ارباب، "کامپانی" مالک مفتخور روستا را نیز از محل اخراج نمایند. آنرا متحدانه از با زکات وی به ده جلودگویی میگرداند. تا اینکه اخیرا ربا مفتخور با حکم "دادستان" انقلابی مسئل برای اقامت به ده می آید که البته با مقاومت چنانچه دهقانان رو برو می شود. سرانجام روز ۷ شهریور کامپانی همراه با گروهی ژاندارم عده ای چاقو بدست وارد روستا میشود. در اثر مقاومت دهقانان و حمله چاماداران و زاندارها چهار نفر از روستا شیان زخمی میشوند و مالک مفتخور تحت حمایت "عدل اسلامی" مجددا در روستا مستقر شده و به استعمار زحمتکاران روستا ادامه میدهد. هم اکنون دهقانان مبارز "تازه آباد" با آگاهی بیشتری که نسبت به اهمیت رژیم کسب کرده اند تصمیم اند که به مبارزه خود تا پیروزی آنها ادامه دهند.

با سخا این پرسشها را با بیداری های جنبش کمونیستی باسک و شرایط بین المللی جنبش کمونیستی بافت. ما قبلا بهر شدت با بنده آن رژیم و تروتسکیسم در اسپانیا اثار کردیم. اکنون با بدگفت کمیسر، پس از شکست مبارزه انقلابی مردم اسپانیا و به قدرت رسیدن رژیم دیکتاتوری و فاشیستی فرانکو در جریان پرواز انحرافات گوناگون تروتسکیستی و





# خلق فلسطین پس از سپتامبر سیاه: “ضربه‌ای که مرا نکشد قوی‌ترم میکند!”

- توطئه سرکوب انقلاب فلسطین در اردن چرا و چگونه آغاز شد؟
- نقاط قوت و ضعف انقلاب چه بود
- حماسه مقاومت خلق فلسطین و وظیفه ما در حمایت از آن

جنشش و انحرافات خطرناکی که در شمار - های آن بود، ضعفها و انحرافاتش که مشخصا از ماهیت بورژوازی و خُسرده بورژوازی رهبری ماهیه میگرفت توهمانتی را در درون صفوف انقلاب نسبت به رژیم - های عربی و با مصلح کمک برادرانه آنها به انقلاب پدید آورده بود. ارتش مسلک حسین با آما دگی قبلی و کمکیهای آمریکا ما مورسکوب انقلاب بر سرچیند با یگا - های آن در درون خاک اردن شد. اگر توجیه کنیم که اردن به لحاظ داشتن مدها کبلمنتر مرز با فلسطین اشغالی و وجود مدها هزار نفر از مردم فلسطین در این کشور وضع شده حکومت عملا بصورت منطقه - یگا های انقلاب درآمده بودا همیست سر به زدن به جنبش و سرکوب آن در این کشور بیشتر بر ما معلوم می شود. از چند ماه پیش از سپتامبر تا رک برای سرکوب انقلاب جریان داشت. آمریکا اسلحه می - داد و مشورت با شاه ایران سعودی ادا می - داشت. اسرائیل با یگا های فدا شیان را بمباران میکرد. ارتش محدودیتها ش پراکنده برای نقل و انتقال نیروهای نظامی انقلاب فراهم می نمود و گساره درگیریهای بوجود میاورد و کسانسی از فدا شیان با نیروهای مترقی اردنسی، نیز بوسیله پلیس مخفی ترور می شدند. بحران سیاسی دولت اردن را در آستانه سقوط قرار داد دوروی کار آمدن دولتیسی هوادار انقلاب فلسطین در اردن بصورت یک خواست توده ای در آمد. در برابر سر

کند، رژیمهای ضد خلقی عربی برای آن که با مصلح خود را پیش مردمان “خوبه” کنند با کوشش مزورانه در برابر انقلاب و “کمک” بدان، سعی میکردند آن به اصطلاح “گواهی حسن اخلاق” بگیرند. مطرح شدن مسئله انقلاب مسلحانه توده - ای علیه آمریکا و اسرائیل ارتجاع عرب را عمیقا به وحشت انداخت و قدرت روز افزون فدا شیان فلسطینی که میتوانستند از حق اختصاصی خود استفاده کرده، فواین ضد خلقی کشورهای عربی را زیر پا بگذارند و آزادانه به نقل و انتقال نیرو و تشکیل اردوگا های آموزشی و کنگره - های سیاسی وغیره بپردازند، این رژیم - ها بویژه رژیم اردن را به متلاشی شدن تهدید میکرد. از بسما را نه ای اسرائیل علیه مناطق تحت تصرف انقلابیون کاری ساخته نبود و فشار آمریکا و دیگر امپریالیستها نمیتوانست جلوی این سیل توده های انقلابی را بگیرد. منطقه یکپارچه استنش

بعیثت مها رزدن سرمایه رزات توده ها با انکار، بر ارتش و پلیس بر سر کار مانده بودند و بدلیل همین عدم انکابه توده ها بود که ارتش های ممروریه - اسرائیلی (طی غرور) در برابر ارتشها جم سرق آما ی اسرائیل درهم شکستند و قسمتها ی مهمی از اراضی تحت تصرف این کشورها - منجمله آنچه از فلسطین باقی مانده بود - به اشغال اسرائیل درآمد. مدها هزارتن از فلسطینیها مجدداً آواره شدند با این ترتیب یک “شوکت” بسما رنیرومند به توده های عرب و اردن مدور رژیمهای حاکم که نمایند طبقات ارتجاعی از نشودا لها گرفته تا بورژوازی وابسته و... بودند شیدا افشاوی اعتبار شدند. انقلاب فلسطین با تضعیف رژیمهای سرکوبگر عربی و آما دگی و بسج طوفان آما ی توده های عرب در موقعیتی عالی از لحاظ امکانات مالی، تسلیحاتی و ویژه نیروی انسانی قرار گرفت. از او اخر

۱۷ سپتامبر برابر ۲۷ شهریور معاد است با سالگردتها جمو حشانه امپریالیستی - صهیونیستی و ارتجاعی به یگا های انقلاب فلسطین در اردن. بدین ترتیب در سال - ۱۹۷۰ (۱۳۴۹) توطئه ای که از مدها پیش بوسیله امپریالیسم آمریکا و صهیونیستها و ارتجاع عرب و در رده اول رژیم دست نشانده ملک حسین جهت سرکوب انقلاب فلسطین طرح ریزی شده بود به مرحله اجرا درآمد و منجر به یک قتل عام کم نظیر علیه توده های مستعبد و بیسنا خاسته فلسطین گشت و بقول با سرعفات قریب ۲۵ هزار نفر از مردم فلسطین که در قسمت ترفی رود اردن، در اردوگا های آوارگان بسر میبردند به شادت رسیدند و خسارتهای بی حساب سیاسی و نظامی بر خلق فلسطین وارد شد. در فرهنگ انقلاب فلسطین این ماه سپتامبر سیاه نامیدند صنانیک گروه از انقلابیون فلسطین نیز که بمدها بدستورالفتح برای ضربه زدن به موسسات و عملال آمریکا و اسرائیل تشکیل شد و ضربات دردناکی برداشتن در

سراسر جهان وارد و در خود را به همین نام “سپتامبر سیاه” می نامید.

**زمینه های سیاسی و نظامی توطئه خائفانه سرکوب انقلاب فلسطین**

انقلاب ملی دمکراتیک خلق فلسطین که از اول سال ۱۹۶۵ آغاز شد و راه آزادی میهن و نا بودی صهیونیستها را تنها از طریق مبارزه مسلحانه توده ای امکان پذیر دانسته و در صحنه نبرد به این شمار خود عمل میکرد استاد در حماره نیروهای ارتجاعی و فرمیستها قرار گرفت و تقریبا یکسال پس از شروع خود در برابر مشکلات سیاسی و نظامی و تبلیغاتی رژیمهای عربی و به اعتبار ضعفهای طبقاتی اش تا کزیر برای مدتی به محاق افتاد. اما توجاهه ها نسیه اسرائیل در روشن سال ۱۹۶۷ (خودا ۴۶۰۰) به توده های فلسطینی و عرب نشان داد که دلچسبت آنها به رژیمهای عربی برای حل مسئله فلسطین و مبارزه علیه امپریالیسم و صهیونیسم، خیالی بیهوده است. رژیم - های عربی حتی امثال رژیم عبدالناصر و رژیم سوریه زمان دکتراناسی که انا سا



کودچه ها را انباشت و با یگا های شسی که به تصرف ارتش ضد انقلاب در میا مد در معرض گشتا رعام قرار میگرفت، رژیمهای عربی که خود را “دوستدار انقلاب” جا زده بودند، گوی سبقت را در خانت بستیه انقلاب از یکدیگر می ربودند. عراق (به رهبری امیکرو صدام حسین) با وجود آنکه یک لشکر بیداش در اردن مستقر بود و به دروغ آنرا تحت اختیار انقلاب فلسطین گذا رده بود، شکان نخورد، رژیم عبدالناصر

مبارزه بود. تلاش های سوبال امپریالیسم شوروی نیز برای با مصلح عدم تشنج و “تحمیلت” محواتا ارتجاعی و سال ۶۷ و “صل مسئله” از طریق سازمان ملل متحد وغیره کارآ ش نداشت. این است که با توافقی همسه جانیه در سطح جهانی و در پهنه کشورهای عربی برای مها رگدن این آتشی که به جان منافع امپریالیستها در اسیمن منطقه زرخیر افتاده بود طرح توطئه پیاده شد.

۶۷ که جنبش مسلحانه دوباره سر برآوردنا سپتامبر ۱۹۷۰، انقلاب با انکار، به فداکارها و عملیات فهرمانانه علیه اسرائیل و پیروزی در سیردهای متعدد منجمله در نبرد معروف کرامه (مارس ۶۸ - فروردین ۴۷) و جنوب لبنان و ادا مده عملیات در داخل فلسطین اشغالی توانست حفا نیت مبارزه عادلانه خلق فلسطین را نه تنها در پهنه کشورهای عربی بلکه در بسما رنی از نقاط دیگر جهان که مسئله فلسطین را به کلی نمی شنا خندا شبات با حادائل مطرح

ضعف رهبری و خود بخودی بسودن بقیه در صفحه ۲۲



از صفحه ۱۵ رزمندگان...

از دو قطب اساسی جهان سرمایه داری نقش برجسته ای در حیات نظام موجود دارد. نظامی که برپا به خون و استعمار کارگران و خلقهای ستمدیده جهان استوار است. حال در برابر این واقعیت عریان، استراتژی و تاکتیک پروولتاریا بین المللی چیست؟ لنین می گفت:

"اتحادیای انقلابیون کشورهای پیش افتاده و کلیه خلقهای ستمدیده علیه همه امپریالیستها، پس است سیاست خارجی پروولتاریا". (سیاست خارجی انقلاب روس)

برپا به این رهپودلنینی خط اساسی استراتژی پروولتاریا بین المللی روشن است: اتحاد خلقهای ستمدیده، جنبش کارگری و کنسوسیالیستی علیه امپریالیسم آمریکا، امپریالیسم شوروی و سایر امپریالیستهای ستمگرو همه نیروها و رژیمهای مرتجع و وابسته. دربرتوان سیاست عمومی و با توجه به واقعیت جامعه ایران، استراتژی و تاکتیک پروولتاریا و ایران نیز مشخص میگردد. بدین معنی که اگر چه

سوسیال امپریالیسم شوروی امپریالیسم فاشیست و اصلی در ایران نمی یابد، لیکن این قدرت استعماری در استعمار و نفوذات خلقهای ما شرکت داشته و مدافع

نظامی است که بر ضد پروولتاریا و سایر نیروهاست. زحمتکش بوده و به همین لحاظ شوروی امپریالیستی در کنار سایر بردشمنان خلق ما قرار می گیرد. آری

سوسیال امپریالیسم شوروی نه درجه انقلاب بلکس متناهی بیکی. از دشمنان امپریالیستی درجه هفتم

انقلاب قرار دارد. پروولتاریا نمیتواند این واقعیت عریان را کتمان نماید. اینست تنهائی سیاست کمونیستی.

اما سیاست رفقای رزمندگان چیست؟ این رفقای می گویند: از آنجا که تحلیل دقیقی راجع به شوروی وجود ندارد، درینا بر این واقعیت شوروی در تعیین

استراتژی و تاکتیک پروولتاریا "اثر جدی" ندارد! به مراتب با بدگفت که از دیدگاه این رفقا واقعیت

شوروی امپریالیستی در تعیین استراتژی بین المللی پروولتاریا جهانی، در تعیین استراتژی پروولتاریای

افغانستان و در تعیین استراتژی پروولتاریای ایران "اثر جدی" ندارد! دولت امپریالیستی روس در حال حاضر

و بطور عینی در رأس یکی از دو قطب اساسی جهان امپریالیستی بنا بر و ستمگری میپردازد. در افغانستان

بنابر و سرکوب خلق دست میزند و در ایران در کنار دشمنان انقلاب ایران قرار دارد، ولی علیرغم تمام این واقعیت رفقای رزمندگان! قرار دارند که بسبب

فقدان تحلیل عمیق وجود شوروی در تعیین استراتژی و تاکتیک پروولتاریا "اثر جدی" ندارد!

اس سیاست راستروانه میان چیست؟ این سیاست میان همان تنزلات رویزیونیستی رفقای رزمندگان است. این سیاست نشان دیگری از واقعیت

یک انحراف است. در درازین سیاست راستروانه و انحرافی باید یادای رسا اعلام داشت که شوروی امروز

نه تنها از صوب جنبش جهانی کمونیستی بطور قطع خارج شده بلکه علاوه پروولتاریا بین المللی

نمیواند آنرا بمثابه یکی از دشمنان انقلاب بسباب سایر دو خلقهای ستمدیده جهان نمیتواند آنرا

بمثابه یکی از نیروهای امپریالیستی جهان، مورد مبارزه صدامیریا لیستی خود قرار دهند. رفقای

رزمندگان از نفی این مسئله که شوروی بمثابه یک قدرت امپریالیستی است به نفی واقعیت شوروی

نمنا به خنثی ارجهان امپریالیستی رسیده و از آنجا

از صفحه ۱۱ ملاحظات...

### شو تلو یز بونی / افسر ضد انقلابی

رژیم جمهوری اسلامی که تجربه بکار گرفتن نهزانی

جلاد واحد را کربمی را پشت سر گذارده، در هفت گزشته دست بدما ننا سرکونی افسر ضد انقلابی کودتاجی

شدنا دریک "شو تلو یز بونی" ضمن پرده برداشتن از برخی اسرار کودتا و حرفهای دوپهلوشی که میدادند

به ضد انقلاب همزمان بود، به نیروهای انقلابی لجن - پراکنش کند و با سلاح دست مجاهدین و کلیه نیرو-

های انقلابی و کمونیستی را در دست آمریکا نشان دهد اقدامها به حرکتهای ردیبلانه، فقط دراماتیک کسان

را میرساند که برای تحکیم سلطه با داده و خویش به هر خن و خاشاکی چنگ میزنند. هادی غفاری که به قبول

خودش میخواست "فاشیست بازی" در برپاورد، همین حرف دیکته شده افسر ضد انقلابی را ملاک قرار داد و در برجا هدین

و با ملاحظ "گروهها" در "مجلس" میتا زد. و خواستار سرکوبشان

میشود. خنده دار است کسانیکه برای به اصلاح محدود کردن مالکیت مدد لیل و تا حد میطلبند

و آخرش به نفع "مالکیت نا محدود" مشروع "رای میدهند و قشای سرکوب نیروهای انقلابی بنا شد، ادعای

آن افسر ضد انقلابی را مدرا کاستادال میکنند و با اصلاح خودشان نه "رای" خبر که "فاسق" است و نه "خبروا حد"

بودن آن مانع چنان حکمی از سوی غفاری و همدستانش نمیشود. آیا جز این است که منافع طبقاتی در نهایت

تصمیم کننده مواقع است؟

### اوج پروتشی!

در خبر آمده بود که خبرگزاری پارس به خبرگزاری فلسطینی وفا پیشنها دکرده است: "همه! سرا شیل" را

"رژیم اشغالگر قدس" بنا مد! از نظر کودتاهای پر مدعاشی که با نظرو پیشنها دها را میدهند خلق فلسطین هیسوز

نمیداند دشمن خود را چه بنامد؟ فلسطینی ها دولت استجا و زکا را سرا شیل! "دشمن صهیونیست" مینامند و

آنقدر در سیاست و مابا زره "اتاشی" نیستند که با یکا بیدن اصلاح "رژیم اشغالگر قدس" در واقع اشغال مناطقی

دیگر فلسطین و موجودیت صهیونیست را بر سمیت پیشناسند! کوشش رژیم جمهوری اسلامی برای "صدور انقلاب

اسلامی" ولو به قیمت پایمال کردن مبارزات خلقهای

به نفی اثر جدی، واقعیت سوسیال امپریالیسم روس در استراتژی و تاکتیک پروولتاریا کشیده میشوند.

کسانیکه اثر جدی و مهم واقعیت امپریالیسم شوروی را در سیاست پروولتاریا نادیده گرفته و آنرا نفی کنند،

نه تنها انحراف رویزیونیستی خود را بنمایش میگذارند، نه تنها سیاست انحرافی و راستروانه ای را

به پروولتاریا و انقلاب تحمیل میکنند، نه تنها از هوشیاری صدامیریا لیستی طبقه کارگر و سایر برتوده ها

می گانند، نه تنها جنبه مستحکم انقلاب را غریبه پذیر ساخته و آنرا شکننده میسازند، بلکه همچنین به بورژوازی

خدمت میکنند، زیرا بخودش نمودن صف دوستان و دشمنان انقلاب فقط به سود بورژوازی است. رفقای رزمندگان

بجای اینکه به طبقه کارگر و برتوده ها بگویند شوروی امپریالیستی درجه چهار استراتژیک دشمنان انقلاب ایران قرار دارد، این مسئله ای کاملا جدی و مهم

می باشد، مطرح میکنند که واقعیت شوروی اثر جدی در تعیین سیاست پروولتاریا ندارد، نه، رفقا، این یک

سیاست کمونیستی و پیکریشما رنی آید، این سیاست هرگز به نفع طبقه کارگر و انقلاب ایران نمی باشد.

### جمهوری اسلامی وارث زندانهای شاه

با گسترش موج سرکوب آزادبهای سیاسی - اجتماعی و پورش به نیروهای انقلابی و کمونیست، زندانهای

رژیم بویژه زندان اوین، هر روز تعداد درجه بندی بیشتری از مبارزین و انقلابیون را در خود جای میدهند. علاوه

بر رفتن روحشانه زندانها بناتان با مبارزین و عمال مستمر شکنجه های جسمی و روانی، زندانها بناتان سیاسی را

در سلولهای تنگه میدارد که به اعتراف پزشکهای زندان "بهنجوچه جایی زندگی نیست" این زندانها

چنان آلوده است و غیر بهداشتی است که فقط در عرض یک هفته ۳ نفر از مبارزین در بند مریش شده اند! غذای

زندانها بناتان بسیار ناچیز و پویش آنها محدود است بطوری که به هر نفر حتی یک پتو هم نمیرسد.

در این شرایط زندانها بن مدتهای طولانی بسلا - تکلیف و حتی برخی مواقع بدون با بررسی در زندان

میمانند. رژیم از هر طریق میکوشد تا راه زندانها بن را در هم بکوبد و روحیه باس و تسلیم طلبی را در آنسان

رواج دهد. لیکن آنها آموده را دوباره می آزمونند. آنان فرا موش میکنند که در همین زندان اوین، شکنجه ها

و بیدار دگر بیا و آدمکشان سا واک نتوانست قامت استوار مبارزین در بند را بشکند. چرا که این دلوران با عشق

به ستوده های محروم و ممد در برابر بر هرگونه شکنجه ای چون کوه ایستا ده اندوزند، آنها رژیم را بمثابه کانونهای

انقلاب در قلب دشمن بلرزده در آوردند. نا گفته بسا است که اکنون نیز رژیم جمهوری اسلامی با زندان و

شکنجه و عدا مد طرفی نخواهد بست.

دیگر، مورد قبول خلقهای مبارز فلسطینی و ایران نیست. ما به این نکته در پیکار ۶۹ اشاره کرده ایم.

البته این اولین بار نیست که فلسطینی ها با مخالفتهای کودتاکنه رژیمهای فیهیکار نیست به مسئله فلسطین روبرو می -

شوند. یکی از رهبران انقلاب فلسطین چند سال پیش در برابر دخالتهای عراق و لیبی در امور داخلی فلسطین گفت:

"ما زیر بار رخا همبرفت که صدام حسین و همبدا السلام - جلوه به ما در وطن پرستی به بندند!"

بنظر ما اشکال اساسی قضیه در این نیست که تحلیلی قابل انکاشی راجع به شوروی وجود ندارد، غیر

اتفاقا بشکرا نه مبارزه و رویزیونیستی کمونیستهای جهان و ایران تحلیل قابل انکاشی جهت پیشبرد یک

مبارزه قاطع علیه شوروی امپریالیستی موجود است، اشکال اساسی قضیه در اینجا است که شما رفقا دچار

تنزلات و انحراف رویزیونیستی بوده و بنا بر این نمی توانید "اثر جدی" سوسیال امپریالیسم را در تعیین

سیاست خود بسباب آورید. ما پیدا فرود که نه تنها دستاورد جنبش کمونیستی بین المللی در ارائه

تزمه رکیستی لنینیتی سوسیال امپریالیسم شوروی برای در نظر گرفتن امپریالیسم روس در تعیین

استراتژی پروولتاریا قابل انکاش است، بلکه همچنین واقعیت سیاستها و محرکات امپریالیستی روزه شوروی در اقصی نقاط جهان بسند شده ای است که پروولتاریا

را در تعیین دقیق سیاست خود باری میسراند. آری رفقا، اشکال اساسی، فقدان تحلیل عمیق نیست، اشکال اساسی، تنزلات و انحرافات رویزیونیستی شماست.



قسمتها می از به نام سازمان به دانشجویان و دانش آموزان انقلابی بنام سبب آغاز سال تحصیلی:

### دانشجویان و دانش آموزان مبارز و انقلابی! فرزندان زحمتکشان! جوانان کمونیست!

سال جدید تحصیلی در حال فرارسیدن است بدون آن که درهای بسته شده دانشگاهها توسط رژیم جمهوری اسلامی که در ادبینهت ما گذشته مدتها تن ازان نشد - جوانان کمونیست در کنارتان مجروح و یا شهید شدند بازگشوده شود، اما سال چندین هزار دانشجو از رفتن به دانشگاهها محروم و میلیونها تن دانش آموخته محرومیت های فدا انقلابی و تضییقات جدید ارتجاعی روبرو میباشند. رژیم "ترور و تروریزم" که در ادبینهت مساه کوشید تا با علم کردن "انقلاب فرهنگی" دروغین خود به سرکوب فرهنگ انقلابی بر خیزد و در این راه بهسای جنبش قهرمانان نه مقام و مت دانشجویان روبرو شد اکنون میکوشد تا با بستن دانشگاهها و "اسلامی کردن" مدارس بخت خود را یکبار دیگر بر ما بگذارد. ولی بدون شک جنبش جدید مقام و مت دانشجویان و دانش آموزان انقلابی و کمونیست باید بر گریه رژیم جمهوری اسلامی نشان خواهد داد که اگر شاه نتوانست، استگراژادی را در هم ریزد و هم خواهد توانست. و اگر شاه نتوانست از سربت "اعگر آگاه" روشنفکران انقلابی به توده های زحمتکش جلوگیری کند، و هم خواهد توانست و اگر شاه نتوانست با آگاه ردهای مزدور و "کلاسهای ملی و میهنی" این مقاومت انقلابی دانشجویان و دانش آموزان را در هم شکسته و ذهن آنها را از اخراجات طبقات استعمارگرانه بشناسد، رژیم جمهوری اسلامی با "انجمنهای اسلامی" و "کلاسهای ایدئولوژیک" و کشتار دانشجویان خواهد توانست تا ریح، سرنوشت یکسانی برای تمام طبقات استعمارگر و رژیمهای ارتجاعی رقم زده است. توده های خلق یکبار را بس حکمت ریح را در مورد رژیم شاه در بهمن ۵۷ به اجراء آوردند و بدون شک رژیم جدید را نیز از آن مستثنی نخواهد کرد!

### تشدید بحران انقلابی، گسترش روزافزون نارضایتیها و اعتلاء جنبش دانشجویان و دانش آموزان

بحران انقلابی جامعه ما که ریشه در سیستم سرمایه داری و وابسته دارا زدومال و نیمه پیش آغا زوتا کنون ادا می افتد است. این بحران انقلابی که در تسدوم خویش دگرگونینها و تغییر و تحولات بزرگی بوجود آورده است اینک می رود که مراحل حساس و تعیین کننده دیگری را در حرکت سیاسی جامعه مشکل داده و بوجود آورد. بحران موجود از یک طرف هر روز بخشهای وسیع تری از توده های زحمتکش را بتدریج از سردمداران و مدافعین جدید سیستم سرمایه داری وابسته کننده و بسته توده های ناراضی می افزاید و از طرف دیگر تافتهای درونیهای جامعه را تشدید نموده و آنها را بیش از پیش به جان هم می اندازد. اینک بتدریج زحمتکشان و توده های متوجه جامعه ما درمی یابند که توبی جمهوری اسلامی و تمام وعده وعیدهای سردمداران حکومت سراسی پیش نبوده است آنها در تجربه مدام و در متن زندگی و حرکت روزمره خویش متنا هده میکنند که سردمداران

های مختلف اجتماع می هستیم. حرکات و جوانه های سیاسی که جامعه را در متن اعتلای انقلابی به پیش میرانند. در متن همین اعتلاست که چشم انداز زردنما و مت توده های در انکال و سطوح مختلف و شکلوارتقا آگاه می و سطح مبارزه هر چه بیشتر طبقه کارگر و توده های خلق در برابر جامعه خود نمایا می کند. چشم اندازی که در عین حال با ارتقا و تنگنا مل کمی و کیفی انکال مبارزه و متا و مت توده های در عرصه های مختلف، همچون جنبش مقام و مت مسلحانه خلق کرد، اعتماد با ت و نظا هرات کارگری اعتماد با ت خیا با ت و جنبش سراسری صنفی - سیاسی ... همراه بود و همرا خواهد بود. این چشم انداز عمومی حرکت سیاسی جامعه، یعنی روند اعتلای انقلابی، وظایف و باقیات را در پیش روی کمونیستها قرار میدهد که صرف نظر از وظایف عمومی تبلیغ و ترویج سازمان - دهی، یکی از اساسی ترین این وظایف کوشش در جهت

حکومت نه متعلق به آنان بلکه متعلق به طبقه سرمایه داری و وابسته به اافع منافع و نیاهای اساسی سرمایه داری و وابسته به امپریالیسم اند ... هبات حاکمه هم کنون سیاست سرکوب و اعمال فشار را در تمام عرصه های اجتماعی، در پیش گرفته است. هیچ قشر و طبقه ای در جامعه نیست که در معرض این سیاست قرار نگرفته باشد. آثار و عوارض این سرکوب جنبش توده های و تعرض به حقوق عادلانه توده ها را هر روز در هر گوشه کشور و به انکال گوناگون شاهد هستیم. اخراج دسته جمعی کارگران آگاه و مبارزان کارخانه ها در سراسر کشور، سرکوب مبارزات و جنبشهای دهقانی ادا به سرکوب و حشیا نه خلق کرد، قطع حقوق شامسی کارمندان و معلمان در توحی کردستان، فشار اقتصادی بر زندگی توده ها، اخراج وسیع کارمندان و معلمان آگاه از ادارات، و مدارس و دانشگاهها، سیاست ارتجاعی



بوجود آوردن یک آلترناتو انقلابی و یکگیر، بمنظور با سخوش به این حرکت سیاسی در جامعه است. در خلا، این آلترناتو انقلابی و کمونیستی، همانطور که گفتیم این خط وجود دارد، آلترناتو سوا و قطب های ارتجاعی، لیبرالی ...، نتوانند در برابر توده های ناراضی عرض اندام کرده و مبارزه و ناراضی موجودان - ها را به مسیر و مجاری بکشاند که مطابق اهداف و نیات تولیدوارتجاعی آنان است. به این ترتیب بحران انقلابی جامعه که همواره حرکتی روبه بالا شده است می رود که موج جدیدی متکامل - تری از مبارزه و مبارزاتی نویسی در سطح جامعه بوجود آورد. بنا بر این بنا ماقوابستقبال و صنعت جدید سروسیم اما آنچه که در این رابطه بر عهده جنبش دانشجویان

## آزادی فعالیت های سیاسی حق مسلم دانش آموزان و معلمان انقلابی است



### رویزبونیستها حامیان سیاست فرهنگی رژیم!

ارتجاع و ضدانقلاب در میان نژادهای خلیج دوستانی دارد. اینها همان "دوستان دروغین" خلیج هستند که پیش از خودبوروازی به خدمت میکنند. از شاخص ترین این "دوستان دروغین" امروزه بسیار از رویزیونیستها نام میبرد.

رویزبونیستها در اشکال مختلف - تسوده ای - فداشی (اکثریت) و سجهانی میگویند تا با ترسهای سازشکارانه خود به ارتجاع "خط" داده و در ضمن تسوده ها را به سازش با او بکشانند. آن ها به ارتجاع میگویند: کمی ملامت عمل کن! و تسوده ها میخواهند که "نظم و قانون" را محترم بشمارند و از ایجاد "تشخیر بزرگند". نمونه نوپرانها این دسته از دوستان "دروغین" خلیج و طبقه کارگر، سازمان فداشان (اکثریت) هستند. آنها بدون اعتماد تسوده و انقلاب، به هیات حاکمه اعتماد کرده و از تسوده ها میخواهند که به رژیم اعتماد کنند آنها از مجریان سیاست "فرهنگی" رژیم میخواهند که به جای تکیه بر "مدیران"، "مدرسه"، "بر" و "تورا" های دانش آموزی تکیه کنند، بجای اینکه مدیر مدرسه یک دانش آموز انقلابی را به علت ۵ بار "غیبت غیرموجه" اخراج کند، این کار را به "تورا" های دانش آموزان و معلمان "بسیار" در ضمن از دانش آموزان انقلابی نیز میخواهند که "غیبت غیرموجه" نکنند به مفهوم دیگر وقت خود را صرف بخش اعلامیه و فروش نشریه بنا زند! (رجوع کنید به "نبرد دانش آموزان" رگان سرسری دانش آموزان پهنکا شماره ۳۵) فداشی های (اکثریت) رویزبونیست از دانش آموزان میخواهند که در چارچوب قانون اساسی عمل کرده و در خط "فدا مهربانیست" اما به سرکوب انقلاب فدا مهربانیست بپردازند. آنها دشمنان انقلاب و طبقه کارگر ایران هستند...

در اینجا باید به شراتی که توهمات لیبرالی سازمان مجاهدین خلق نسبت به جناح لیبرالیهای پهنی فدری در جنبش انقلابی دانش آموزان و دانشجویان با میگذارد نیز اشاره کرد. هواداران مجاهدین خلق که بخش وسیعی از دانشجویان و دانش آموزان انقلابی و دموکرات را تشکیل میدهند، با وجود آنکه به دلیل دموکراتیک انقلابی خود در مقابل رژیم استاده و یکی از عوامل مقاومت در مدارس و دانشگاه هستند، اما به دلیل توهمات خود نسبت به جناحی از هیات حاکمه، که نسبت به آن در چارچوب شراتی بوده و با به رسمیت شناختن "فدا نیونیت" رژیم فدا بصورت پوزیسیون سربراه آن عمل میکنند. این انحرافات عمیق باعث میشوند که جنبش انقلابی دچار تفرقه و چند دستگی شده و وحدت آن دچار اختلال گردد. با وجود این با دیدمان مبارزه با رویزبونیستها در جنبش دانشجویی و دانش آموزی فرق گذاشتن و ولی ها دموکراتی های نا پیگیر هستند که باید با پیگیری آنها و توهمات آنها با آنها افشا شده و خود آنها به قطب انقلاب جذب گردند تا آنکه در مورد رویزبونیست ها با دیدمان ست طرفو افشا کامل را در پیش گرفته و با افشای شرات رویزبونیستی شان تسوده ها را از حول آنها برانند...

تقیه در صفحه ۲۲

بسج سازماندهی و اعلا آگاهی تسوده ها، از زمره وظایف اساسی است که بردوش جنبش دانشجویان و دانش آموزان انقلابی سنگینی می کنند. اما در برابر این سؤال که بجای یک حرکت و جنبش سراسری دانشجویی و دانش آموزی در شراط حاضرا چگونه می توان عملی ساخت و نیز در پاسخ به این سئوال که شروع آگاهی ها تسوده ها بت شده یک حرکت سراسری و تاکتیک - های جزئی آن چه زمانی با بدیا شد، این حرکت سراسری چگونه با بد شکل گیرد... با بدگفت که تنها می این مسائل به مجموعه فعالیتها و تدارکاتی، سازمانی شکل های دانشجویی - دانش آموزی، و بخصوص به درجه ها هنکی و اتحاد عمل ضرورت آن در هاد بت این حرکت سراسری دارد. تشکلاتی که خود تحت رهبری و هدایت مستقیم سازمانهای سیاسی موجود هستند، اما آنان با بد هتیا ربا تسد قبل از اینکه حرکت خود بخودی مجال هدایت ورهبری نقشه مندر آژان سلب کند و آنها را غافلگیر نماید هر چه سه مرتبه تسد ارگ بنشینند و خویششان را برای پاسخگویی به این وظایف اساسی آماده سازند. آنچه که اهمیت دارد در درک این حرکت تسوده ای و برخورد انقلابی به آن و گوشه در جهت پاسخ

## افشاکری، سازماندهی، مقاومت سراسری، این است شعار جنبش انقلابی دانشجویان و دانش آموزان

گویی به ملزومات عملی و تاکتیک آن است. در این رابطه بخصوص مبارزه بد ثولوزیک با گرایشها و جریانها سازشکارانه و محافظه کارانه ای که سعی خواهند نمود با اشکال مختلف در برابر این حرکت قرار گرفته و دانشجویان و دانش آموزان را از یک پاسخ انقلابی که راهگشای جنبش آنان خواهد بود، محروم نمایند، بسیار ضروریست.

شعارهایی که در خدمت تولد، رشد و اعلا این حرکت قرار میگیرند هم شعارهای منفی و هم سیاسی میتوانند باشند. شعارهای نظیر:

با زکشتی دانشگاهها، با زکشت معلمین اخراج شده آگاه و مبارز، با زکشت دانش آموزان اخراج شده آگاه و مبارز، لغو منطقه ای کردن نام نویسی در مدارس لغو تمهیدات ههای مثبت تمام آژادی فعالیت های سیاسی و آگاه هکارا به در مدارس، مبارزه با نفیشتن عقاید...

و نیز شعارهایی که در جهت پیوند با زمتکشان و حمایت از مبارزات خلق های تحت ستم و پیوزده خلق کرد میباشند از جمله شعارهایی هستند که میتواند در خدمت رشد و اعلا این مبارزه قرار گرفته و جنبش سراسری دانشجویان و دانش آموزان را به حول آنها به حرکت در آورد...

و دانش آموزان انقلابی قرار میگیرند چیست؟ جنبش دانشجویان و دانش آموزان انقلابی، جزء تفکیک پذیری از جنبش انقلابی و فدا مهربانی نیستی و تسوده ای زمتکشان ما تسوده و حرکت اعلا با تسوده ان همسوار و همیشه متاثر از وضعیت عمومی جنبش تسوده ها بوده است. سطح و کیفیت حرکت و مبارزات دانشجویان و دانش آموزان انقلابی ما که در بخش غالب خود از جنبش زندگی تسوده ها برخاسته و زندگیشان با زندگی آنان درآمیخته است، همواره میان کشته سطح نارعا شنها، رنج ها و مشکلاتی بوده است که تسوده های ما بت آن دست بگریبانند. تسوده های انقلابی دانشجویان و دانش آموزان، بدلیل موقعیت ویژه خود در اجتماع، بدلیل حساسیت بیشتری که در مقابل مسائل اجتماعی و سیاسی از خود بیروزی - دهند، به پیوزده بدلیل سطح نسبتاً بالای آگاهی آنها نسبت به مبارزات و طبقات جامعه، عموماً از جنبش پیشرفته ای برخوردارند و با سرعت و شتاب بیشتری تضادهای طبقاتی جامعه و تضادهای مبارزه را در خود منعکس میکنند. در همین حال که حرکت و مبارزه دانشجویان و دانش آموزان خود تبلیغی از حرکت و مبارزه تسوده ها و اشکالی از سطح نارعا شنتی و مبارزه آنها بر علیه رژیم ارتجاعی حاکم میباشد.

به این ترتیب با توجه به چشم انداز حرکت عمومی جامعه و جنبش خلق، میتوان بطور قطع شکل گیری یک حرکت سراسری دانشجویی و دانش آموزی را بهمانند یکی از بخشهای پیشرفته جنبش خلق و پیش درآمد موج نیونی از مبارزه انقلابی در جامعه را به روشنی پیش بینی نمود و این حرکتی نسبت که از اده بین آن در اینجا دوباره جلوگیری از آن نقش تعیین کننده ای داشته باشد، این چشم اندازی است که حرکت درونی جامعه، متأثر از بحران انقلابی موجود، در پیش چشم ما میگناید چشم انداز حرکتی که با بدیا جسات و هشباری انقلابی به استقبال آن شناخت، آژا آگاهانه و نقشه مند و با تدارک سیاسی و سازمانی، تولد نموده، و آن را رشد و هدایت و منسکل نمود. این است هم اکنون و طبقه و تاکتیک محوری کمونیستها در قبل از جنبش دانشجویان و دانش آموزان انقلابی. تاکتیک که تبلیغ وسیع و گسترده آن در درون جنبش دانشجویی و دانش آموزی، یکی از وظایف اساسی تشکلات انقلابی و پیوزده م. ل دانشجویی و دانش آموزی در شراط کنونی است.

در همین رابطه و طبقه بسیار مهمی که در برابر تشکلات دانشجویان و دانش آموزان انقلابی و کمونیست قرار دارد، گوشه در جهت بسج و هدایت جنبش دانشجویی و دانش آموزی و سوق دادن آن در جهت پیوند با تسوده ها است. شعارها و درخواست های منفی سیاسی جنبش دانشجویان و دانش آموزان، جزئی از شعارها و درخواست های عمومی خلق است. در شراط حاضرا واضح است که جنبش دانشجویی و دانش آموزی، بدون اینکه مبارزه و شعارها پیش را به مرکز افشاکری های سیاسی و جانداری علیه رژیم حاکم تسدیل کند، بدون جلب پشتیبانی تسوده های زمتکشان از این شعارها، بدون توجه به رابطه ضروری و منطقی این درخواست ها با درخواست های عمومی خلق نمیتواند مفهوم و معنای واقعی خود را با بد. متقابلاً پشتیبانی از شعارهای عمومی تسوده ها، شرکت فعال در مبارزات تسوده ای باری رساند به

## در برابر اخراج دانش آموزان و معلمان انقلابی به مبارزه بوخیزیم!



## زنده در قلب توده‌ها

زیباست، زیستن در کنار توده‌ها و در زمین همراه آنان، زیباست با نجیبا در آمیختن و با آنان بسوی انقلاب، بسوی فردای روشن و سرخ و دیدن، زیباست زندگی.

کمونیستها به زندگی عشق می‌ورزند. به زندگی توده‌ها و زحمتکشان، چه خوب میدانند که این زندگی از سنگلاخهای فراوان جا به طبقاتی گذر خواهد کرد و جنگل سرسبز انقلاب را برپا خواهد داشت. آنان در دبا لکتیک هستی و نیستی، زندگی و مرگ را خوب می‌شناسند و چنین است که تقدیر زندگی را دوست دارند که در راه زندگی و بخاطر زندگی زحمتکشان، زندگی را از افتخار و رکاران در فردائی که پرچم سرخ برفراز کارخانه‌های آزادشان درآوردند، مرگ را می‌پذیرند، مرگی که در مسیر زندگی است و بخاطر زندگی است. از اینرو مرگ کمونیستها نیز زیباست چون زندگی‌شان، زیبا چون حقیقت، زیبا چون بها داشتن توده‌ها و...

تنها آنان که زندگی‌شان زیباست، سرشار از دلوری و شکوه با سبزی در راه زحمتکشان است میتوانند به مرگی زیبا دست یابند و خود را مرگ خویش که ادامه زندگی برافتخارشان است به بادیت زندگی ببینوند و جزئی از فردا شوند، جزئی از هر چه که زیباست شوند.

### رفقای دلاوران مسعود صالحی راد و طیب نجم الدینی

زیبا زیستن، بر غرور و سرفرازی و با قلبی پرا ز عشق به مردمان و ویرانگی به ارتجاع و امپریالیسم و تمام طبقات استعمارگر، زمین‌دوستانگانه بدست مزدوران رژیم جمهوری اسلامی در سر بریزیم پیش اعلامیه‌های افتخارناهما زمان دستگیر و با صله ۲ ساعت سپروز



مسعودها و طیبها همفردا رند. آنان به تا ریح خونبار مبارزات طبقاتی سرا سرچنان بی‌بسته اند و برچرخ مان را سرختر ساخته اند. خون آنان با خون دهقانان ترکمن صحرای، پیشمرگان قهرمان کردستان و وکارگران اندیمتک و دورود و دانشجویان شهیدان هواز و... در هم آمیخته است.

ما اعلام کرده بودیم که برای بزرگداشت شهیدانان مسعود و طیب برنا مه بزرگداشتی روز جمعه ۲۸ شهریور در بهشت زهرا برگزار خواهد کرد اما متاسفانه به خاطر اشکالاتی که پیش آمد، موفق به برگزاری این مراسم نگشتیم. ما حتما در فرصتی دیگر به بزرگداشت این عزیزان خواهیم پرداخت. آنها برای همیشه در کنار دیگر شهیدان راه آزادی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان جا ویدخواهند ماند.

تند. ارتجاع می‌اندیشد می‌تواند با ترور و زندان و شکنجه، لیبهای انقلابیون را بدو زد و جلوی پخش اعلامیه و فروش نشریات را بگیرد. فکر میکند با کشتن انقلابیون میتوانند مانع آگاه شدن توده‌ها و افشای جناحها شوند. اما... ما هرگز از یای نمی‌نشینیم، از فرصتی با توده‌ها سخن می‌گوئیم، دیوارها را پیر از شعاری کنیم، سپیده‌ها را و با شبا هنگام مویا هر زمان دیگر اعلامیه‌ها پیمان، این پیکهای آگاهی را به توده‌ها میرسانیم و از آنها دست‌باکی نداریم، چرا که میدانیم کمونیستها نمی‌میرند، ما هم اکنون در هر چیز زیبا مسعود و طیب را می‌بینیم، در هر جا که مبارزه زحمتکشان بر علیه ظلم و استبداد است، آنجا چهره خندان مسعود و طیب را خواهیم دید، هر جا اعتمادی، هر جا نظرهاست، هر جا منت‌گردد زحمتکشان در راه آزادی است، آنجا

بقیه از صفحه ۲ با چشم باز...  
سربازها را به کشتار تشویق میکردند. این مزدوران مدام میکوشیدند تا دشمن کوری را که در میان سربازان بر علیه کردها انگیزه‌دهنده بود را من بزنند. با تحریف و دروغ سمبائی میکردند تا آنها را از فریب و دروغ آنها شت کنند. آنان را تشویق کرده اند و به میدان کشتار خلق را وانه کنند. امواج شایعات در سرا مسر با دگان گسترده بود: سقوط شهر، درگیری در ایام، سقوط رادیو تلویزیون سنج و...

جوانان مسموم بودند نمی‌توانستند در آن نفس بکشم. سعی کردم بخوابم، اما نتوانستم رگبار، از زمین و آسمان کلوله میبارید. طیش بر زمین فلسب کردستان که اینچنین وحشیانه مورد تهاجم قرار گرفته بود و اینچنین قهرمانانه می‌جنگید شمامی شب را کند بود.

**۲ اردیبهشت**  
تمام سلاحها بسوی شهر سنج شانه رفته است این شهر قهرمان در زیر آتش قرار دارد. صدای رگبار لحظه‌ای قطع نمیشود. برای ارتش ذره‌ای مطرح نیست که هر حمیازه‌ای که به شهر می‌افند چند نفر انسان را نابود میکند هر تپه‌ای که تلیک میشود، قلب چند نفر را سوراخ میکند. چهها رخو نبینی داد کردستان! (ادا مه دارد)

بقیه از صفحه ۲ **اوجگیری...**  
ما می‌دانیم هر دو جناح تها با مردم بلکه در برابر مردم اند. حال آنکه ما میدانیم آنان را پاره‌کننده و امپریالیسم بوده و تا ازل معطلات بوده و در بازسازی سیستم سرمایه‌داری وابسته کاملاً ذینفع میباشند. در این جنگ قدرت سیاسی کمونیستها چیست؟ آنان با بد طبقه کارگر و توده‌ها را بدو زده و تروم به برپایه ایده انقلاب و خصومتی آشتی‌ناپذیر علیه کل هیئت حاکمه ترسیت نموده و پوروش دهند. آنان با بد طبقه توده‌ها بگویند که راه مبارزه ما انقلاب را ادا مدهند. هر چه تها در این درون هیئت جا که بیشتر اوج گیرند، زمینه‌های ایقائی با زهم بیشتر آنان و زمینه برای تضعیف هر چه بیشتر کل رژیم جمهوری اسلامی فراهم می‌گردد. کمونیستها با بد از این موقعیت بهره‌جسته و به طبقه کارگر برپایه موزند که منافع او نه در حمایت از جناح‌های هیئت حاکمه، بلکه در ادا مده انقلاب است. آری، سیاسی کمونیستها در شرایط کنونی ادا مه مبارزه بکیر علیه تمام جناح‌های بورژوازی و کل هیات حاکمه میباشند.

را بدرقه کردند. روز ۱۸ شهریور نیز مجدداً فروشنده‌گان نشریات انقلابی مورد حمله چماقداران قرار گرفتند و بساط متعلق به هواداران سازمان نیز تها ت بردند.

## پورش لشکریان جهل به منادیان آگاهی در شهرستانها

**آمل:** ساعت ۸ بعد از ظهر روز یکشنبه ۵۹/۶/۱۶ گروهی با سدا رملح پس از حمله به فروشنده‌گان نشریات انقلابی و پاره کردن آنها چندین نفر را دستگیر کردند. این عمل بدست مورد مخالفت مردم محل واقع شد. همچنین در این روز روستاهای "بکنار"، "خسیران" و "شیر" نیز مورد حمله بیش از ۵ نفر از سدا ران قرار گرفت. آنها در این حمله کلیه نشریات و پوستره‌های دیواری را پاره کردند. لکن مردم مهاباد روزه روستا به مقاومت برخاسته و از انقلابیون حمایت نمودند. با سدا ران با تیراندازی و ضرب شتم چند نفر از اهالی روستا هار تیرک کردند.

**لاهیجان:** روز ۵۹/۶/۱۶ خلخالی همراه با قدره - سدا ران به رهبری ما تا الله قصاب و رده شهر شدند و برای انقلابیون خط و نشان کشید. وی گفت که اگر زمانش فرا رسد، سرکوب "مدا انقلاب" (بخوان انقلابیون) را از گیلان شروع خواهد کرد. روز بعد از زل و و سانی وابسته به حزب جمهوری با حمله به نشریات دیواری و پاک کردن شعارهای انقلابی از روی دیوارها خلخالی

# درود بر تمامی شهدای بخون خفته جنبش دانشجویان انقلابی



بقیه از صفحه ۱۷ **خلق فلسطین** ...  
هم که خود را "پدر فلسطینی ها" معرفی می کرد. چند روز طول کشید تا مبادای اعتراض خود را بلند کرد و پس از با ن کار، فقط پیشنها دمه لحه بین فلسطینی ها و ملک حسین را داد که منجر به تشکیل کنفرانس سران عرب در قاهره و اخراج فدا نشین فلسطینی از اردن گردید. رژیم صوری به رهبری اتاسی حدا کثریه قسمتی از ارتش فلسطینی ها که در آن کشور مستقر بودند را زده داد که به کمک انقلاب بشتا بندویک سری کمکهای تبلیغاتی و تدارکاتی کرد. از دیگران هم انتظار نبود!

**موقعیت انقلاب از لحاظ نظامی و سیاسی**

قهرمانیها فلسطینیها در زمینه نظامی در تاریخ ماندنی است. آنها نه تنها در اردن، بلکه در دیگر کشورهای خود هم از لحاظ نظامی کمترین شکست نخوردند. در اردن غلبه آنکه مجبور به ترک آن شدند و با اصطلاح شکست خوردند، تا روز آخر تا شمال اردن و قسمتهای مهم پابخت (عمان) و نیز شهرهای دیگری را در اختیار داشتند. ارتش ملک حسین تجزیه و تهراران نغرا از ارتشها با ساز و برگ نظامی به انقلاب پیوستند. اما آنچه موجب این شکست فاجعه آمیز شد به نظر ما و با توجه به جمع بندی ها می باشد که از خود رفتاری فلسطینی داریم اینهاست:

۱- ضعف رهبری فلسطینی که از اهمیت طبقاتی رهبری ما به میگردید و بطور

تاریخی نمیتواند رهبری یک انقلاب ملی دموکراتیک را بعهده گرفته بطور موقعیت آمیز آنرا با ن بسرد. توضیح اینکه رهبری جنبش فلسطین اساسا به دست بورژوازی ملی و خرده بورژوازی است در رهبری حتی عناضری که خود از قیاسیل زمیندار بوده و با اعتبار آنکه زمینبایشان به اشتغال صهیونیستها در آمده و به انقلاب پیوسته اند وجود دارند. این منشا طبقاتی در بسیاری از اهدافها، سیاستها و عملکردهای جنبش از لحاظ سیاسی و تشکیلاتی بخوبی منعکس است. عناضری انقلابی دموکرات و حتی کمونیست که در اردن این جنبش فعالیت میکنند هنوز نقش تعیین کننده ای ندارند. با وجود این جنبش فلسطین جنبشی است انقلابی، ضد امپریالیستی و دمکراتیک و شایان تأکید ضعفی که از آن تا مبردمیدر عقب ماندن رهبری از حوادث نیز خود را می نماید. بدین معنی که حوادث چنان طی آن چند سال سیر کرده بود و توده ها آتقدیر به انقلاب روی آورده بودند که رهبری توانائی هدایت و سازماندهی آنها را نداشت. مثلا فقط در قاهره ۷۰ هزار نفر برای شرکت در جنبش فلسطین ثبت نام کردند که در اردن و دانشجویان فلسطین از مناطق مختلف منطقه و از سایر رجهان کار و در اردن خود را کرده به انقلاب پیوستند. اما "رهبری سری کوچک بود برای یک تن بزرگ".

۲- بر اساس همان ماهیت طبقاتی شعار الفتح این بود (و هست) که "در کار

رژیمهای عربی (هر چند ارتجاعی باشند) ما دام که آنها در کار انقلاب دخالت نکردند - اندک دخالت نکنند - یعنی در واقع خود را با آنها در یک صف می شمارد و با آنها معاشرت میکند. البته در عمل چنین شده است که آنها هموار در کار انقلاب فلسطین دخالتها و اعمال نفوذها و توطئه ها کرده اند - اندولی از این طرف نه به "دخالست متقابل" حتی به تجدید نظر در این شعار هم نیاز پیدا کرده است. این شعار که سیاستمدارانی نظیر جد کردن دشمن اصلی از فرعی "نئوریزه هم کرده اند و عملابه سازش با ارتجاع و سرانجام به مورد بسو" استفاده فرار گرفتند و فریب خوردن هم منجر شده است. هنوز تا حدود زیادی پیاده میشود و جای این که برخی نیروهای دیگر هم که گرایش طبقاتی مشابه دارند (مجا همدین) همین سیاست را در کشورهای دیگر منجمله کشور ما پیدا میکنند. این موضع الفتح از ابتدا مورد انتقاد نیروهای انقلابی چه فلسطینی بوده است. انقلاب فلسطین غلبه نمی یابد - به همان دلایلی که در بالا اشاره کردیم را به لازم و کافی بسا شده ها برقرار نگردید. نظر داشتند به بالاها، به روسای اتحادیه های کارگری عربی نه توده های کارگر، جلب نظروماری ادرات و بوروکراسی جدا از توده ها شان و تا س با روسای قبایل که حتی گاه ها "خریدن" و رشوه دادن بآنان میسر میشد، شیوه ای بود که انقلاب برای "شما س بسا" شده ها (!) دشمنال میگرد. نتیجه این

۳- مشی آن بود که وقتی خطری نبود آنها با انقلاب همراه بودند ولی وقت خطر که پیش آمد، توده ها آن آگاهی و شکل لازم را نداشتند که مقاومت کنند. بقول یکی از رفتاری فلسطینی: "ما از اردن بیرون آمدیم به این دلیل که از لحاظ نظامی شکست خوردیم بلکه از این لحاظ که توده ها از وجود ما خسته شده بودند!" بسا استفاده از این درس است که انقلاب فلسطین در برخورد با توده های لبنان، رابطه نسبتا خوبی با آنها برقرار ساخته است.

۴- علاوه بر اینها ارتجاعیها هم بسیار رشید و زیاد دشمن با به دراز می کردند که از برتری فوق العاده نیرو نسبت به امکانات انقلاب برخوردار بود. در از با بی موضوع به این مساله با بد توجه لازم را داشته ایم. دشمنان خلق فلسطین گمان میکردند که دیگر انقلاب سرکوب شده و نخواهد توانست پس از این ضربه کمراست کند. ولی عزم استوار این خلق مقاوم و در لبنان، در سرزمینهای اشغالی و در جاهای دیگر نشان داد که هیچ نیروی و هیچ نیرنگی قادر به نابود کردن انقلاب خلفا نیست. همه نیروهای انقلابی که علیه امپریالیسم صهیونیسم و ارتجاع مبارزه میکنند، حمایت بیدریغ از خلفای تحت تسلط و در اینجا خلق قهرمان فلسطین و انقلاب او را بمثابه یکی از وظایف مهم خویش بعهده دارند و این وظیفه برای ما کمونیستها بر اساس موضع لنینی مسان دوچندان است.

بقیه از صفحه ۲۰ **دانشجویان ... پیروزی از آن انقلاب و شکست از آن ارتجاع است!**

پیروزی از آن انقلاب و شکست از آن ارتجاع است! اما مهربان انقلابی در جامعه و درون انقلابی در اقصی نقاط ایران، نشان میدهند که تنها انقلاب نمرده است بلکه هر روز در پیشترتی یافته و رژیم را در مخمض عجیبی قرار داده است.

جنبش انقلابی دانشجویی و دانش آموزی فقط با در نظر داشت این چشم انداز نوبد بخش است که میتواند حرکت خود را سازمان داده و با ایجاد یک جنبش مقاومت مدجندان شده ای تر، مدجندان مقاومت و درموجندادن انقلابی ترا جنبش مقاومت اردیبهشت ماه، در بیداری و آگاهی توده ها نقش خود را ایفا نماید.

امروزه تسلیم طلبی با ن فایده میشوند که دم از مردن انقلاب و خریدن آن به بهر زمین می کنند و از توده ها میخواهند که بجای آمادگی برای فعل در و تیز کردن داس ها، برعکس خود را برای یک شب زمستانی سخت آماده کرده و سوارا در انبساطها بگذارند. آنها جهت با بی خود را از دست داده اند. باید نغمه های شکست - طلبانه و تسلیم طلبانه را افشاکرده و از تمام دانشجویان

و دانش آموزان انقلابی خواست که برای به حرکت درآوردن یک جنبش سراسری دانشجویی و دانش آموزی و هر چه توده ای و هر چه تاجمی تر آن آمده شوند. پیش بسوی سازماندهی جنبش انقلابی دانشجویی و دانش آموزی! پیش بسوی پیوند جنبش دانشجویی و دانش آموزی با جنبش زحمتکشان و طبقه کارگر! برقرار با جمهوری دمکراتیک خلقی! سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر!

دوشنبه ۲۴ شهریور ۱۳۵۹

**انتشارات جدید سازمان**

نقل قولهای از لنین درباره مسائل جنگ

ترجمه



- بقیه از صفحه ۱۴ **سخنی با ...**
- ۱- نظرتان در مورد صفحات پرش و با سخ (جواب به نامه ها) چیست؟ چه پیشنهادی برای اصلاح آن دارید؟
  - ۲- آیا تا کنون برای نشریه پیکار، مقاله، مطلب و اخبار فرستادهاید؟ اگر نه چرا؟ در مورد نقیشت خودتان در رابطه با نشریه مرکزی چه نظری دارید؟
  - ۳- میزان بخش پیکار در محیط فعلی لبنان (کارخانه اداره، محله روستا، منطقه، مدرسه و...) چه مقداری است؟ با تعداد دیپکار نسبت به ظرفیت بخش در محیط خودتان کافی است یا کمی باشد؟ اگر کم بود دلیل آن چیست و چه مقدار کمبود دارید. امکان افزایش تعداد فروش و بخش پیکار آیا موجود است؟ خودتان در بخش و فروش آن چه نقشی دارید؟ چه تعدادی خودتان بخش میکنند؟
  - ۴- پیکار به دست چه قدرتی از کارگران و سایر توده ها میرسد؟ نظراتها در مورد نشریه چیست؟ چه پیشنهادات و انتقاداتی دارند؟ آیا شما خودتان در خواندن پیکار بر برای توده های میانی و با پیشرو بحث با آنها در باره محتوای پیکار فعالیتهای پیکار در صفحه چه سطحی است؟ آیا به رهنمودهای پیکار ۶۲ در صفحه خوانندگان عمل میکنند؟

**فنان، مسکن، آزادی**



**کمکهای مالی دریافت شده**

۶۰۰۰	م	۱۲۵۰۰	س	۲۰۰۰	الف
۲۷۰۰	"	۶۵۰۰	"	۱۱۰۰۰	"
۳۴۲۰۰	"	۱۱۵۰۰	"		
۱۱۲۰۰	"	۲۹۰۰	ش	۵۵۰۰	ب
۶۵۰۰	"			۲۰۰۰	"
۲۵۵۰	"	۱۲۸۰۰	ش	۷۸۰۰	"
۲۰۰۰	"				
۲۴۰۰	"	۳۰۰۰	ص	۲۰۰۰۰	پ
۳۲۰۰	"				
۴۱۰۰	"	۱۲۲۰۰	ع	۳۴۰۰	د
۷۴۰۰	م-ش	۱۷۰۰	"	۹۵۰۰	"
۱۰۰۰۰	م-ش	۱۲۲۰۰	"		
		۲۰۰۰	ع-ح	۸۱۰۰	ز
۱۲۷۱۰	ن				
۱۲۷۰۰	"	۲۷۰۰	غ	۳۱۰۰۰	"
۱۱۰۰۰	"	۲۹۰۰	"	۲۱۰۰	"
۷۱۲۰۰	"			۲۷۰۰۰	"
۵۷۰۰	"	۱۱۲۰۰	ف	۹۳۰۰	"
۳۷۰۰	"	۷۱۰۰	"		
۳۵۰۰۰	ن-ن	۲۰۹۰۰	"	۹۲۳۰۰	ر
				۲۶۱۰	"
				۳۷۰۰	"
				۱۰۰۰۰	"
۲۷۰۰	ی	۷۵۰۰	ک		
		۷۱۱۰	"		
۲۰۰۰			ل	۳۰۶۰	ز
۹۲۳۰۰		۵۲۰۰		۳۲۴۰	

- الف - س (میان) ۱۵۰۰۰ ت (کارگر) ۳۰۰۰  
 ب - ه (خانه دار) ۵۰۰۰۰ ع - ف (معلم) ۴۰۰۰۰  
 ج - ز (کارگر) ۱۰۰۰ م (اطه‌بان) ۴۰۰۰  
 د - ف (بیشترگه) ۱۵۰۰۰ م - ف (بیشترگه) ۲۵۰۰۰  
 ز - م میان‌دوآب ۱۰۰۰
- ۱ - رفقای هوادار سازمان در کارخانه‌های نساجی کمک مالی شما رسید.
  - ۲ - رفقای کارگر از جزیره لاون، مبلغ ۲۰۰۰۰ ریال کمک مالی ات دریافت شد.
  - ۳ - رفقای کارگزار زشت، مبلغ ۱۰۰۰ ریال کمک مالی شما رسید.
  - ۴ - رفقای کارگزار سپیدرود زشت و زشت مبلغ ۲۰۰۰ ریال (هر رفیق ۱۰۰۰ ریال) کمک مالی شما رسید.
  - ۵ - رفیق محمد، هدیه‌ات برای احوال بیمارستان صحرایی رسید.
  - ۶ - رفقای هوادار سازمان چریکهای فدائی خلق (اقلیت) کمکهای داوطلبی شما همراهِ مبلغ ۱۵۰۰۰ ریال کمک مالی جهت احوال بیمارستان صحرایی رسید.
  - ۷ - رفقای واشتو کمکهای داوطلبی شما همراهِ مبلغ ۶۰۰۰ ریال جهت احوال بیمارستان صحرایی رسید.
  - ۸ - رفقای (هس، س) دانش آموزان هوادار سازمان در کرمانشاه، مبلغ ۷۷۰۰ ریال کمک مالی شما رسید.
  - ۹ - رفیق (الف - س) دانش آموز، فلک پس استادت بدست سازمان رسید.
  - ۱۰ - رفیق (ر) دانش آموز، مبلغ ۲۰۰۰ ریال کمک مالی ات رسید.
  - ۱۱ - رفیق (و) دانش آموز، هدیه‌ات رسید.
  - ۱۲ - رفقای دانشجوی هوادار سازمان در تبریز مبلغ ۲۷۰۰۰۰ ریال کمک مالی شما دریافت شد.
  - ۱۳ - رفقای سرباز (الدوزخ) مبلغ ۲۰۰۰ ریال (هر رفیق ۱۰۰۰ ریال) کمک مالی شما رسید.
  - ۱۴ - رفیق مادر از زکرج، مبلغ ۱۰۰۰ ریال کمک مالی ات دریافت شد.
  - ۱۵ - رفیق (ع) ارائه‌نده کامیون، مبلغ ۵۰۰۰ ریال کمک مالی ات رسید.
  - ۱۶ - رفیق دادا و دایزگیلان و رفیق (د-ف) از زکرج، هدیه‌تان رسید.
  - ۱۷ - رفیق ع - ف (معلم) مبلغ ۳۰۰۰۰ ریال کمک مالی ات رسید.
  - ۱۸ - رفیق خانهدار از آراوهان مبلغ ۳۰۰۰۰ ریال کمک مالی ات رسید.
  - ۱۹ - رفیق خانهدار از میان‌دوآب (مبلغ ۱۰۰۰۰ ریال) کمک مالی ات رسید.
  - ۲۰ - خانوادۀ رحمتند (م- الف) کمک مالی شما رسید.
  - ۲۱ - رفقای م - و - ۲ کمک مالی شما دریافت شد.
  - ۲۲ - رفیق شهرام از قزوین مبلغ ۳۰۰۰ ریال کمک مالی ات رسید.
  - ۲۳ - رفقای هوادار سازمان در زنجان مبلغ ۳۰۰۰۰ ریال کمک مالی شما دریافت شد.
  - ۲۴ - رفقای کارمند هوادار سازمان کمک مالی شما رسید.

**شکنج به سبک ساواک**

زندانیهای رژیم کتون به شکنجگاههای انقلابیون بدل گشته است. زندانیان سیاسی و مبارزین دستگیر شده به شیوه‌های مختلف جسمی و روحی مورد شکنجه قرار میگیرند. البته خود رژیم به شلاق زدن زندانیان اعتراف دارد لکن با "حداثرتی" تا میدان این شکنجه‌ها اعمال زندانی خود را توجیه میکند.

اغیرا مبارزین و انقلابیونی که بحرم پخش اعلامیه و یا شعار نویسی و یا حتی بحرم بحث در کنار خیابان به زندانیان کشیده شده اند بدیندت مورد شکنجه قرار میگیرند در زندانها برای این مبارزین در بند در تمام اقسام نمایی ترتیب میدهند، (هما نظور گهسا واک میکرد) تا روحیه رزمنده آنها را بشکنند، مراسم بدین ترتیب است که زندانی را همراه با چند تن دیگر (از خودشان) به میدان تیر میبرند و به زندانی میگویند که "تو بحرم قها علیه جمهوری اسلامی به اعدا محکوم شده ای" و از او میخواهند تا وصیت نامه بنویسد. (آنها از این طریق میکوشند به قها بدو تا بدو با بستگی تشکیلاتی زندانی بی ببرند) سپس در میدان تیر چشم زندانی را بسته و فرمان آتش میدهند و سپس شلیک میکنند، طوری که زندانی گمان کند که همراهِ تن زندانیان در روغینی که معمولا خود پا سدا رند - قبل از او کشته میشوند و آنها نیز با فریاد - های درد آلود خود این فریاد را در زندانی تقویت می - بخشند. رژیم جمهوری اسلامی که همواره سنگ انسانیت و معنویت را بر سینه میزند ایسان فرزند ان انقلابی خلق را شکنجه میکند، ولی آیا از این شیوه‌های ضد انسانی طرفی خواهد بست؟

**تمام رانندگان تاکسی باید زن بگیرند!**

تعجب نکنید! این مضمون نامه‌ای است که چندین پیش از طرف سندیکا مرکزی تاکسی رانان سندیکا تاکسی رانان بندرعباس رسیده است. و این نمونه دیگری است از عملکردهای حکومتی که از بسبود زندگانی زحمتکشان و از جل مسئله بیگاری وحل مسله ارضی به نفع دهقانان عاجز است و به جای همه اینها در فکر مائلی چون شلاق زدن کاسکاران خرده پسا اجباری کردن حجاب در ادارات و وزن دادن رانندگان تاکسی است!

حال با زبگوئید این رژیم نقلایی نیست!!

به نقل از تراکت هواداران سازمان به کار در راه آزادی طبقه کارگر - بندرعباس - ۵۹/۳/۳۰

**توضیح و تصحیح :**

- در بهیکا ۷۱ صفحه ۴ سطره نوشته شده "را هیما ش" در شهر "که درست آن" را هیما ش در کارخانه است.
- ادا مه معا هیما به رفقا حسین روحانی و ستراب - حق شناس را بدلیل نبود جادار شماره آورنده بخوانید.

بقیه از صفحه ۲۴ یاد ... پس از ۲۸ مرداد، در اوائل سالهای ۲۰ و همزمان با ۱۵ خرداد ۵۲، دیالهای زندان و تبعید و نیز در حتماست از مجاهدین خلق در اوائل سالهای ۵۰، دروقایع آذربایجان سال ۲۵ و نیز در سر خورد با خواستهای خلق کرد پس از قبا مبهمن ما هویا در برابر فشاری که ارتجاع به او وارد می نمود علیه کمونیستها و نیروهای انقلابی نظیر مجاهدین مومگیری کند، از موضع دیگران تپیم کنار گرفت و جانب لیبرالها و نیروهای وابستگرا گرفت. شرکت او در شورای انقلاب و مجلس خبرگان و ... و عدم طرح انتقادش به این ارگانها برای توده ها، بی اعتمادی را به توده ها نشان میدهد تا ریبخ زندگی بهرما جزای طالقانی برای کسانی که بغوا هند میزبان پیگیری امثال او را در مبارزه ضد امپریالیستی و نفع زحمتکشان مورد بررسی قرار دهند و نیز آموخته است. موقع بینا بینی طالقانی موجب شکند هر گروهی بتوا ندبا انکا به برخی از حرفها. و موضع گیری پش او را از خود بداند. ما بقده ای که انما ل بین حزب جمهوری اسلامی و نهضت آزادی (روز - نا میزبان) و مجاهدین خلق بر سر بزرگداشت طالقانی برپا بود هر کس نوا را و امضای متضاد او را بنفع خود بدست داشت. چندگانگی مواضع طالقانی را نشان میدهد. آبت اللطه طالقانی علمبرغم بین مواضع که با توجه به ما هیت طبقاتی اثر او قابل انتظار است. بغا طرفیها مبارزه سختی تا پذیرش علیه رژیم استبدادی شاه، بغا طرفیونشگرها ش در قبسال مهیونیم، آمریکا و بسما ری از دشمنان خلق داشت. از احترامی استند ای در بین مردم ما برخوردار است. یادش گرامی باد.

**بقیه از صفحه ۲ اخبار تهران**

کارگران شرکت موج بعنوان اعتراض به اخراج نما بیندشان در اداره کار متحصن شدند.

کارگران شرکت موج که در داد شکند علم و صنعت تهران به کار خاستمانی مشغولند، در هفته سوم شهریور ماه بعنوان اعتراض به اخراج یکی از نما بیندگان نشان و نیز عدم دریافت حقوق ممکن، حق اولاد و ... دست از کار کشیدند و در اداره کار بیج شمیران متحصن میشوند. این کارگران که بیج از ۶ ماه حق ممکن دریافت نکرده بودند چندی پیش نما بیندگان خود را انتخاب کرده و یکمک آنها موفق میشوند یکماه حق ممکن بگیرند. کارفرمای عدکارگر شرکت (مهندس شیرازی) که می بیند کارگران در جهت تشکل و همبستگی قدم برداشته و در تیرندگی ایسن سلاح را تجربه میکنند، یکی از نما بیندگان فعال آنها و اخراج می نماید تا بغیال خام خود از ادامه مبارزه آنها جلوگیری کند. کارگران با اعتراض شدید به این عمل کارفرما در اداره کار بهیج شمیران به تحصن می نشینند اما در آنجا مثل همیشه با سداران سرمایه را رود روی خود می بینند. از اینرو با این تصمیم که با قدرت همبستگی خود میبارزه شان ادا نخواهند داد اداره کار را ترک می کنند.

**کار برای کارگران، زمین برای دهقانان**



## یاد آیت الله طالقانی گراهی است

نیمه دوم شهریور، توده های مبارز مردم ما، سالگرد درگذشت آیت الله طالقانی را گرامی داشتند. او یکی از چهره های مبارز مبارزات آزادیخواهانه سالهای سیاه محقق بود. چهره و بیسترازا بین لحاظ آشکارتر است که در میان همگان روحانی اش کمتر کسی بیسه آگاهی و روحیه مبارزاتی او وجود داشت. طالقانی را میتوان نماینده اقشار متوسط جامعه دانست. او از همین موضع است که برداشتهای مبارزه جویانه از اسلام و قرآن ارائه میدهد و در همین رابطه مبارزاتی است که در برابر دیکتاتور رژیم شاه تسلیم نشود و به زندان می افتد و سالهای دراز در صرف خلق مبارزه میکند و خود تا تیرات شمریفی بر طرفیان خویش میگذارد.

طالقانی که در مراحل متعددی از عمر خود وسیله حمایتی که از مجاهدین خلق میکرد و در موضع بستک انقلابی دمکرات قرار داشت، در سرفصلهای تعیین کننده ای از زندگی خویش ویراساس ما هیت طبقاتی نشناخت در این موضع بماند و به موضع لیبرالی و سازش افناد او پس از بر سر کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی علیرغم آنکه از جریان امور با صلاح رفتار است ندانست و اینرا تلویحاً نشان میداد، هرگز نتوانست چه با لیبرالهایی مثل بازرگان و چه با ناپسندگسان خورده بورژوازی مرفه سستی و بورژوازی هم پیمان آن مرتزبدی داشته باشد، بلکه عملاً در خدمت آنان قرار گرفت. طالقانی علیرغم موضعگیری های مترقیانه اش

بقیه در صفحه ۲۳

## باز هم ترور فاشیستی فرزندان انقلابی خلق

هنوز خون پاک پیکارگران شهید رفقا مسمومالهی - را و طبیب نجم الدینی که در تیریز بدست مسز دوران رژیم جمهوری اسلامی ترور شدند ننگیده است که ارتجاع در نقطه ای دیگر از خاک میهن فاجعه آفرید.

غروب پنجشنبه ۱۳ شهریور ما مردم محله مسمد بهرنگی رشت تا هدنا بیت هولناکی بودند. در این روز با ساداران سرما به رفیق "حسن صالحی" را هنگامیکه مشغول ورزش بود در برابر چشمان مردم بهرنگها رگلوله می بندند.

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی که از جاسادعنا صر انقلابی هم وحشت دارد و خاطره آنها را نیز شیرساران می کند از زه نمیدهد جسور رفیق شهید را در "تازه آباد" دفن کند و مردم شرکت کننده در مراسمها چوب و چساقی حمله کرده و عده زیادی را دستگیر و زخمی می نماید.

رژیم جمهوری اسلامی و حشترده و وحشیانه میکوشد جسدانقلابیون را از دسترن مردم دور کند و مانعیتواند بهمهد که انقلابیون شهید در سینه های خلق جاودانه می شوند و دستان آلوده رژیم را به سینه های بر طبیبش مردم راهی نیست.

## محاکمه مجاهد اسپر سعادتی محکوم است

● بالاخره معلوم نیست مجاهدین خلق «جاسوس» شوروی اند یا «همکار» کودتاچیان آمریکائی؟!  
جامه عمل بیوشانند.

آری سردمداران رژیم جمهوری اسلامی و بیدادگاه های انقلاب که تلاش میکنند با محاکمه فرزندان خلق و اعدا منتیجه رای دادگاه و اجرای احکام آن درکنار نام کودتاچیان، سرسپردگان رژیم قبلی، فواحش، قاچاقچیان و غیره، مبارزه انقلابیون و دمکرات های مبارزان لوث نما بند، چنین می بیند از رنده که فرمت خوبی برای این محاکمه ارتجاعی بدست آورده اند. آنها همیشه تلاش کرده اند با اعلام دروغین آغا زما که سعادتی، با صلاح جاسوسی مجاهدین برای سوسیال امپریالیسم شوروی را برخ بکشند و موضوع را بحسب خود زنده نگهدارند. او اینک که به "برکت" موضعگیریهای آشکار و خصمانه آیت الله خمینی علیه مجاهدین و اجرای اهداف وی توسط او با شان حزب جمهوری، کلیه دفاتر مجاهدین و روزنامه مجاهد تعطیل شده است. و رادینو تلویزیون و مطبوعات و جو تحریک و عوام فریبی شدیدی را همچون تمام نیروهای انقلابی علیه مجاهدین بوجود آورده اند، مرتجعین در پی اجرای مقاصد خود تبلیغاتی و سیاسی خویش علیه مجاهدین و صدور رای سنگین برای سعادتی می باشد.

اما آنها همچون تمام مرتجعین سخت درانتهابند آنها هرگز نمی توانند با محاکمه یک مجاهد در بیدادگاه که حتی از نظر "فانسون" داعی رژیم نیز، حق محاکمه او را ندارد، در بیدادگاه که از وکیل مدافع وی خبری نیست... ذره ای از حقانیت مبارزاتی این مجاهد و سازمان وی بکا هند. بسیار خنده و است که سردمداران توطئه گیری برای ایجاد جو سازی و برای اینکه مقاصد خود را از نظر که خود میخواهد اجرا در آورند، اینروزها نغمه ساز کرده اند که بلی مجاهدین نیز با کودتاچیان مزدور آمریکائی سروسی داشته اند! اما این مرتجعین در مقابل سؤال مردم آگاهی که می پرسند آقا با سان! بالاخره مجاهدین خلق «جاسوس» شوروی اند یا همکار کودتاچیان آمریکائی؟! چه خواهند گفت! برایستی که درونگرم کا فظه است!

\*\*\*

دستگیر شده است جلوسینما آسیا واقع در خیابان محبوبه متحدین شمالی تیریز مشغول فروختن شربته راه کارگر بوده که توسط پاسداران دستگیر میشوند و همانجا مورد ضرب و شتم شدید قرار میگیرد. مردمی که در آنجا بودند سعی میکنند رای از دست پاسداران ارتجاع نجات دهند ولی آنها ادعا میکنند رای از طریق قا تونی آرا نخواهند نمود!

... بدین ترتیب رفیق حمید را بزور سوار ماشین کرده و با خود میبرد و در روز بعد جسد نیمه جانش در جاده اهر پیدا میشود! وی هم اکنون در بیمارستان خمینی تیریز بستری است و در صورت زنده ماندن احتمالاً آلفج خواهد شد.

\*\*\*

بالاخره محاکمه مجاهد اسپر و مبارزین با بقای که چندین ماه است در زندان شمشاخه اوین و در سب در همان لول هائی که در زمان رژیم شاه خود سیرا دران و همزمان انقلابی اش در آن زندانی بودند، بسر می برد، آغا زنده. این چندمین بار است که آغا زما که او اعلام میشود ولی این بار دشمنان سعادتی و تمام انقلابیون و خلقهای قهرمان ایران، قصداً رنده سعادتی از فرصت مناسب "به اهداف خود در این زمینه

## هدیه ارزنده یگی از رفتای دربند

یکی از رفتای هوادار سازمان که اینک در زندان رژیم جمهوری اسلامی بسر میبرد با استقبال از جو پهای کبریت ستاره زبانی درست کرده و آن را برای پیکار فرستاده است.

ما تصویر این ستاره را که ما نند دلهای انقلابیون آتشی در خود نهفته دارد و با آگری به اختری فرزوزان تبدیل میشود با همه انقلابیون اسیری که اینک استوار و سر بلند در زندانهای رژیم جمهوری اسلامی بسر میبرند در برابر چاپ میکنیم.



## ترور دانش آموز ۱۶ ساله در تیریز

در شماره ۲۵ پیکار به اطلاع هموطنان مبارز و نیرو - های انقلابی رساندیم که جسد نیمه جان جوانی در چاده اهر - تیریز توسط راننده یک کامیون پیدا شده است. و در همانجا هتادادیم که به احتمال زیاد این یک ترور سیاسی مشابه با ترور رفتای پیکارگر شهید مسمومالهی را و طبیب نجم الدینی دودا نشجوی کمونیست هوادار سازمان می باشد.

اینک اطلاع یافتیم جوانی که نا جوانمردانه ترور شده است، رفیق حمید رفقا حاتم دانش آموز سال سوم و هوادار "راه کارگر" می باشد. این رفیق روزی که

# مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست